





**دانشگاه امام صادق علیه السلام**

**دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ارشاد**

**پایان نامه دوره کارشناسی ارشد (گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی)**

**نماز جمعه در عصر غیبت حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف**

**در فقه امامیه**

**استاد راهنما:**

**حجت الاسلام دکتر احمدعلی قانع**

**استاد مشاور:**

**دکتر حسین بیرشک**

**دانشجو:**

**کیوان طلایی خو**

**اسفند ۱۳۹۲**

کلیه حقوق، اعم از چاپ و تکثیر، نسخه‌برداری، ترجمه،  
اقتباس و... از این پایان‌نامه کارشناسی ارشد برای دانشگاه  
امام صادق علیه‌السلام محفوظ است. نقل مطلب با ذکر مأخذ  
بلامانع است.

## چکیده

تردیدی در اهمیت برقراری نماز جمعه در اصلاح فرد و اجتماع وجود ندارد. حکم تکلیفی این امر الهی در اذهان عموم مردم متدین به تبع فتوای جمعی عظام وجوب تخییری در زمان غیبت است. این پایان‌نامه مروری دارد بر برخی از آیات قرآنی مربوط به نماز جمعه و روایات معصومان علیهم‌السلام نصوص فقهی مرتبط و سه نظریه مهم یعنی نظریه حرمت و وجوب تخییری و وجوب تعیینی نماز جمعه در زمان غیبت را همراه با ادله مطرح شده بازخوانی می‌کند. دلایل مطرح شده توسط قایلان حرمت را سست و ضعیف می‌داند و اعتقاد دارد قایلان بزرگوار قول تخییری نیز برای اثبات رای خود ادله روشن و قاطعی نیاورده و در نهایت قول به وجوب تعیینی نماز جمعه در این نوشته اثبات می‌گردد. در خلال مطالب اصلی به برخی از عوامل کم توجهی جوامع شیعی در مقابل توجه وافر جوامع اهل تسنن به این فریضه الهی اشاره شده است. با نقل کلمات بزرگان عرصه فقه و فقاہت ناتمام بودن اجماعات ادعا شده بر قول حرمت و یا نفی وجوب تعیینی به اثبات رسیده و به شبهات و ایرادات قول مختار یعنی وجوب تعیینی پاسخ داده شده است. اگر منظور از قایلان به وجوب تخییری وجوب ترتیبی باشد آنگاه نتیجه این پژوهش منطبق بر آراء آنها خواهد بود و در غیر این صورت شبهه مساوی بودن نماز ظهر و جمعه پر شور نبودن نمازهای جمعه را به دنبال خواهد داشت.

واژگان کلیدی: نماز جمعه، عصر غیبت، فقه امامیه.

## فهرست مطالب

### کلیات ..... ۱

۱-۱- بیان ضرورت تحقیق ..... ۲

۲-۱- سؤال‌های اصلی و فرعی تحقیق ..... ۲

۳-۱- فرضیه‌ی پژوهش ..... ۳

۴-۱- پیشینه‌ی تحقیق ..... ۳

۵-۱- روش تحقیق ..... ۶

۶-۱- وجه نوآوری این تحقیق ..... ۷

۷-۱- ارائه معنا و مفهوم برخی از واژه‌های مرتبط با بحث ..... ۷

### فصل دوم: بیان اهمیت نماز جمعه و مروری بر حکم آن ..... ۹

۱-۲- بیان اهمیت نماز جمعه ..... ۱۰

۲-۲- گذری بر سیره‌ی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام و انتظار فقهای شیعه

در مورد نماز جمعه ..... ۱۶

۳-۲- گذری بر انتظار فقهای اهل تسنن و روایات آن‌ها در مورد نماز جمعه ..... ۳۳

### فصل سوم: بررسی ادله در مورد حکم تکلیفی نماز جمعه ..... ۳۷

مقدمه ..... ۳۸

۳-۱-۱- دلیل اول: اجماع ..... ۳۹

۳-۱-۲- دلیل دوم: سیره ..... ۴۰

۳-۱-۳- دلیل سوم: وجوب یقینی نماز ظهر ..... ۴۱

۳-۱-۴- دلیل چهارم: لزوم حرمت نماز ظهر ..... ۴۲

۳-۱-۵- دلیل پنجم: ایجاد اختلاف و فتنه کردن در میان مسلمانان ..... ۴۲

- ۳-۱-۶- دلیل ششم: عدم صحت قیاس امر نماز جمعه به قضا و افتا ..... ۴۴
- ۳-۱-۷- دلیل هفتم: عدم شرکت برخی از علمای بزرگ در نماز جمعه ..... ۴۵
- ۳-۱-۸- دلیل هشتم: وجود برخی از روایات ..... ۴۷
- ۳-۱-۹- جمع بندی و نتیجه گیری ..... ۵۲
- ۳-۲-۲- بررسی نظریه وجوب نماز جمعه در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام ..... ۵۴
- ۳-۲-۱- بیان اقسام واجب و معنای هر قسم ..... ۵۴
- ۳-۲-۲- بررسی نصوص شرعی پیرامون حکم تکلیفی نماز جمعه ..... ۵۶
- ۳-۲-۲-۱- بررسی آیه شریفه ۹ سوره جمعه ..... ۵۶
- ۳-۲-۲-۲- اصل در واجبات، نفسی، عینی، تعیینی بودن است. ..... ۵۸
- ۳-۲-۲-۳- بررسی روایات باب ..... ۶۰
- ۳-۲-۲-۳-۱- روایت نفی غیر نماز جمعه در روز جمعه ..... ۶۰
- ۳-۲-۲-۳-۲- روایت مهر بر دل تارک جمعه زدن ..... ۶۱
- ۳-۲-۲-۳-۳- روایت هلاکت ..... ۶۱
- ۳-۲-۲-۳-۴- روایات منافق شدن تارک جمعه ..... ۶۲
- ۳-۲-۲-۳-۵- وجوب نماز بر کسی که کمتر از دو فرسخ فاصله دارد ..... ۶۲
- ۳-۲-۲-۳-۶- عدم وجوب بر برده و زن و کودک و مریض ..... ۶۳
- ۳-۲-۲-۳-۷- اکرام خدا نسبت به مؤمنین توسط نماز جمعه ..... ۶۴
- ۳-۲-۲-۳-۸- وجوب جمعه با تکمیل هفت نفر ..... ۶۵
- ۳-۲-۲-۳-۹- وجوب جمعه با تکمیل هفت یا پنج نفر ..... ۶۶
- ۳-۲-۲-۳-۱۰- معرفی معذورین وجوب نماز جمعه ..... ۶۶
- ۳-۲-۲-۳-۱۱- روایت دیگر معرفی معذورین وجوب نماز جمعه ..... ۶۷

- ۱۲-۳-۲-۲-۳. روایت دیگر معرفی وجوب نماز جمعه ..... ۶۷
- ۱۳-۳-۲-۲-۳. معرفی بارش باران به عنوان یکی از اعذار ..... ۶۸
- ۱۴-۳-۲-۲-۳. شرط نماز جمعه جماعت است ..... ۶۸
- ۱۵-۳-۲-۲-۳. شرط نماز جمعه امام است ..... ۶۹
- ۱۶-۳-۲-۲-۳. درک یک رکعت جمعه درک جمعه است ..... ۶۹
- ۱۷-۳-۲-۲-۳. درک رکوع درک جمعه است ..... ۶۹
- ۱۸-۳-۲-۲-۳. نفی وجوب جمعه در سفر ..... ۷۰
- ۱۹-۳-۲-۲-۳. امکان امامت یکی از هفت نفر در صورت عدم خوف ..... ۷۰
- ۲۰-۳-۲-۲-۳. روایت حث ..... ۷۱
- ۲۱-۳-۲-۲-۳. طرح یک سؤال ..... ۷۱
- ۳-۲-۳- خلاصه و نتیجه ..... ۷۴
- ۳-۲-۴- مروری بر نصوص فقهی (انظار فقیهان قدیم و جدید) درباره‌ی حکم تکلیفی نماز جمعه ..... ۷۴
- ۳-۲-۴-۱- مقنعه شیخ مفید ..... ۷۴
- ۳-۲-۴-۲- المذهب قاضی عبدالعزیز ..... ۷۵
- ۳-۲-۴-۳- غنیة حمزة بن علی ..... ۷۶
- ۳-۲-۴-۴- کافی ابی اصلاح حلبی ..... ۷۶
- ۳-۲-۴-۵- الجمل و العقود شیخ طوسی ..... ۷۷
- ۳-۲-۴-۶- الوسيلة ابن حمزه ..... ۷۷
- ۳-۲-۴-۷- فقه القرآن راوندی ..... ۷۸
- ۳-۲-۴-۸- السرائر ابن ادریس ..... ۷۹

- ۳-۲-۴-۹- المختصر النافع محقق حلی ..... ۸۰
- ۳-۲-۴-۱۰- المنتهی علامه حلی ..... ۸۲
- ۳-۲-۴-۱۱- لمعة شهید اول ..... ۸۵
- ۳-۲-۴-۱۲- شرح لمعة شهید ثانی ..... ۸۶
- ۳-۲-۴-۱۳- حدائق شیخ یوسف بحرانی ..... ۹۲
- ۳-۲-۴-۱۴- مفاتیح الشرایع فیض کاشانی ..... ۹۲
- ۳-۲-۴-۱۵- وسائل الشیعة شیخ حر عاملی ..... ۹۳
- ۳-۲-۴-۱۶- بحار الانوار محمد باقر مجلسی ..... ۹۳
- ۳-۲-۴-۱۷- جامع الشتات میرزای قمی ..... ۹۳
- ۳-۲-۴-۱۸- ریاض السمائل سید علی طباطبائی ..... ۹۴
- ۳-۲-۴-۱۹- مستدرک الوسائل میرزا حسین نوری ..... ۹۵
- ۳-۲-۴-۲۰- مستند الشیعة احمد نراقی ..... ۹۶
- ۳-۲-۴-۲۱- اجماعات فقه شیعه اسماعیل مرعشی ..... ۹۶
- ۳-۲-۴-۲۲- فقه الامام الصادق محمد جواد مغنیه ..... ۹۷
- ۳-۲-۴-۲۳- الفقه سید محمد شیرازی ..... ۹۸
- ۳-۲-۴-۲۴- منهاج الصالحین سیدعلی سیستانی ..... ۹۸
- ۳-۲-۴-۲۵- تحریر الوسيلة امام خمینی ..... ۹۹
- ۳-۲-۴-۲۶- دیگر مراجع تقلید معاصر ..... ۹۹
- ۳-۲-۴-۲۷- اجوبة الإستفتائات مقام معظم رهبری ..... ۱۰۰
- ۳-۲-۵- جمع بندی و نتیجه گیری ..... ۱۰۱

- ۳-۳- بررسی ادله نفی وجوب عینی (تعینی) نماز جمعه در عصر غیبت ..... ۱۰۲
- ۳-۳-۱- اجماع ..... ۱۰۲
- ۳-۳-۲- واجب نبودن تعلم خطبه بر مردم ..... ۱۰۳
- ۳-۳-۳- سقوط نماز جمعه بر کسی که به مقدار دو فرسخ از آن فاصله بگیرد ..... ۱۰۵
- ۳-۳-۴- ترک نماز جمعه توسط راویان و اصحاب ائمه علیهم السلام: ..... ۱۰۶
- ۳-۴- بیان برخی دیگر از ادله یا مؤیدات بر وجوب عینی تعیینی نماز جمعه ..... ۱۰۷
- ۳-۴-۱- احکام شرعی اختصاص به زمان خاصی ندارد ..... ۱۰۷
- ۳-۴-۲- کثرت روایات مربوط به نماز جمع و صراحت آنها ..... ۱۰۸
- ۳-۴-۳- تکیه بر اعتبار منصب امامت و ولایت ..... ۱۰۸
- ۳-۴-۴- اذن فحوی ..... ۱۰۹
- ۳-۴-۵- اصل عدم شرط زائد ..... ۱۰۹
- ۳-۴-۶- مفاد اصول عملیه ..... ۱۱۰
- ۳-۴-۷- اجماع ..... ۱۱۱
- ۳-۴-۸- مطالبی پیرامون آیه ۹ سوره جمعه ..... ۱۱۱
- ۳-۴-۹- آیات دیگر قابل استناد ..... ۱۱۳
- ۳-۴-۱۰- نکته ای دیگر ..... ۱۱۵
- ۳-۴-۱۱- مطلبی دیگر (ظهور امر در وجوب) ..... ۱۱۶
- ۳-۴-۱۲- جواب اشکال شرطیت حضور معصوم علیه السلام ..... ۱۱۶
- ۳-۴-۱۳- حدیث سنت بودن نماز جمعه تا روز قیامت ..... ۱۱۸
- ۳-۴-۱۴- حدیث منافق بودن تارک ..... ۱۲۰
- ۳-۴-۱۵- حدیث اهمیت نماز جمعه نسبت به عیدین ..... ۱۲۰

۳-۴-۱۶- عدم شرطیت اذن معصوم یا نایب او برای شرعیت نماز جمعه ..... ۱۲۱

۳-۴-۱۷- آیا احادیث باب از نظر سند ضعیف نیستند؟ ..... ۱۲۲

۳-۵- خلاصه و نتیجه‌ی کل تحقیق ..... ۱۲۳

منابع و مأخذ ..... ۱۲۹

# فصل اول:

## کلیات

## ۱-۱- بیان ضرورت تحقیق

نماز جمعه یکی از مهم ترین فریضه های دینی در شرع مقدس اسلام است. انسان مسلمان، مکلف است تا در زمان حضور حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و حضرات معصومین علیهم السلام، نماز جمعه را به شکل یک امر واجب عینی تعیینی اقامه نماید و در میان فقهای عظام در فقه امامیه، بر این مطلب اجماع وجود دارد. اما در زمان غیبت، عدّه‌ای از فقهای عظام حکم نماز جمعه را وجوب تخییری، عدّه‌ای دیگر وجوب عینی و در نهایت عدّه‌ای اقامه‌ی نماز جمعه در زمان غیبت را حرام می‌دانند. اگر چه نظر مشهور در حال حاضر وجوب تخییری است اما بحث و بررسی پیرامون استدلال‌های هر سه دسته و بازخوانی نظرات و دلایل اختلاف آن‌ها در طول تاریخ به عنوان یک پژوهش خالی از فایده نیست. پژوهشگر معتقد است اگر چه کتاب‌ها و رساله‌ها و مقالاتی در این باب نگارش شده اما بازبینی و دسته‌بندی نظرات مطرح نشده در این مکتوب بار دیگر مفید خواهد بود به ویژه آن‌که ما در زمان حکمرانی ولی فقیه جامع‌الشرایط زندگی می‌کنیم و عملاً اهمیت و ارزش نماز جمعه را حس کرده که چگونه این کنگره‌ی عظیم الهی هر هفته در رواج اعتقادات صحیح، مواظظ اخلاقی، احکام شرعی، مصالح فردی و اجتماعی، و به‌طور خلاصه در اصلاح سیاست، فرهنگ، اخلاق و دین فرد و اجتماع تأثیر معجزه آسایی دارد.

## ۱-۲- سؤال‌های اصلی و فرعی تحقیق

درباره‌ی حکم تکلیفی نماز جمعه، سؤال‌های اصلی و فرعی زیر را خواهیم داشت:

**سؤال اصلی:** حکم تکلیفی اقامه‌ی نماز جمعه در عصر غیبت حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه

الشریف در فقه امامیه چیست؟ و ادله‌ی قول مختار چه می‌باشد؟

**سؤال فرعی ۱:** حکم تکلیفی اقامه‌ی نماز جمعه در فقه اهل سنت چیست؟

**سؤال فرعی ۲:** مقایسه‌ی حکم تکلیفی اقامه‌ی نماز جمعه در عصر غیبت در فقه امامیه با فقه

اهل سنت، ما را به چه مطلبی می‌رساند؟

### ۱-۳- فرضیه‌ی پژوهش

فرضیه‌ی ما در آغاز این تحقیق آن بود که حکم تکلیفی نماز جمعه در عصر غیبت حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در فقه امامیه، وجوب تخییری است. (نه وجوب تعیینی و نه حرمت). گمان می‌کردیم این فرضیه، نظریه‌ی مشهور فقهای عظام در فقه امامیه راجع به اقامه‌ی نماز جمعه باشد. اما آنچه گفته شد فرضیه پیش از تحقیق بود. در عمل و در خلال مطالعات و پژوهش مطلب دیگری، را به دست آوردیم یعنی اولاً: متوجه شدیم که برخلاف تصور بسیاری از مردم، قول به وجوب تخییری، قول مشهور فقهای شیعه در همه‌ی زمان‌ها نیست و ثانیاً: این قول توسط ادله‌ی فقهی تأیید نمی‌شود بلکه قول به وجوب تعیینی نماز جمعه از استواری بیشتری برخوردار و مؤید به تأیید ادله می‌باشد.

### ۱-۴- پیشینه‌ی تحقیق

اگر چه بحث و بررسی پیرامون موضوع این پژوهش و ابراز نظرات مختلف به همراه ادله‌ی اجتهادی آن در اغلب کتب فقهی مشاهده می‌شود اما بررسی‌های همه‌جانبه‌ای که در بردارنده‌ی نظرات مختلف باشد محدود است. میزان نگارش این رساله‌ها و کتاب‌ها به اهمیت نماز جمعه در هر عصری بر می‌گردد. در روزگار حکومت صفویه نگارش این رساله‌ها و کتب به اوج خود رسید و در حال حاضر برخی از محققین تعداد کتب و رساله‌ها پیرامون نماز جمعه را بیش از هزار عنوان می‌دانند که به ما به تناسب وسع و امکانات خود نام برخی از آن‌ها را می‌آوریم:

۱- رساله فی صلاة الجمعة (زین الدین عاملی معروف به شهید ثانی)

۲- الحث علی صلاة الجمعة (زین الدین عاملی معروف به شهید ثانی)

- ۳- رسالۀ فی آداب الجمعة (زین الدین عاملی معروف به شهید ثانی)
- ۴- الشهاب الثاقب (ملا محسن فیض کاشانی)
- ۵- ابواب الجنان (ملا محسن فیض کاشانی)
- ۶- رسالۀ فی صلاة الجمعة (حسین ابن عبد الصمد)
- ۷- رسالۀ فی صلاة الجمعة (محمد ابن عبد الفتاح معروف به تنکابنی)
- ۸- القامعۀ للبدعة فی ترک صلاة الجمعة (عبد الله ابن صالح سماهيجی)
- ۹- كشف الریبه عن حکم صلاة الجمعة فی ازمنة الغیبة (میرزا علی ابن محمد)
- ۱۰- نماز جمعه (ملا محمد طاهر قمی)
- ۱۱- رسالۀ رجا الحق (ملا محمد طاهر قمی)
- ۱۲- جمعة من مسائل الجمعة (سید مرتضی ابن محمد ساروی)
- ۱۳- صلاة الجمعة (ملا محمد باقر ابن محمد مومن معروف به محقق سبزواری خراسانی)
- ۱۴- صلاة الجمعة (عبد الله حسینی مدنی)
- ۱۵- رسالۀ فی صلاة الجمعة (نظام الدین محمد ابن حسین قریشی ساوجی)
- ۱۶- رسالۀ فی صلاة الجمعة و اختیار وجوبها الرسالة الصدرية (صدر الدین محمد قزوینی)
- ۱۷- الحجة فی وجوب الجمعة (محمد مقیم فرزند محمد علی یزدی)
- ۱۸- وسیلة النجاة فی سورة الجمعة (محمد مقیم فرزند محمد علی یزدی)
- ۱۹- رسالۀ فی صلاة الجمعة (سلیمان ابن عبد الله بحرانی ماحوزی)
- ۲۰- حرمة صلاة الجمعة فی السفر (محمد مسیح ابن اسماعیل فسوی معروف به مسیحا)
- ۲۱- رسالۀ فی صلاة الجمعة و اختیار الوجوب العینی (عبد العظیم ابن عباس استرآبادی)
- ۲۲- رساله در نماز جمعه (ملا عبد الله ابن حسین شوشتری)

- ۲۳- رساله در نماز جمعه و وجوب آن (مولی محمد ابن حسن)
- ۲۴- صلاة الجمعة (مولی عوض شوشتری)
- ۲۵- رسالة فی صلاة الجمعة و القول بوجوبها (احمد ابن محمد ابن يوسف بحرانی)
- ۲۶- رسالة فی وجوب صلاة الجمعة (سید محمد تقی ابن ابی الحسن حسینی استرآبادی)
- ۲۷- رسالة فی صلاة الجمعة و وجوبها العینی (مولی عماد ابن یونس)
- ۲۸- رسالة الجمعة (محمد ابن حسن حر عاملی)
- ۲۹- رسالة فی صلاة الجمعة (زین الدین علی ابن سلیمان ابن درویش ابن حاتم قدمی)
- ۳۰- رسالة فی صلاة الجمعة و وجوبها عینا (شیخ علی ابن شیخ محمد ابن احمد بحرانی)
- ۳۱- صلاة الجمعة و وجوبها العینی فی زمن الغیبة (محمد باقر مجلسی)
- ۳۲- رسالة فی صلاة الجمعة (محمد تقی مجلسی)
- ۳۳- رسالة صلاة الجمعة و القول بالوجوب العینی فی غایة البسط (سید حسن عاملی)
- ۳۴- رسالة فی صلاة الجمعة و عینیتها فی زمن الغیبة (جعفر ابن حسین ابن موسوی خوانساری)
- ۳۵- صلاة الجمعة و وجوبها (حسین ابن حسن ابن احمد ابن سلیمان غریفی بحرانی)
- ۳۶- دوازده رساله‌ی فقهی درباره‌ی نماز جمعه در روزگار صفویه (رسول جعفریان)
- و در زمان معاصر نیز که بار دیگر به برکت پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران و همّت بزرگ مجدّد و مُحیی دین حضرت امام خمینی <sup>قدس سرّه الشّریف</sup>، نماز جمعه رونق یافت و ثمرات لحظه به لحظه‌ی آن را مشاهده می‌کنیم پژوهش‌هایی صورت گرفته که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:
- ۱- نماز جمعه در فقه و تاریخ اسلام (عظیمی، حبیب الله)
- ۲- صلاة الجمعة تاریخیاً و فقهیاً (الجابری، کاظم)
- ۳- صلاة الجمعة (التسخیری، محمد علی - قانصوه، محمود)

- ۴- یک بررسی تحقیقی و استدلالی پیرامون وجوب نماز جمعه (محمدی محمد- الحاج سیداسماعیل، الحسینی المرعشی)
- ۵- عوامل مرتبط با میزان شرکت کارکنان در نماز جمعه (احمدی خدابخش، بیگدلی، زهرا- رئیس، فاطمه)
- ۶- امام جمعه‌ی دیروز از زبان امام جمعه امروز در گفت و شنود (علماء، مصطفی)
- ۷- تأملی در تاریخ نماز جمعه تا پایان خلافت عباسی (رودگر، قنبرعلی)
- ۸- منبر و دین نماز جمعه در عصر غیبت از دیدگاه مذاهب اسلامی (تقوی، حسین)
- ۹- نماز جمعه در عصر صفویه (آصفی، رضا)
- ۱۰- پژوهشی در رساله‌های نماز جمعه در دوره‌ی صفویه (جعفریان، رسول)

#### ۵-۱- روش تحقیق

روش ما در این پژوهش چیزی جز شیوه‌ی مرسوم و متداول پژوهش در علوم انسانی و علوم اسلامی نیست و از نتیجه‌ی تحقیقات صاحب‌نظران فن استفاده و بر ادله و حاصل استنتاج فقه‌های بزرگوار که روش کار آن‌ها روش اجتهادی است، مرور و نظر می‌کنیم. ما در این تحقیق نظرات و ادله‌ی آن‌ها را نقل و توصیف نموده و در مواردی تحلیل خود را ارائه داده‌ایم پس روش تحقیق را می‌توان توصیفی- تحلیلی نامید.

پس از مطالعه و فیش‌برداری از مطالب بیش از یک‌صدوبیست منبع (اعم از کتاب و مقاله) به افراز و جداسازی فیش‌ها براساس موضوع سرفصل‌ها اقدام نموده و سپس نگارش و نقل نظرات و استدلال‌های فقه‌های عظام را آغاز کردیم. در مواردی که بضاعت مزجاء علمی ما اجازه می‌داد به نقد و تحلیل و ترجیح برخی از نظرات بر برخی دیگر پرداختیم و در نهایت قول مشهور فقه‌های شیعه متقدم و غیرمشهور فقه‌های معاصر را که همان وجوب عینی تعینی بود بر دو قول دیگر راجح دانستیم.

## ۱-۶- وجه نوآوری این تحقیق

وجه نوآوری در آن است که علاوه به ذکر نظریات وجوب تخییری، وجوب عینی و حرمت، سعی شد تا ترجیح یکی از این نظریات بر نظریات رقیب نشان داده شود. به عبارت دیگر تلاش شده تا ضمن گزارش تاریخی پیرامون اقامه نماز جمعه در عصر غیبت و بیان مستندات و استدلال‌ها، نظر راجح معرفی گردد.

## ۱-۷- ارائه معنا و مفهوم برخی از واژه های مرتبط با بحث

**وجوب:** عبارت است از خواست انجام کاری و راضی نبودن به ترک آن به طوری که انجامش پاداش و ترکش کیفر خواهد داشت. مانند وجوب نماز و وجوب ادای امانت.

**وجوب تخییری:** آن است که شارع چیزی را به طور هم‌عرض و مساوی از میان چند چیز خواسته باشد به گونه‌ای که هر یک بدل دیگری و به جای دیگری باشد. مثل خصال کفاره، افطار عمدی روزه ماه مبارک رمضان و ... .

**وجوب تعیینی:** وجوبی است که شارع تنها همان را می‌خواهد و در عرض آن چیزی نیست. مثل وجوب نمازهای یومیه. وجوب تعیینی و تخییری در مقابل هم قرار دارند.

**وجوب عینی:** گاهی چیزی یا کاری را شرع یا قانون‌گذار از همه می‌خواهد و همه مکلف به انجام آن می‌شوند و با انجام آن به وسیله‌ی یک یا چند نفر، از عهده‌ی دیگران ساقط نمی‌شود و در مقابل وجوب کفایی قرار دارد که با انجام کار توسط یک یا چند نفر از عهده‌ی دیگران ساقط می‌شود. مثال وجوب عینی نماز و روزه و مثال کفایی نجات انسان غریق یا جهاد و امر به معروف و ... است.

**حرمت:** عبارت است از خواستن ترک کاری و راضی نبودن به انجام آن به طوری که ترکش پاداش و انجامش کیفر خواهد داشت. مانند حرمت شراب‌خواری، قماربازی و ... .

**احکام تکلیفی:** به مجموع پنج نوع حکم وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه در

اصطلاح فقه و اصول احکام خمسه‌ی تکلیفیه گویند. مثال وجوب حج برای مستطیع، مثال حرمت غیبت و تهمت، مثال کراهت کندن ناخن با دندان، مثال استحباب وضو داشتن همیشگی و مثال اباحه پیاده روی به محل کار است.

**احکام وضعی:** هر چه را در تعبیرات اصولی، فقهی و شرعی حکم بگویند و جزء این پنج حکم تکلیفی نباشد، حکم وضعی می‌نامند. از قبیل: شرطیت، مانعیت، علیت، علامت، رخصت، عزیمت، زوجیت، مالکیت و...<sup>۱</sup>.

**دوره‌ی غیبت:** یعنی عصری که حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در پس پرده‌ی غیبت به سر می‌برند و به دوره‌ی غیبت صغری و کبری تقسیم‌بندی می‌شود. در دوره‌ی غیبت، ولایت با فقهای عظام است که تا عصر حاضر ادامه دارد و تا زمان ظهور ادامه خواهد داشت.

**فقیه جامع‌الشرایط:** فقیهی است که شرایط فتوی دادن برای دیگران یا قضاوت کردن در مخاصمات را دارا باشد.<sup>۲</sup>

---

۱. مبانی استنباط، صص ۴۶-۴۹، الموجز فی اصول الفقه، ص ۵۳  
۲. لغت نامه دهخدا، نیز توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۲۴ پیوست

## فصل دوم:

# بیان اهمیت نماز جمعه و مروری بر حکم آن

## ۲-۱- بیان اهمیت نماز جمعه

اهمیت نماز جمعه را از طریق محورهای گوناگون می‌توان پی برد از جمله:

امر صریح خداوند در آیه شریفه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ<sup>۱</sup>

هان ای کسانی که ایمان آوردید هنگامی که در روز جمعه برای نماز جمعه اذان داده می‌شود

به‌سوی ذکر خدا بشتابید و دادوستد را رها کنید، اگر بفهمید این برای شما بهتر است.<sup>۲</sup>

مفسر بزرگ مرحوم طبرسی می‌نویسد:

در این آیه دلیلی بر وجوب نماز جمعه و تحریم کارهای دیگر به هنگام شنیدن اذان روز جمعه

وجود دارد. اگر خداوند بیع را به عنوان خاص نهی کرد از آن جهت بود که یکی از مهمترین کارها و

سبب‌ها در کسب و معاش است و نهی دلالت بر فساد دارد.<sup>۳</sup>

همین طور مرحوم فیض کاشانی در ذیل این آیه ی شریفه آورده است: خداوند متعال مردم را

به اجتماع در روز جمعه (نماز جمعه) امر کرده و بر ترک معامله و داد و ستد و شتافتن به سوی یاد

خدا را از هر معامله دیگر دنیوی بهتر دانسته زیرا نفع آخرت باقی‌تر و برتر است.<sup>۴</sup>

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیه شریفه می‌گوید: در این آیه عتابی است برای کسی که

به جای رفتن به نماز جمعه به لهو و تجارت و امثال آن می‌پردازد... مراد از ذکر خدا در این آیه نماز

---

۱. الجمعة / ۹

۲. الجمعة / ۹

۳. مجمع البیان، ج ۹-۱۰، ص ۴۳۴

۴. تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۷۴

است و برخی آن را خطبه‌های قبل از نماز دانسته‌اند و نهی از هر کاری غیر از نماز جمعه است و اما علت بیان بیع آن است که از آشکارترین مصادیق کارهایی است که انسان را از نماز بازمی‌دارد.<sup>۱</sup>

و در شان نزول آخرین آیهی شریفه‌ی سوره‌ی جمعه یعنی آیه: **وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ**

و چون در بین نماز از تجارت و لهوی با خبر می‌شوند به سوی آن متفرق گشته تو را در حال خطبه سرپا رها می‌کنند بگو آنچه نزد خدا است از لهو و تجارت بهتر است و خدا بهترین رازقان است.<sup>۲</sup>

(در شان نزول این آیه) آمده که در یکی از سال‌ها که مردم مدینه گرفتار خشکسالی و گرسنگی و افزایش نرخ اجناس شده بودند (دحیه) کاروانی از شام فرا رسید و با خود مواد غذایی آورده بود در حالی که روز جمعه بود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مشغول خطبه نماز جمعه بودند. طبق معمول برای اعلام ورود کاروان طبل زدند و حتی بعضی دیگر آلات موسیقی را نواختند. مردم با سرعت خود را به بازار رساندند در این هنگام مسلمانانی که در مسجد برای نماز اجتماع کرده بودند خطبه را رها کرده و برای تأمین نیازهای خود به سوی بازار شتافتند. تنها دوازده مرد و یک زن در مسجد باقی ماندند. آیه نازل شد و آن‌ها را سخت مذمت کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اگر این گروه اندک هم می‌رفتند از آسمان سنگ بر آن‌ها می‌بارید.<sup>۳</sup>

و اما روایات نشان دهنده ی اهمیت نماز جمعه فراوان است که به عنوان نمونه چند مورد آن را می‌آوریم:

---

۱. المیزان ج ۱۹ ص ۳۱۶

۲. الجمعة / ۱۱

۳. التبیان، ج ۱۰، ص ۹ و نیز تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۸۲

قال رسول الله ﷺ: من أتى الجمعة إيمانا و احتسابا استأنف العمل<sup>١</sup>، کسی که از روی ایمان و اخلاص نماز جمعه برود کار را از سر گیرد گویا از مادر متولد شده است و تا کنون گناهی نکرده است.

مضمون این روایت به گونه ی دیگری نیز نقل شده است :

عن علي عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: اربعة يستأنف العمل المريض اذا برى و المشرك اذا اسلم و المنصرف من الجمعة إيمانا و احتسابا و الحاجّ.

چهار گروه اعمالشان از آغاز محاسبه می شود (گناهانشان بخشیده می شود) مریضی که از بیماری رها شود، مشرکی که اسلام بیاورد و کسی که با ایمان و توجه از نماز جمعه برگشته و حاجی که از حج برمی گردد.<sup>٢</sup>

و قال الامام الصادق عليه السلام: ما من قدم سعت الى الجمعة الا حرم الله جسدها على النار. گامی که به سوی نماز جمعه بشتابد خداوند آتش را بر او حرام می کند.<sup>٣</sup>

در روایتی وجود مبارک رسول اکرم ﷺ نماز جمعه را حج فقرا معرفی می کنند.  
جاء اعرابی الى النبي ﷺ يقال له قلب فقل يا رسول الله أنى تهيت الى الحج كذا و كذا مره فما قدر لي ، فقال: يا قلب عليك بالجمعة فإنها حج المساكين<sup>٤</sup>

یعنی: ای پیامبر خدا! من سعی کرده ام برای حج کسب استطاعت کنم اما نتوانسته ام و برایم حج مقدر نشده است. حضرت فرمودند ای قلب بر تو باد به نماز جمعه که حج فقر است.

و نیز از آن وجود گرامی نقل است که فرمودند :

ما من مؤمن مشى بقدميه الى الجمعة الا خفف الله عليه احوال يوم القيامة

---

١ . وسائل الشیعة، ج ٥ ص ٣ و نیز جامع احادیث الشیعة، ج ٦، ص ٤١٢

٢ . جامع احادیث الشیعة، ج ٦، ص ٤١٢ و نیز مستدرک الوسائل، ج ١ ص ٤٠٧ و نیز المذهب قاضی عبدالعزیز، ج ١ ص ٩٩

٣ . وسائل الشیعة، ج ٥ ص ٣ و نیز بحار الانوار، ج ٨٦ ص ١٨٤

٤ . وسائل الشیعة، ج ٥، ص ٥

مومن با گام‌های خود به نماز جمعه نمی‌رود مگر آنکه سختی‌های روز قیامت برای او آسان شود.<sup>۱</sup>

مطالعه کننده ژرف‌نگر توجه دارد که نقل آیات و روایاتی که اهمیت نماز جمعه را می‌رساند با توضیحی که در آینده ارائه خواهد شد خود دلائلی است بر رد قول کسانی که اقامه‌ی این نماز را در زمان غیبت حرام دانسته‌اند.

و در روایتی حضرت ختمی مرتبت فرموده‌اند:

يجلس الناس من الله يوم القيامة على قدر رواحهم الى الجمعة. میزان قرب و بعد مردم از خداوند به میزان رفتن آن‌ها به نماز جمعه بستگی دارد.<sup>۲</sup>

و فرزند ارجمندشان امام باقر علیه‌السلام فرموده‌اند:

يدخل المومنون الى الجنة على قدر سبقهم الى الجمعة. مومنان به نسبت سبقشان به نماز جمعه در رفتن به بهشت از هم پیشی می‌گیرند.<sup>۳</sup>

و نواده‌ی دیگر ارجمندشان امام صادق علیه‌السلام بیان داشته‌اند:

ان الله اكرم المومنين بالجمعة فسنها رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بشاره لهم و توبيخاً للمنافقين و لا ينبغي تركها متعمدا فمن تركها متعمدا فلا صلاة له.

خداوند مومنان را با نماز جمعه گرامی داشته است و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این هدیه را سستی قرار داد تا برای مؤمنان بشارتی باشد و برای منافقان توبیخی و لذا ترک آن از روی عمد شایسته نیست و هر کس آن را عمدا ترک کند نمازی برای او نیست.<sup>۴</sup>

---

۱. جامع احادیث الشیعه، ج ۶، ص ۴۱۸

۲. جامع احادیث الشیعه، ج ۶، ص ۴۱۰

۳. جامع احادیث الشیعه، ج ۶، ص ۴۰۸

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۰۷

آنچه تا اینجا نقل شد روایاتی بود که جنبه‌ی مثبت و ثواب رفتن به نماز جمعه را می‌رساند و خواننده‌ی گرامی توجه دارد که هیچ‌یک از روایت‌ها مقید به حضور امام معصوم علیه‌السلام و یا زمان خاصی نبود. حال بار دیگر اهمیت این فریضه‌ی الهی و مأمور به ربّانی را از طریق روایاتی که وعده‌ی عقاب و مجازات بر ترک آن داده‌اند پی می‌گیریم:

مرحوم شهید ثانی در رساله‌ای که با عنوان «رسالة الجمعة» به نگارش در آورده از وجود مبارک رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایاتی را نقل می‌کند که برخی از آن‌ها را می‌آوریم:

حضرت فرمودند: لِيَنْتَهَيْنَ أَقْوَامٌ عَنْ رَدْعِهِمُ الْجُمُعَاتِ أَوْ لِيَخْتِمَنَّ عَلَى قُلُوبِهِمْ ثُمَّ لِيَكُونَنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ<sup>۱</sup>

یعنی: حتماً گروه‌هایی که نماز جمعه را رها کرده‌اند باید این رفتار را ترک گویند و الا خداوند بر دل‌هایشان مهر زده و سپس جزء غافلان قرار می‌گیرند.

و قال النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم في خطبه طويله نقلها المخالف و الموالف: ان الله تعالى فرض عليكم الجمعة فمن تركها في حياتي او بعد موتي استخفافا بها او جحودا لها فلا جمع الله شمله و لا بارك له في امره الا و لا صلاة له، الا و لا زكاة له، الا و لا حج له، الا و لا صوم له، الا و لا برّ له حتى يتوب.<sup>۲</sup>

حضرت ختمی مرتبت در خطبه‌ای طولانی که هر دو فرقه سنی و شیعه نقل کرده‌اند فرمودند: خداوند بر شما نماز جمعه را واجب گرداند پس هر کسی آن را در زمان زندگی من و پس از مرگ من ترک کند و دلیل ترک او سبک شمردن نماز یا انکار آن باشد، خداوند تفرق او را جمع نکند (یا نمی‌کند)، و به کارش برکت ندهد (یا نمی‌دهد) آگاه باشد... او نمازش پذیرفته نمی‌شود زکاتش پذیرفته نمی‌شود. حج و روزه و دیگر کارهای نیکش قبول نمی‌گردد مگر آنکه توبه کنند.

۱. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۶

۲. وسائل الشیعة ج ۵، ص ۷ و نیز مسند احمد بن حنبل ج ۳، ص ۲۸۸ با اندک تفاوت

اطلاق روایات همه زمان‌ها و از جمله زمان غیبت را شامل می‌شود خصوصا که حضرت تاکید می‌فرمایند «در زمان زندگیم و پس از مرگ من» که باز پس از رحلت حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زمان غیبت امامان معصوم علیهم‌السلام را شامل می‌شود و لحن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این روایات به گونه‌ای نیست که کسی بتواند شرکت در نماز جمعه را حمل بر استحباب کند و آن را صرفا یک کار مرجحی بشمارد.

روایت دیگری از آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مطلب را به روشنی بیشتر بیان می‌دارد:

ان الله كتب عليكم الجمعة فريضة واجبة الى يوم القيامة<sup>۱</sup>

یعنی: خداوند متعال نماز جمعه را بر شما واجب گردانیده اند تا روز قیامت.

اگر کسی علی رغم کلماتی که در این روایات به کار رفته (کتب - فريضة - واجبه - الى يوم القيامة) باز در وجوب این فريضه‌ی الهی شک کند و یا وجوب آن را مقید به زمان حضور معصوم علیه‌السلام بداند باید انکار او را مکابره و لجاجت دانست و نه برداشت عادی و عرفی از روایات.

ابی بصیر و محمد بن مسلم (که دو صحابی و راوی امامی مورد اعتماد هستند) از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده‌اند که فرمود: من ترک الجمعة ثلاث متواليات بغیر علة طبع الله علی قلبه. یعنی

کسی که سه هفته نماز جمعه را بدون علت (قابل قبول) ترک کند خدا بر دل او مهر می‌زند.<sup>۲</sup>

همچنین زراره از ایشان نقل کرده که فرمودند:

من ترک الجمعة رغبة عنها و عن جماعة المومنين من غير علة فلا صلاة له<sup>۳</sup>

کسی که از روی بی رغبتی (و بی توجهی) نسبت به نماز جمعه و جماعت مسلمانان نماز جمعه را ترک کنند گویا نمازش نماز نیست (نمازش مورد قبول قرار نمی‌گیرد). مضمون این دو روایت بصورت مکرر از راویان دیگر و از امام صادق علیه‌السلام نیز نقل شده است.<sup>۱</sup>

۱. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۶

۲. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴ ح ۱۱

۳. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴ ح ۱۳

ملاحظه فرمودید که همه روایات (که البته ما برخی را به عنوان نمونه نقل کردیم) به خوبی ضمن بیان اهمیت این واجب ربانی، حکم تکلیفی آن را نیز مشخص می‌کنند که ما در فصول بعدی بدان خواهیم پرداخت. (بعونه و منّه و کرمه)

## ۲-۲- گذری بر سیره ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و امامان معصوم علیهم السلام و انظار فقهای شیعه در مورد نماز جمعه<sup>۲</sup>

برگزاری نماز جمعه توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در مدینه آغاز شد و خود حضرت این فریضه مؤکد قرآنی را اقامه می‌کردند.

«گفته می‌شود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نماز جمعه را در قباء یا در سر راه قباء به مدینه اقامه فرمود. برخی را عقیده بر این است که نماز جمعه در مکه واجب شد، اما به علت عدم تمکن نتوانستند در مکه اقامه کنند. شاید ابن غرس به همین مطلب اشاره داشته باشد، آنجا که میگوید: هرگز در مکه نماز جمعه اقامه نشد.

ممکن است، در وجوب نماز جمعه به این زودی در مدینه هم تردید کنند. به این اعتبار که سوره جمعه سالها پس از هجرت فرود آمد و بلکه از آخرین سوره های قرآن است که نازل شد. اما این تردید بی مورد است؛ زیرا سوره جمعه نظر به تشریع نماز جمعه ندارد، بلکه از لزوم سعی برای شرکت در نماز جمعه ای سخن میگوید که اقامه می‌شود. بنابراین ممکن است، نماز جمعه پیش از این تشریع شده باشد، اما برخی از مسلمانان برای شرکت در آن، سستی و سهل

---

۱. ر.ک. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴-۷

۲. مطالب این گفتار انتخاب و ترجمه و تخیلی است از بخشهایی از کتاب «صلاة الجمعة تاريخياً و فقهياً» تألیف آقای کاظم الجابری با مقدمه ی علامه شیخ آصفی صص ۱۹ الی ۶۰ البته نقل روایات از منابع اصلی است و در خلال بحث مطالبی توضیحی و انتقادی اضافه شده است.

انگاری می کردند. از این رو این سوره مبارکه نازل شد تا آنان را برای حضور در این مراسم مهم برانگیزد.

شاید همین سهل انگاران و کاهلان بودند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آنان را تهدید کرد که اگر به ترک نماز جمعه ادامه دهند، خانه هایشان را آتش خواهد زد.

این اشکال هم که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز جمعه را در قباء خوانده باشد، بدان معنی است که آن را در سفر اقامه کرده است؛ اشکال بی موردی است؛ زیرا احتمال می رود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در قباء نیت اقامه کرد تا علی علیه السلام و همراهان او برسند. چه حضرت می دانست که آمدنشان بیش از ده روز طول خواهد کشید؛ چنان که گفته اند: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پانزده روز در قباء بود. همچنان که احتمال می رود در آن روزگار محله قباء یکی از محله های مدینه محسوب می شد. بدین ترتیب هرکس به قباء می رسید، چنان بود که به مدینه رسیده است.<sup>۱</sup>

در دوران خلافت خلفای سه گانه و سکوت امیر مؤمنان علیه السلام، امام علیه السلام و یارانش در شرایط تقیه و خوف به سر می بردند و برای حفظ مصالح اسلام نقش مثبت خود را ایفا می کردند و حتی با حاکمان زمان همراهی داشتند. آن ها با دیگر مردم در نمازهای جماعت و جمعه شرکت می کردند. این مطلب در قول و فعل دیگر امامان علیهم السلام نیز دقیقاً وجود دارد که به عنوان نمونه مواردی را نقل می کنیم:

جابر (به احتمال زیاد منظور جابر بن یزید جعفی است) می نویسد:

کان ابو جعفر علیه السلام یبکر الی المسجد یوم الجمعة حین تکنون الشمس قید رمح فاذا کان شهر رمضان یكون قبل ذلک و کان یقول ان لجمع شهر رمضان علی جمع سائر الشهور فضلا کفضل شهر رمضان علی سائر الشهور.

---

۱. سیره صحیح پیامبر اعظم، ج ۲، صص ۱۹۸-۱۹۹

امام باقر<sup>علیه السلام</sup> همیشه روزهای جمعه صبح زود به هنگامی که خورشید قدری بالا آمده بود به مسجد می‌رفت اما در ماه رمضان از این وقت هم زودتر و همیشه می‌فرمود برای جمعه‌های ماه رمضان نسبت به جمعه‌های دیگر سال فضیلت و برتری است به نسبت فضیلت ماه رمضان بر ماه‌های دیگر.<sup>۱</sup>

و زراره می‌گوید:

حَسَنُ ابوعبدالله<sup>علیه السلام</sup> عَلَى صَلَاةِ الْجُمُعَةِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ يَرِيدُ أَنْ نَأْتِيَهُ فَقُلْتُ: نَعْدُوا عَلَيْكَ؟ فَقَالَ لَا إِنَّمَا عَنِيتُ عِنْدَكُمْ.

امام صادق<sup>علیه السلام</sup> آنقدر ما را به نماز جمعه تشویق کرد که گمان کردم منظورشان آن است که خدمت ایشان برسیم و نماز را با ایشان بخوانیم. فرمودند نه منظور همان نمازی است که خودتان دارید.<sup>۲</sup>

و نیز زراره از عبدالملک از امام باقر<sup>علیه السلام</sup> نقل می‌کند که فرموده‌اند:

قَالَ مِثْلُكَ يَهْلِكُ وَ لَمْ يَصِلْ فَرِيضَةُ فَرَضِهَا اللَّهُ. قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ اصْنَعُ؟ قَالَ: صَلُّوا جَمَاعَةً يَعْنِي صَلَاةَ الْجُمُعَةِ.<sup>۳</sup>

یعنی: مثل تو هلاک می‌شود اگر واجبی را که خدا فرض کرده برپا ندارد. گفتیم چه کنیم؟ فرمودند به جماعت بخوانید. (یعنی نماز جمعه را).<sup>۴</sup>

و امام کاظم<sup>علیه السلام</sup> از روز پنجشنبه برای روز جمعه آماده می‌شدند:

محمد بن علی بن الحسین: وَ كَانَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ<sup>علیه السلام</sup> يَتَهَيَّأُ يَوْمَ الْخَمِيسِ لِلْجُمُعَةِ.<sup>۱</sup>

---

۱. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴۳ ح ۲

۲. وسائل الشیعة ج ۵، ص ۱۲ ح ۱

۳. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۲ ح ۲

۴. این حدیث در برخی از کتب دیگر به عنوان حدیث هلاک شهرت یافته. ن.ک: نماز جمعه در تاریخ و فقه اسلام، ص ۳۲

آنچه از این روایات (و روایات فراوان دیگری که با همین مضامین آمده) استفاده می‌شود اینکه ائمه علیهم‌السلام خود در نمازهای جمعه‌ای که از طرف سلطه حاکم برگزار می‌شد شرکت می‌کردند و شیعیان را نیز تشویق و تشجیع می‌نمودند و شاید سرّ مطلب آن باشد که نماز جمعه مشهد عامی است که همه‌ی مسلمانان از همه‌ی طبقات حضور می‌یابند. پس ضرورت دارد ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام و شیعیان آن‌ها هم حاضر باشند تا مردم آن‌ها را بشناسند و تهمت‌ها و افتراهای دشمنان و جاهلان را با حضورشان باطل و حداقل کمرنگ نمایند.

و اما پس از شروع غیبت کبری دانشمندان شیعه بر این امر به صورت علمی و عملی اهتمام داشتند، به عنوان مثال:

- ۱- مرحوم شیخ کلینی (م ۳۲۹ ق) در کتاب خود «کافی» عنوان باب را اینگونه قرار می‌دهد: «باب وجوب الجمعة و علی کم تجب» و سپس روایات وجوب نماز جمعه را نقل می‌کند (ما برخی از این روایات را در فصول آینده ذیل بحث از حکم نماز جمعه خواهیم آورد).
- ۲- پس از ایشان مرحوم شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) در کتاب خود «من لا یحضره الفقیه» عنوان باب را «وجوب الجمعة و فضلها و من وضعت عنه الصلوة و الخطبة فیها» قرار می‌دهد آن‌گاه روایات دال بر وجوب جمعه را یکی پس از دیگری نقل می‌کند. ایشان در کتاب «امالی» خود در توصیف مذهب امامیه می‌گوید: و الجماعة یوم الجمعة فریضة واجبة و فی سائر الايام سنة فمن ترکها رغبة عنها و عن جماعة المسلمين من غیر علّة فلا صلاة له. نماز جماعت روز جمعه (یعنی نماز جمعه) واجب مؤکد است و تشکیل نماز جماعت در روزهای دیگر سنت (مستحب) پس کسی که این فریضه را از روی بی‌توجهی و دوری از جماعت مسلمانان ترک کند نمازش مقبول نیست. یادآور می‌شوم این جملات را فقیهی بزرگوار در زمان غیبت بیان کرده و طبیعی است که او حکم زمان حضور را در زمان غیبت نمی‌نویسد.

۳- مرحوم شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) در کتاب خود «المقنعه» می‌نویسد: و اعلم ان الروایات جاءت عن الصادقین عليهما السلام ان الله جل جلاله فرض على عباده من الجمعة الى الجمعة خمسا و ثلاثين صلاة لم يفرض فيها الاجتماع الا في صلاة الجمعة خاصة. بدان که روایات امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام می‌گویند خدای متعال از روز جمعه تا جمعه‌ی بعد سی و پنج نماز را واجب کرده اما اجتماع را در هیچ کدام واجب نکرده جز در مورد نماز جمعه به طور خاص و آن‌گاه آیات و روایات مربوط به نماز جمعه را می‌آورد و آن‌گاه شروط امام جمعه را همان شروط امام جماعت معرفی می‌کند:

و الشرائط التي تجب في من يجب معه الاجتماع ان يكون حرا بالغا طاهرا في ولادته مجتنباً من الامراض، الجذام و البرص خاصة، في خلقته مسلماً مومناً معتقداً للحق في ديانتهم مصلياً للفرض في ساعته فاذا كان كذلك و اجتمع معه اربعة نفر وجب الاجتماع و... و يجب حضور الجمعة مع من وصفناه من الائمة فرضاً و يستحب مع من خالفهم تقيّة<sup>۱</sup>.

ترجمه: و شرایطی که در صورت بودنش اجتماع و نماز جمعه واجب می‌شود آن است که امام آزاد و بالغ و حلال زاده و سالم از بیماری‌های جذام و پیسی و مسلمان زاده و مؤمن و معتقد به خدا و رعایت کننده‌ی اوقات نماز باشد پس اگر این گونه بود و چهار نفر دیگر با او باشند اجتماع نماز جمعه واجب می‌شود. حضور در چنین نمازی برای دیگران واجب است و اگر امام از مخالفان باشد از روی تقيه مستحب است.

از همین جا این نکته را از خواننده‌ی گرامی و منصف می‌پرسیم که چرا با وجود روایات مکرر و صحیح و متواتر لفظی و معنوی و صریح در وجوب این نماز ارزشمند، کسانی قائل به حرمت آن در زمان غیبت شده و یا جمعی دیگر وجوب آن را تخییری گرفته اند، ما در آینده آرا و ادله‌ی مختلف را مطرح خواهیم کرد اما خواستیم در ضمن کلمات بزرگان فقه و حدیث یاد

۱. المقنعة، ص ۲۷ و نیز الحقائق الناضرة، ج ۹، ص ۳۷۹

آور شویم که آیا از کلمات آنها به جز وجوب عینی و تعیینی نماز جمعه چیزی دیگر فهمیده می‌شود؟ بله اگر شرایط نبود تردیدی در وجوب نماز ظهر نیست اما تأسف آن‌جاست که به گونه‌ای وجوب تخییری معنا می‌شود که اکثریت مردم ما به وجوب نماز جمعه بی‌توجه اند و برگزاری نماز ظهر حتی بصورت فردی را در منزل مساوی نماز جمعه در مشهد عام می‌دانند شاید اگر به جای اصطلاح «وجوب تخییری» نام «وجوب ترتیبی» در اینجا استعمال می‌شد این مشکل بوجود نمی‌آمد.<sup>۱</sup>

۴- مرحوم سید مرتضی (م ۴۳۶ ق) اولین دانشمندی است که بحث اذن سلطان و امام زمان را مطرح می‌کند:

و الاحوط ان لا یصلی الجمعة الا باذن السلطان و الامام زمان لأنها اذا صلیت علی هذا الوجه انعقدت و جازت بالاجماع و اذا لم یکن فیها اذن السلطان لم یقع علی صحتها و اجزائها.<sup>۲</sup>

احوط آن است که نماز جمعه به اذن سلطان و امام زمان اقامه گردد زیرا اگر این‌گونه اقامه شد بالاجماع منعقد می‌شود و اگر اذن سلطان نبود قطع بر صحت و کفایت آن از نماز ظهر نمی‌رود.

نگارنده‌ی این پایان‌نامه ضمن درود و سلام بر ارواح پاک فقها و دانشمندان و از جمله مرحوم سید مرتضی و رعایت احترام آنها می‌گویم:

الف - این سخن در قرن پنجم هجری برای اولین بار بیان شده و دلیل روشنی برای آن اقامه نگشته است.

ب - مرحوم سید مرتضی این نظر را نظر احوط می‌داند و به آن قطع و یقین ندارد و نظر مخالف احوط را رد نکرده است.

ج - ایشان می‌نویسد اگر نماز جمعه با اذن امام اقامه گردد به اجماع علما آن نماز صحیح و مجزی است بله چون ممکن است کسانی معدود این شرط را لازم دانسته‌اند طبعاً برای حصول رأی

---

۱. شرح مطلب را در آینده خواهیم آورد

۲. رساله الشهد الثانی فی صلاة الجمعة، ص ۱۸

اجماعی این شرط لازم است اما مفهوم این جمله آن نیست که اگر رأی اجماعی حاصل نشود رأی اکثریت قریب به اتفاق فقها که اذن امام معصوم <sup>علیه السلام</sup> را شرط ندانسته باطل است.

د - مرحوم سید در زمان غیبت و زمان سلطه‌ی حاکمان و سلاطین غیر مأذون زندگی می‌کند طبیعی است که حکم و فتوای ایشان مربوط به زمان حضور معصوم <sup>علیه السلام</sup> نیست. حال می‌گوییم اگر منظور از سلطان و امام زمان حاکم و پادشاه وقت است (به هر دلیل) آن‌گاه شرط اذن امام معصوم <sup>علیه السلام</sup> مطلب دیگری است و اگر منظور از سلطان و امام زمان امام معصوم <sup>علیه السلام</sup> است سلطنت امام معصوم یکی در دوره‌ی رسول خدا و امام امیر المؤمنان <sup>علیه السلام</sup> بود و دیگری در دوره‌ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. در دوره‌ی وسط این دو (دوره‌ی غیبت کبری) سلطنت و امامت با هم جمع نشد و طبیعی است که در این دوره اذن خاصی برای این کار وجود ندارد البته اذن عام برای فقهای جامع‌الشرایط برای اقامه‌ی همه‌ی امور و از جمله نماز جمعه وجود دارد و اذن عام دیگر برای اقامه نماز جمعه برای هر کس که مطابق روایات معصومان <sup>علیهم السلام</sup> شرایط لازم را داشته باشد وجود خواهد داشت. پس اقامه نماز جمعه در زمان غیبت هم به تعبیری صحیح، مأذون به اذن آن معصومان <sup>علیهم السلام</sup> است.

ه - شرطیت اذن امام معصوم <sup>علیه السلام</sup> که در کلمات معدودی از فقها آمده پس از کلمات مرحوم سید مرتضی و ناشی از همین جمله ایشان است. «الا باذن السلطان و امام الزمان» و البته بسیاری از شاگردان و یا همراهان ایشان نظر به عدم اشتراط این شرط داده‌اند به عنوان نمونه: ابوالصلاح حلبی (م ۴۴۷ ق) در کتاب خود «الکافی فی الفقه» ص ۱۵۱ می‌نویسد: «لا تنعقد الجمعة الا بامام المله او منصوب من قبله او بمن تتکامل له صفات امام الجماعة عند تعذر الامرین» نماز جمعه برقرار نمی‌شود مگر با امام دین یا منصوب از طرف او و در صورت تعذر این دو، توسط کسی که صفات امام جماعت را داشته باشد.

و ابوالفتح کراچکی (م ۴۴۹ ق) می‌نویسد:

و اذا حضره العدة التي يصح و كان امامهم مرضيا متمكنا من اقامة الصلاة في وقتها و ايراد الخطبة على وجهها.... وجبت عليهم الجمعة.<sup>۱</sup>

یعنی اگر تعداد لازم (پنج نفر یا هفت نفر) حاصل شد و امام آنها مورد رضایت بود و وقت نماز جمعه سپری نشده بود و توان ایراد خطبه به شکل صحیح داشت... نماز جمعه بر آنها واجب می شود.

۵- مرحوم شیخ الطائفة طوسی (م ۶۶۹ ق) که پنج سال شاگردی شیخ مفید را کرده و ۲۳ سال همراهی با سید مرتضی را داشته و در میان فقها فحل و استوانه ای به شمار می رود در این زمینه در کتب مختلفش اظهار نظرات متفاوتی کرده است:

در «تهذیب» قول استادش شیخ مفید را نقل کرده و در آن مناقشه ننموده و این به منزله ی قبول آن است. اما در «خلاف» گفته: «من شرط انعقاد الجمعة الإمام او من یامره و متى اقيمت من غیر امره لم تصح.

شرط انعقاد جمعه امام یا کسی است که او امر کند و اگر بدون امر او اقامه شد صحیح نیست.»

نگارنده یادآور می شود که جمله ی مرحوم شیخ طوسی در این کتاب لزوما از آن برداشت شرط حضور یا اذن مستقیم امام معصوم <sup>علیه السلام</sup> نمی شود. می تواند امام عادل ( فقیه جامع الشرایط ) باشد و نیز می تواند امر و اذن عام منظور باشد .

و در «مبسوط» می گوید: فاما الشروط الراجعة الى صحة الانعقاد فاربعة السلطان العادل او من یامره السلطان.

اما در کتاب «نهایه» می نویسد:

و لا باس ان یجتمع المومنون فی زمان الغیبة بحیث لا ضرر علیهم فیصلوا جماعة بخطبتین.

---

۱ . الحدائق الناضرة، ج ۹، ص ۳۸۱

اشکالی ندارد که مومنان در زمان غیبت نماز جمعه یعنی دو رکعت نماز با دو خطبه بخوانند البته به شرطی که ضرری (از طرف سلطان جائز) آنها را تهدید نکند.

و در باب امر به معروف و نهی از منکر می نویسد: و يجوز لفقها الحق ان يجمعوا بالناس الصلوات كلها و صلاة الجمعة ... ما لم يخافوا في ذلك ضررا.<sup>۱</sup>

مرحوم شیخ یوسف بحرانی پس از نقل کلمات شیخ در این زمینه اقوال او را خالی از اضطراب نمی داند اما قول ایشان را به وجوب عینی (تعینی) در زمان غیبت نسبت به وجوب تخییری اقرب می داند.<sup>۲</sup>

حاصل مطلب آن که از دوره ی شیخ طوسی (و بهتر بگوییم سید مرتضی) است که تطوری در بحث حاصل می شود و آن بروز شرط «امام عادل او من نصبه» در کلمات فقها است اما کسی دلیلی برای این شرط نمی آورد الا دلیلی که شیخ در خلافتش آورد و آن اینکه:

سیره ی عملی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آن بوده که متصدی نماز جمعه بوده است و خود ایشان امامان مناطق دیگر را نصب می کرده و پس از آن نیز در دوره ی خلفا و امرا آنها نصب کننده ی ائمه جمعه بودند پس معلوم می شود که این مطلب از اجماع اهل همه ی عصرها است و اگر می شد بدون امام و سلطان نماز جمعه را برگزار کنند این کار را کرده بودند.<sup>۳</sup>

نگارنده می گوید: ملاحظه می فرمایید که استدلال مرحوم شیخ طوسی استدلال قوی نیست. اولاً اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خود نماز جمعه را اقامه می کردند و ائمه جمعه مناطق را نصب می فرمودند دلیل برای این نیست که حتی در دوره ی غیبت هم ضرورت دارد این کار توسط امامان معصوم علیهم السلام صورت پذیرد مگر بسیاری از دستورات آن بزرگان در دوره ی غیبت بدون حضور آنها انجام نمی شود (نماز، روزه، حج و جهاد و ...)?

---

۱. جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۵۱

۲. الحقائق الناضرة، ج ۹، ص ۴۳۵

۳. الخلاف، ص ۶۲۶، مساله ۳۹۷

ثانیا استدلال به عمل خلفای جور در طول تاریخ و آن‌گاه مربوط ساختن آن به اجماع اهل اعصار قدری تعجب آور است که چگونه عمل خلفای جور که آن‌ها برای محکم کردن پایه‌های حکومت خود نه تنها به فقها بلکه به امامان معصوم علیهم السلام هم اجازه اقامه‌ی نماز جمعه را نمی‌دادند، دلیلی شود برای اشتراط اذن امام معصوم علیه السلام در این مسئله!

۶- ابن ادریس حلی (م ۵۹۸ ق) اولین فقیهی است که عدم شرعیت نماز جمعه را در زمان غیبت مطرح کرد و حضور معصوم علیه السلام در این نماز را شرط دانست. او دلیل این شرط را اجماع می‌داند و نیز استدلال دیگری دارد که نماز ظهر یقینا ثابت است و جمعه، مشکوک و لا ینقض الیقین بالشک.<sup>۱</sup>

ملاحظه می‌فرمایید که در مورد نماز جمعه کثرت آیات و روایات بر مطلب گواهی می‌دهد و جای استفاده از اصول عملیه نمی‌باشد ضمن اینکه جمله‌ی «لا تنقض الیقین بالشک» در مورد استصحاب است و اینجا اگر استصحابی جاری می‌شود استصحاب صحت نماز جمعه و وجوب آن است زیرا این امر در زمان معصومان علیهم السلام واجب بوده پس وجوبش را استصحاب می‌کنیم.

و از طرفی وقتی مطلبی مستدل به آیات و روایات باشد اجماع در آنجا معنا ندارد و بر فرض وجود اجماع، اجماع مدرکی است چه رسد به اینکه در این ادعا اجماعی نیست.<sup>۲</sup> زیرا بسیاری از دانشمندان قبل و بعد از مرحوم ابن ادریس حلی بر وجوب این فریضه فتوا داده‌اند.

۷- مرحوم محقق حلی (م ۷۱۶ ق) در کتاب خود «المعتبر» می‌نویسد: سلطان عادل یا نائب او شرط وجوب جمعه است و سپس می‌نویسد اعتماد ما بر کار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که ایشان امام جمعه تعیین می‌کردند و همین طور خلفای پس از ایشان.

---

۱. السرائر، صص ۲۸۹-۲۹۴

۲. ناگفته نماند اگر مفاد اجماع همان مفاد آیات و روایات باشد اجماع مدرکی است و اگر مفاد اجماع مقابل مفاد آیات و روایات باشد، اجماع یا اجتهاد در مقابل نص خواهد بود.

نگارنده می‌گوید اینکه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امام جمعه تعیین می‌کردند نمی‌تواند دلیلی باشد که در زمان غیبت نماز جمعه تعطیل شود و یا وجوب آن منتفی گردد. و عمل خلفا نیز برای ما حجیت و شرعیت ندارد زیرا اصل خلافت آن‌ها مورد سؤال است چه رسد به سیره‌ی آن‌ها در مورد نماز جمعه و امثال آن. علاوه بر آن که فقهای جامع‌الشرایط در عصر غیبت جانشین ائمه اطهار علیه‌السلام و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند.

ایشان در ادامه در مورد شرط سلطان عادل می‌نویسد چون در اجتماع نزاع و فتنه‌ها پیش می‌آید حکمت اقتضا می‌کند سلطانی باشد برای قطع ماده فساد و نزاع و اما عدالت او در نماز جمعه شرط است زیرا انسان فاسق به سمت هواهای نفسانی می‌شتابد نه به سوی رفع فتن و هواها و رساندن مردم به مصلحت.

باز در ادامه می‌گوییم در اینکه هر اجتماعی نیازمند امیری است و اگر امیر عادل باشد جامعه را به صلاح می‌رساند تردیدی نیست اما عادل بودن به معنی معصوم بودن نیست و همان‌طور که جوامع مختلف در همه‌ی اعصار و قرون از امارات امیران استفاده می‌کردند جامعه شیعی نیز همین‌گونه عمل می‌کرده و در مبحث نماز جمعه نیز در نهایت امارت و اذن امیر عادل یا فقهای جامع‌الشرایط شرط شود اما بیش از این نمی‌توان برای یک امر عبادی که در قرآن و روایات برآن تأکید شده و قید و بندهای این‌گونه برای آن قرار داده نشده، قید و شرط اضافه نمود تا جایی که این دستور الهی تقریباً به فراموشی سپرده شود.

۸ - مرحوم علامه حلی «قدس سره» (م ۷۲۶ ق) ظاهراً او اولین کسی است که آنچه سلار و ابن‌ادریس و محقق حلی در مورد نماز جمعه فهمیده بودند تأکید می‌کند و مقصود از «امام عادل» را «امام معصوم» معرفی می‌کند. ایشان در کتاب «المنتهی» می‌نویسد:

الجمعة واجبة و هو قول علماء الاسلام و يدل عليه الكتاب و السنة و الاجماع... و يشترط في

الجمعة الامام العادل اي المعصوم عندنا او اذنه اما اشتراط الامام او اذنه فهو مذهب علمائنا اجمع.<sup>۱</sup>

يعني نماز جمعه واجب است و اين قول علمای اسلام است و کتاب و سنت و اجماع بر آن

گواهی می‌دهد... و در اقامه آن امام عادل يعني امام معصوم <sup>عليه السلام</sup> يا اذن او شرط است و اين شرط نظر همه علمای شیعه می باشد.

جای این سوال وجود دارد که اگر وجوب جمعه از کتاب و سنت به دست می آید آیا شروط

آن هم نباید حداقل از سنت اخذ کرد؟ در کدام روایت شرط برقراری نماز جمعه، امام معصوم <sup>عليه السلام</sup>

دانسته شده است؟! بعلاوه اذن امام معصوم <sup>عليه السلام</sup> می‌تواند اذن خاص باشد یا اذن عام باشد که

معصومان <sup>عليهم السلام</sup> به فقهای جامع‌الشرایط برای سرپرستی امور و از جمله نماز جمعه داده‌اند. و اما

ادعای اجماع بر این شرط با مروری که بر آثار علما از صدر دوره‌ی غیبت تاکنون و حداقل تا زمان

مرحوم علامه حلی می‌کنیم اثبات نمی‌شود مگر منظور ایشان امام جماعت باشد که این شرط در

روایات هم آمده و همه‌ی علما نیز برآن متفقند که شرط برگزاری نماز جمعه وجود امام عادل است

که صلاحیت برگزاری نماز جماعت را داشته باشد .

۹ - مرحوم شهید اول (م ۷۸۶ ق ) در «دروس» می‌نویسد:

تجب صلاة الجمعة ركعتين بدلا عن الظهر بشرط الامام او نائبه و في الغيبة يجمع الفقهاء مع الأمن.<sup>۲</sup>

يعني نماز جمعه واجب است و دو رکعت می‌باشد که به جای نماز ظهر خوانده می‌شود و

شرط آن امام یا نائب اوست و در زمان غیبت فقها نماز جمعه را اقامه می‌کنند به شرطی که (از شر

سلاطین جور) در امان باشند.

و کلام ایشان در «ذکری» حتی از اشتراط فقیه خالی است:

---

۱ . منتهی المطلب، ج ۱، ص ۳۱۶

۲ . دروس، صص ۱۸۶ و ۲۳۰

و اما مع غيبته كهذا الزمان ففی انعقادها قولان اصحهما و به قال معظم الاصحاب الجواز اذا امكن

الاجتماع و الخطبتان.<sup>۱</sup>

یعنی در زمان غیبت امام علیه السلام مثل این زمان درمورد انعقاد نماز جمعه دو قول وجود دارد که صحیح تر آن که اغلب اصحاب با آن موافقند جواز است به شرط اجتماع (به جماعت خواندن) و دو خطبه.

به هر روی تطور مهمی که در دوره ی ابن ادریس و علامه حلی پیش آمد و آن مطرح کردن شرط امام معصوم علیه السلام بود در زمان شهید اول باردیگر تغییر یافت و منهج فقهای قبلی که به مفاد روایات نزدیک تر بود حاکم شد.

۱۰ - در عصر صفویه مرحوم محقق کرکی (محقق ثانی م ۹۴۰ ق) دارای نقش بزرگی در این زمینه است. در این دوره از نظر فقهی و عملی تطور قابل توجهی رخ داد و قول رایج درباره ی این واجب، وجوب عینی تعیینی گردید و شرطیت امام عادل یا فقیه مطرح نبود و برای اولین بار در تاریخ شیعه نماز جمعه به شکل علنی و رسمی در شهرهای مختلف ایران برپا شد و البته به دنبال این مطلب، اختلاف علمی در میان فقها رشد پیدا کرد و دهها رساله در مورد نماز جمعه از هر دو طرف نگارش یافت<sup>۲</sup> و در هر حال نظر قائلان به وجوب تعیینی سیطره یافت و به دلیل تایید و پشتیبانی که حکومت صفوی از مرحوم محقق کرکی داشت ایشان سعی فراوانی در ترویج مذهب حقه جعفری اثنی عشری داشت.

مرحوم شیخ آقا بزرگ طهرانی می نویسد: فتوای این فقیه جلیل القدر در مورد نماز جمعه، وجوب آن در زمان غیبت به شرط وجود فقیه جامع الشرایط بود که او نائب امام معصوم علیه السلام است زیرا شرط وجوب نماز جمعه حضور امام یا نائب خاص او در زمان حضور و یا نائب عام در زمان غیبت است. مرحوم محقق کرکی خود نماز جمعه را در مسجد معروفش در نجف اقامه می کرد و

۱. ذکر، ص ۳۴

۲. نک: الذریعة، ج ۱۵

آن‌گاه که سلطان شاه طهماسب صفوی (متوفای ۹۸۴) امر محقق کرکی را گردن گرفت برای هر شهری امامی تعیین کرد تا به وظیفه‌ی اقامه نماز جمعه قیام کند و این عمل به رای محقق کرکی بود این ماجرا تا دوره‌ی قاجاریه در ایران ادامه یافت.<sup>۱</sup>

البته در دوره‌ی محقق کرکی افرادی مثل شیخ ابراهیم قطیفی (م ۹۱۳ ق) پیدا شدند که علم مخالفت با ایشان را برداشته و در حالی که مرحوم محقق رساله‌ای در شرعیت اقامه‌ی نماز جمعه نوشته، رساله‌ای در حرمت آن بنویسند و در حالی که ایشان رساله‌ای در حلیت خراج نوشته رساله‌ای در حرمت آن بنویسند. این صراع و جدال ادامه یافت و تا به مناطق دیگر غیر ایران مثل لبنان نیز کشیده شد.

۱۱- مرحوم شهید ثانی در جبل عامل لبنان (م ۹۶۵ ق) به شکل خاص و ویژه با مرحوم محقق کرکی و همفکران او همراهی می‌کرد و رساله‌ای در وجوب نماز جمعه نوشت و اقوال و آرا را مناقشه و بحث عملی نمود و در کتاب شرح لمعه‌ی خود می‌نویسد:

اگر نبود اجماع ادعا شده بر وجوب تخییری نماز جمعه قول به وجوب تعیینی از صلابت بیشتری برخوردار بود.

در این فتره‌ی زمانی، ظهور مسلک اخباری و تدوین کتب روایی مهم مثل «بحارالانوار» و «وسائل الشیعه» نیز رخ می‌دهد و مدرسه‌ی اخباری نیز قول به وجوب تعیینی نماز جمعه را انتخاب و به شدت از آن دفاع می‌کند و نه تنها در مقابل قائلان به حرمت می‌ایستد که در مقابل هر قولی غیر از وجوب تعیینی دفاع می‌کند. در این زمان اصولیین برخی قول وجوب تعیینی را برخی قول وجوب تخییری را برگزیدند.

در این دوره مرحوم شیخ حسن پسر شهید ثانی (م ۱۰۱۱ ق) و مولی عبدالله تستری (م ۱۰۲۱ ق) و محقق سبزواری (م ۱۰۹۰ ق) قول وجوب تعیینی را اختیار و در این موضوع رساله‌ها نوشتند.

---

۱. نقباء البشر ج ۱ ص ۱۷۶

خلاصه در دوره‌ی صفویه و بعد از آن تطوری که اتفاق افتاد فراگیر شدن اقامه‌ی نماز جمعه در شهرهای مختلف ایران و انتشار قول به وجوب تعیینی آن بود بطوری که قبل از شهید ثانی برای آن قائل‌ی این گونه نبود.

برای اینکه توهمی در ذهن شنونده و خواننده ایجاد نشود بیان این نکته را لازم می‌دانیم که قبل از حکومت صفوی (که حکومت رسمی شیعی داشت) حکومت شیعی پدید نیامده و شیعیان تحت فشار حکومت‌ها و سلاطین جور بودند.

نتیجه‌ی حوادثی که پس از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اتفاق و خلافت اسلامی به دست امویین و عباسیین افتاد آن شد که این فریضه‌ی الهی از مسیر اصلی خود خارج شود و وسیله‌ای برای حمایت از سلطنت‌های جائز و بلندگویی برای تبلیغ آن‌ها گردد. اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیان در شرایطی سخت و تقیه‌ی شدید زندگی می‌کردند و اقامه‌ی آن به صورت مستقل برایشان امکان نداشت در نتیجه شیعیان از حضور در نمازهای جمعه پرهیز می‌کردند نمازهایی که به خاطر تمجید از حکام ظالم و دروغ بستن بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تهاجم بر اهل بیت علیهم‌السلام در آن انحراف و آلودگی ایجاد شده بود. قرن‌ها به همین منوال گذشت و تغییری حاصل نشد و کم‌کم این فریضه از التزامات آن‌ها حذف گردید و به چیزی غریب تبدیل شد و این جو تاریک در مباحث فقهی برخی از دانشمندان نیز اثر گذاشت و الا اگر آیات و روایات و تفاسیر و بطور کلی نصوص اسلامی را مرور کنید چیزی جز وجوب این فریضه در همه‌ی اعصار و قرون مشاهده نمی‌شود و اما بحث تخییری یا تعیینی بودن این فریضه را نیز در خلال مباحث فصول آتیه مطرح خواهیم کرد.

۱۲ - عصر مرحوم وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ ق) دوره‌ی ضعف و سقوط اخباری‌گری بود که ایشان در شکستن شکوه این طرز فکر نقش بالائی داشتند او قول به وجوب تعیینی را که توسط اخباری‌ها تصویب شده بود رها کرد و خود قول به وجوب تخییری را که قبل از صفویه و اخباریین مشهور میان فقها بود برگزید از این زمان به بعد کبار علما این منهج را برگزیدند که اهم آن‌ها عبارتند از:

- مرحوم علامه مامقانی ( م ۱۲۲۳ ق ) در کتاب «المناهة»
  - مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء ( م ۱۲۳۸ ق ) در کتاب «کشف الغطاء»
  - مرحوم محقق نراقی ( م ۱۲۴۴ ق ) در کتاب «مستند الشیعه»
  - مرحوم محمد حسن نجفی ( م ۱۲۶۶ ق ) در کتاب «جواهر الکلام»
  - مرحوم آقا رضا همدانی ( م ۱۳۲۲ ق ) در کتاب «ال صلاة»
- و تا امروز این قول مشهور علمای شیعه است و در عصر پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تأسیس حکومت اسلامی به دست امام راحل حضرت امام خمینی <sup>رحمة الله علیه</sup> این نظریه یعنی قول به وجوب تخییری نماز جمعه رواج دارد.
- خلاصه ی آنچه در این گفتار آمد <sup>۱</sup>
- الف - تشریع نماز جمعه و اقامه ی آن توسط نبی اکرم <sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> از بدیهیات دین است.
- ب - حضرت ضمن اقامه ی نماز جمعه امامان شهرها و نقاط مختلف را تعیین می کردند و این سیره توسط خلفا ادامه یافت.
- ج - به غیر از امام امیرمؤمنان <sup>علیه السلام</sup> از دیگر امامان <sup>علیهم السلام</sup> به خاطر انحراف خط امامت و ولایت تصدی نسبت به نماز جمعه دیده نشد. بلکه آن ها شرکت می کردند و شیعیان را بر مشارکت در آن تشویق و تحریض می نمودند. (علی رغم اقامه ی نمازها توسط سلطه جائر)
- د - روایات زیادی از امام باقر <sup>علیه السلام</sup> و امام صادق <sup>علیه السلام</sup> در خصوص نماز جمعه و احکام و آداب آن به شکل صحیح و متواتر صادر شده است.
- ه - موقف شیعه تا زمان سید مرتضی قول به وجوب جمعه بود و در سخنان آن ها اثری از شرط سلطان عادل یا فقیه در کلماتشان یافت نمی شود. و بعدی ندارد این شرط در آغاز با عنوان شرط سلطان توسط اهل سنت وارد شده باشد.

---

۱. نک: «صلاة الجمعة تاريخياً و فقهياً»، کاظم الجابری، صص ۵۸-۶۰ و نیز «نماز جمعه در فقه و تاریخ اسلام» حبیب الله عظیمی، صص ۱۷-۵۳.

و - شرط یاد شده در بنده از زمان سید مرتضی تا زمان ما پیدا شده و منظور از سلطان عادل مشخص نگردیده و شاید مقصود مطلق حکمران باشد نه خصوص امام معصوم<sup>علیه السلام</sup>. بلکه ممکن است سلار و ابن ادريس آنها خود از این لفظ امام معصوم فهمیده باشند لذا آنها به عدم مشروعیت نماز جمعه در زمان غیبت فتوا دادند و به تبع آنها مرحوم علامه حلی هم در برخی کتابهایش مراد از سلطان را امام معصوم<sup>علیه السلام</sup> دانست و پس از او دیگران نیز تبعیت کردند.

ز - بر شرط مذکور ادعای اجماع توسط سید مرتضی شده در حالی که نسبت این ادعا به سید مرتضی صحیح نیست و اگر باشد این اجماع تام نمی باشد چون در کلمات فقهای قبل از ایشان و همزمان با ایشان وجود ندارد.

ح - اولین بار در عصر صفوی قول به وجوب تعیین نماز جمعه مطرح و توسط مدرسه ی اخباریین

تصویب و دفاع شد و حتی ادعای اجماع بر آن صورت گرفت. در سخنان بسیاری از فقها قول به وجوب وجود دارد اما تفکیکی میان تخییری یا تعیینی نشده است. اگرچه عبارات آنها انصراف به تعیینی دارد.

ط - بر شرعیت نماز جمعه اجماع متقدمین به استثناء سلار و ابن ادريس و قلیلی از متاخرین در عصر صفویه وجود دارد. اما در مورد ترجیح تخییری بودن یا تعیینی بودن وجوب نماز جمعه در فصول آینده بحث خواهیم کرد.

## ۲-۳ - گذری بر انظار فقهای اهل تسنن و روایات آنها در مورد نماز جمعه

در آغاز از کتب روائی و فقهی مشهور اهل تسنن روایاتی را از باب نمونه در اهمیت و حکم نماز جمعه نقل می‌کنیم احمد بن حنبل در مسند خود روایت مشهور رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را آورده است که: انّ الله تعالی فرض علیکم الجمعة فمن ترکها فی حیاتی او بعد موتی جحودا بها و استخفافا بحقها و له امام عادل او جائز فلا جمع الله شمله و لا بارک له فی امره الا و لا صلاة له، الا و لا وضوء له، الا و لا حج له، الا و لا صدقة له، الا و لا زكاة له الا و لا صوم له الا و لا برّ له حتی یتوب.<sup>۱</sup>

و نیز مسلم روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بر منبر چوبی خود فرمودند:

لیتتهین أقوام عن ردعهم الجمعات او لیختمن الله علی قلوبهم ثم لیكونن من الغافلین<sup>۲</sup>  
و در سنن ابو داوود آمده است:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: من ترک ثلاث جمع تهاونا بها طبع الله علی قلبه.<sup>۳</sup>

و حاکم نیشابوری از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمودند:

من ترک ثلاث جمع تهاونا بها طبع الله علی قلبه.<sup>۴</sup>

و اما شافعی در کتاب فقهی خود «الام» می‌نویسد:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: تجب الجمعة علی کل مسلم الا امراه او صبیا او مملوکا.<sup>۵</sup>

و سرخسی در «المبسوط» خود می‌نویسد که جابر از رسول الله نقل کرده:

---

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۸۸

۲. صحیح مسلم ۵۹۱/۲ (چون ترجمه ی روایات در گذشته آمده از ترجمه ی مجدد آن خودداری می‌کنیم).

۳. سنن ابی داوود، ج ۱، ص ۲۷۷

۴. المستدرک، ج ۱، ص ۲۸۰

۵. الام ج ۱، ص ۱۸۸

ایها الناس توبوا الى ربکم قبل ان تموتوا... واعلموا ان الله تعالى کتب علیکم الجمعة فی یومی هذا فی شهرى هذا فی مقامى هذا فمن ترکها تهاونا بها و استخفافا بحقها و له امام جائر او عادل فلا جمع الله شمله الا و لا صلاة له الا و فلا صوم له الا ان یتوب.<sup>۱</sup>

و مالک بن انس آورده است :

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم : من ترک الجمعة ثلاث مرات من غیر عذر و لا عله طبع الله على

قلبه.<sup>۲</sup>

و متقی هندی از رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم نقل کرده که:

من ترک الجمعة ثلاث مرات من غیر علة و لا مرض و لا عذر طبع الله على قلبه.<sup>۳</sup>

و ابن رشد قرطبی می نویسد:

اما وجوب صلاة الجمعة على الاعيان فهو الذى عليه الجمهور لكونها بدلا من واجب و هو الظهر و

الامر على الوجوب.<sup>۴</sup>

و از فقهای معاصر «عبدالرحمن جزیری» در کتاب خود آورده:

صلاة الجمعة فرض على كل من استكملت فيه الشروط الاتى بيانها و هى فرض عين على كل

مكلف قادر مستكمل لشروطها وليست بدلا عن الظهر وقد ثبتت فرضيتها بالكتاب والسنة و الاجماع.<sup>۵</sup>

ترجمه‌ی حدیث: نماز جمعه واجب است بر هر کسی که شروط لازم را داشته باشد. این نماز

واجب عینی است بر هر مکلف قادر دارنده شروط و بدل از ظهر نمی باشد و (منظور آن است که

وجوب جمعه استقلالی است زیرا) وجوب آن از کتاب و سنت و اجماع ثابت شده است.

---

۱ . المبسوط، ج ۲، ص ۲۵

۲ . الموطأ، ج ۱، ص ۱۱۱

۳ . كنز العمال ۷/ ۷۳۱ ح ۲۱۱۴۷

۴ . بداية المجتهد و نهاية المقتصد، ج ۱، ص ۱۸۸

۵ . كتاب الفقه على المذاهب الاربعة، ج ۱، ص ۳۷۵

ملاحظه فرمودید که مضمون روایات منقول از طرف اهل تسنن با آنچه توسط شیعیان نقل شده برابری می‌کند.

و در مورد شرطیت حضور یا اذن سلطان گفته اند:

سلطان شرط اداء جمعه در نزد ماست و بدون حضور او یا حضور نائیش جایز نمی‌باشد. شافعی سلطان را شرط ندانسته زیرا این یک نماز واجب است و همانند دیگر نمازها سلطان شرط اقامه اش نیست و اگر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم امام را نصب فرمود به خاطر آن بود که راهی برای مبارزه با تارک جمعه باشد و علت دیگر آنکه اگر سلطان را شرط نمی‌کرد فتنه به وجود می‌آمد زیرا در این نماز جمع زیادی حاضر می‌شوند و امامت این نماز از اسباب شرف و برتری شمرده می‌شود پس برای کسب آن هر کسی می‌شتافت و اختلاف و درگیری ایجاد می‌شد پس به والی سپرده شد تا منازعه رفع گردد.<sup>۱</sup>

و ابن قدامه می‌نویسد:

در مورد اذن امام اختلاف نظر است و صحیح عدم شرط است و مالک و شافعی و ابو ثور آن را شرط ندانسته اند و برخی مثل حسن و اوزاعی و حبيب بن ابن ثابت و ابو حنیفه آن را شرط دانسته اند زیرا در همه ی اعصار جز امامان کسی نماز جمعه را اقامه نکرد. اما ما (که طرفدار عدم شرطیت هستیم) می‌گوئیم علی نماز جمعه را خواند در حالی که عثمان در محاصره بود و عثمان کار علی را انکار نکرد بلکه تصویب نمود.<sup>۲</sup>

با ملاحظه‌ی روایات و اقوالی که نقل شد و از طرف دیگر عدم ذکر شرط سلطان در روایات شیعه (الا قلیلی از آنها) می‌توان حدس زد که این شرط توسط سلاطین اهل تسنن اضافه گشته است چه آنکه این منصب می‌تواند برای حاکمان وسیله‌ای برای تقویت آنها به شمار رود و البته ما نیز این این فایده را انکار نمی‌کنیم و در حکومت عدل نیز می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد اما شرط کردن

---

۱. بدایع الصنائع، ج ۱، ص ۲۶۱

۲. المغنی، ج ۲، ص ۱۷۴، دارالفکر، ۱۴۰۴ ق، چاپ اول

آن به صورتی که بدون آن منجر به تعطیلی نماز جمعه شود از خسارت‌هایی است که متأسفانه در طول تاریخ برای جمعی از امت اسلام حاصل شده است بحث شرطیت حضور سلطان و یا اذن او و یا لزوم نصب از طرف حاکم و سلطان مبحث اصلی این رساله نیست لذا بحث تفصیلی آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذاریم.

## فصل سوم:

### بررسی ادله در مورد حکم تکلیفی نماز جمعه

## مقدمه

تردید و اختلافی در میان انظار فقهای اهل تسنن در شرعیت و سپس وجوب برقراری نماز جمعه نیست و در عمل نیز اهل تسنن به این فریضه توجه جدی دارند و مشاهده شده حتی کسانی که اهل نمازهای یومیه نیستند نماز جمعه را بدون دلیل روشن ترک نمی‌کنند و باز ملاحظه شده که آن‌ها به شیعیان که نسبت به نماز جمعه بی توجه و متساهل هستند، اعتراض کرده و یکی از معیارهای مسلمانی را اهمیت دادن به نماز جمعه دانسته‌اند.

اما با توجه به جریانات پیش آمده پس از رحلت رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و انحرافات که در مسئله خلافت و ولایت پس از ایشان اتفاق افتاد و شاید اختلاف برداشتها از نصوصی که پیرامون نماز جمعه به دست فقهای شیعه رسیده، آن‌ها را در حکم تکلیفی نماز جمعه به نظرات متفاوتی رسانده که عمده آن‌ها سه نظریه است:

۱- نظریه حرمت برگزاری نماز جمعه و عدم مشروعیت آن در زمان غیبت

۲- نظریه مشروعیت و وجوب عینی و تعیینی این نماز در زمان غیبت در صورت وجود شرایط

۳- نظریه مشروعیت و وجوب تخییری نماز جمعه

## ۳-۱- بررسی نظریه حرمت برگزاری نماز جمعه و عدم مشروعیت آن در زمان غیبت

همان‌طور که در فصل پیش گفته شد قائلان این نظریه از آغاز تاکنون انگشت شمارند کسانی مثل حضرات سلار، ابن ادریس، (احتمالاً) سید مرتضی، شیخ قطیفی و... اما از باب توصیه ای که امامان معصوم علیهم‌السلام کرده‌اند و البته عقل و فطرت انسانی نیز مؤید و مؤکد آن است، باید ما به سخن بنگریم و ادله هر نظریه را بررسی کنیم. امام امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمودند:

«انظروا إلی ما قال و لاتنظروا إلی من قال»<sup>۱</sup>

---

۱. غررالحکم و درر الکلم، ص ۳۶۱

به قول بنگرید و (در راستی یا ناراستی آن) اندیشه کنید و به اینکه چه کسی آن را گفته ننگرید. ما قبل از آنکه برخی از ادله قائلان این قول را بیاوریم و در آن مناقشه کنیم خواننده رساله را به روایات متواتر و صحیح و فراوانی که در فصل گذشته آوردیم و اطلاق و عموم آن روایات و عتاب و خطابه‌های تند و شدیدی که نسبت به تارک این فریضه از لسان مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام صادر شده توجه می‌دهیم تا خود قضاوت کند.<sup>۱</sup>

مهمترین ادله مطرح شده مبنی بر اشتراط حضور امام معصوم علیه السلام در صحت نماز جمعه:

### ۳-۱-۱- دلیل اول: اجماع

ادعای اجماع بر عدم مشروعیت نماز جمعه بدون حضور امام معصوم علیه السلام یا منصوب از طرف او.

در رد این دلیل نیاز به سخن طولانی نیست چراکه علاوه بر قول شهید ثانی که گفته:

«ان القائل بهذا القول شاذ بالنسبة الى جملة اصحابنا بل جملة المسلمين و انه منحصر في قائلين و هما سلا و ابن ادریس و اما غیرهما فان مال الیه فی کتاب فقد خالفه فی غیره...»<sup>۲</sup>

یعنی این قول نه تنها اجماعی نیست بلکه قول شاذی است که قائل آن نسبت به اصحاب امامیه بلکه مسلمانان شاذ هستند و این قول تنها توسط دو نفر بیان شده و آن دو عبارتند از سلا و ابن ادریس اما غیر این دو فقیه اگر در کتابی به این نظر متمایل شده اند در کتاب دیگرشان از آن فاصله گرفته اند.

ما خود در نقل سخنان و اقوال فقها در فصل گذشته دیدیم که به هیچ وجه اجماعی بر این قول وجود ندارد و حتی نسبت اجماع به سید مرتضی نسبت ناصحیحی بود زیرا سید مرتضی می‌گوید: اگر حضور امام را در نماز جمعه شرط بدانیم آن‌گاه همه فقهای قائل به صحت و اجزای آن

۱. در این بخش از مطلب کتاب‌های «صلاة الجمعة تاريخياً و فقهياً»، «نماز جمعه در تاریخ و فقه اسلام»، «صلاة الجمعة معطياتها و احكامها» و... استفاده شده است.

۲. رسالة الشهيد الثاني، ص ۴۵

هستند و بدیهی است که این سخن نه منطوقش و نه مفهومش اجماع فقها بر شرطیت حضور معصوم علیه السلام یا منصوب خاص وی نیست. (و البته برخی با پذیرش این اجماع آن را حمل بر یکی از دو وجه کرده‌اند. وجه اول صحت نماز جمعه در زمان حضور معصوم و وجه دوم: مشروط بودن وجوب عینی نماز جمعه به اذن معصوم علیه السلام و نه مشروط کردن صحت آن)

### ۳-۱-۲- دلیل دوم: سیره

سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و خلفای پس از ایشان، تصدی اقامه جمعه و نصب امامان جمعه بوده پس در صورت عدم نصب نماز جمعه صحیح نمی‌باشد.

در رد این دلیل می‌گوییم اگرچه مقدمه استدلال را می‌پذیریم اما نتیجه آن را نمی‌پذیریم. سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دلالت بر انحصار این مقام در معصومان علیهم السلام نیست. معصومان علیهم السلام در زمان حیات خود بسیاری از امور دیگر نیز مثل حج، جهاد و... انجام داده‌اند. آیا این مطلب دلیلی است که این اعمال در زمان غیبت از مسلمانان پذیرفته نمی‌شود؟!<sup>۱</sup> بعلاوه سیره خلفای جور حجیتی

۱. در اینجا جهت تأیید نظر خود و رد قول عدم مشروعیت که حضور معصوم علیه السلام را شرط مشروعیت نماز جمعه می‌دانست به کلامی از مرحوم شهید صدر استناد میکنیم که می‌نویسد:  
و من هنا قد یثار اعتراض عام فی المقام، و هو أنّ نفس النبوة و الإمامة ظرف یمیز المعصوم دائماً عن غیره، فکیف یمکن أنّ تُثبت الحكم علی أساس فعل المعصوم.

و الجواب علی ذلك: أنّ احتمال دخل هذا الظرف [أی النبوة و الإمامة] فی الحكم المكتشف ملغی بقوله تعالی: «لکم فی رسول الله أسوة حسنة» و ما ینظره من الأدلة الشرعیة الدالة علی جعل النبی و الإمام قدوة، فإنّ فرض ذلك [أی فرض أنّ النبی و الإمام قدوة] یقتضی إلغاء دخل النبوة و الإمامة فی سلوکهما [کلما احتملنا دخل ذلك الظرف فی الحكم]؛ لکی یکون [النبی و الإمام] قدوة لغير النبی و الإمام. فما لم یثبت بدلیل [خاص] أنّ الفعل المعین من مختصات النبی و الإمام ینی علی عدم الاختصاص. (دروس فی علم الاصول الحلقة الثانية، ص ۱۳۵)

و از این جاست که شاید چنین اعتراضی نمودار گردد: از آنجا که نبوت و امامت خود ظرفی است که همواره معصوم را از غیر معصوم جدا می‌کند چگونه می‌توانیم براساس فعل معصوم اثبات حکم کنیم؟

جواب این اعتراض آن است که احتمال دخالت این ظرف [یعنی نبوت و امامت] در آنچه از فعل معصوم کشف می‌شود، با این سخن خداوند [که در آیه ۲۱ سوره احزاب می‌فرماید: «رسول خدا برای شما الگوی نیکویی است»، برطرف می‌گردد. همچنین است ادله شرعی که بر پیشوا قرار داده شدن پیامبر و امام دلالت دارند؛ زیرا که فرض این مطلب [که پیامبر و امام

ندارد که بخواهیم از آن الگوبرداری کنیم. و اگر سیره حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و امام امیرمؤمنان علیه السلام به عنوان شرطی برای نماز جمعه مطرح بود چرا ائمه اطهار علیهم السلام و خصوصا امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در روایات خود از این شرط یادی نکرده‌اند و سخنی نگفته‌اند؟! بلکه روایات عکس آن را می‌گویند و تصدی امامت جماعت را برای هرکسی که قابلیت نماز جماعت و خواندن خطبه را داشته باشد جایز می‌دانند.

«و اگر قبول کنیم این سیره را در این صورت شاید اشتراط اذن امام از روی رعایت اخلاق و ادب باشد نظیر اذن پدر در ازدواج دختر رشیده، باکره اش یا شاید اذن امام در صورتی که حاضر باشد و ما به او دسترسی داشته باشیم شرط باشد مانند اذن ولی میت در غسل و کفن و دفن میت تا موقعی که ولی میت حضور دارد اذن او شرط است. وقتی که غایب بود بر مسلمین واجب کفایی است که به تجهیز میت پردازند زیرا احکام به هیچ وجه تعطیل نمی‌شود و آسیب نمی‌بیند.»<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۳- دلیل سوم: وجوب یقینی نماز ظهر

وجوب نماز ظهر یقینی است و وجوب و اجزای نماز جمعه مشکوک است، لذا تنها در صورت عمل به نماز ظهر برائت ذمه یقینی پیدا می‌شود.

در جواب این دلیل می‌گوییم اولاً اینکه وجوب نماز ظهر در روز جمعه یقینی است اول کلام است و ادعایی است که اثبات نشده و ثانیاً بر وجوب و اجزای نماز جمعه در ظهر جمعه ادله فراوانی دلالت دارد اگر ادله دلالت بر وجوب تعیینی نباشد حداقل بر وجوب تخییری دلالت دارد. آن‌گاه با انجام آن برائت ذمه از وظیفه حاصل می‌شود.

---

پیشوای مردم هستند [اقتضا میکند که دخیل بودن نبوت و امامت را در رفتار پیامبر و امام الغاء کنیم تا رفتار آنها برای غیر پیامبر و امام الگو باشد؛ یعنی در هر عملی که از معصوم سر می‌زند قاعده‌ی کلی آن است که او همچون سایر مکلفین است]. پس تا زمانی که با دلیلی ثابت نشود که آن فعل معین از مختصات پیامبر یا امام بوده است، مبنا عدم اختصاص است. (قواعد کلی استنباط، ص ۳۲۵)

۱. یک بررسی تحقیقی و استدلالی پیرامون نماز جمعه، ص ۱۶۰

### ۳-۱-۴- دلیل چهارم: لزوم حرمت نماز ظهر

به فرض حرام نبودن نماز جمعه در عصر غیبت، وجوب عینی آن لازم می آید و در این صورت انجام نماز ظهر جمعه در غیبت جایز نمی شود. تالی (جایز نبودن نماز ظهر جمعه در غیبت) به اجماع باطل است بنابراین مقدم نیز باطل می شود.

**بیان ملازمه:** ادله ای که بر جواز نماز جمعه در غیبت دلالت دارند به فرض حرام نبودن آن دلالت بر وجوب دارند و در صورت معتبر بودن دلالت آن ادله لازم است قائل به وجوب شویم.<sup>۱</sup> در جواب این شبهه باید گفت:

در فرض حرام نبودن نماز جمعه در زمان غیبت، وجوب آن لازم می آید. آنان که قائل به وجوب عینی نشده اند وجوب تخییری را انتخاب کرده و وجوب تخییری با معنایی که در ذهن مردم است تالی باطل را به دنبال ندارد. و با معنای واقعی وجوب تخییری در اینجا که در واقع وجوب ترتیبی است باز مشکلی ایجاد نمی کند چرا که براساس نظریه وجوب عینی و یا وجوب تخییری به معنای صحیح آن، کسانی که شروط لازم را ندارند و یا از حکم وجوب استثنا شده اند می توانند و باید نماز ظهر را بخوانند و کسانی که شرایط لازم را دارند باید نماز جمعه بخوانند و بر فرض معصیت و کوتاهی در فریضه اول فریضه ظهر را به جا نخواهند آورد و هیچ یک از گزینه های یاد شده دلالت بر جایز نبودن نماز ظهر جمعه ندارد.

### ۳-۱-۵- دلیل پنجم: ایجاد اختلاف و فتنه کردن در میان مسلمانان

اقامه جمعه بدون نصب از طرف امام معصوم علیه السلام منشأ اختلاف و فتنه میان مؤمنان می شود و نمونه آن پیدا شدن اختلاف ها و فتنه ها میان علما و مردم در زمان صفویه بود. صاحب جواهر می نویسد: در ایام نگارش این مسئله کسی از اصحاب مورد وثاقت خبر داد که فتنه عظیمی در

---

۱. ر.ک: جوار الکلام، ج ۷، ص ۱۷۹ و جامع المقاصد، ج ۲، ص ۳۶۵

اصفهان در مسجد خاصی به خاطر نماز جمعه اتفاق افتاد و هر محله ای به نفع امام خود از او دفاع می کرد.<sup>۱</sup>

در جواب این اشکال می گوییم:

**اولا:** این اشکال در صورتی وارد است که قائل به صحت نماز جمعه از هر شخصی بشویم اما اگر گفتیم امام جماعت باید مؤمن و عادل باشد این ایمان و عدالت او را از مبارزه و اختلاف و تفرقه و چیزی که عدالتش را ساقط می کند باز می دارد و در این صورت نماز پشت سر این فرد حرام می شود نه این که نماز بطور کلی غیرمشروع باشد.

**ثانیا:** روایات عامی که معصومان علیهم السلام فقهای جامع الشرایط را نواب عام خود معرفی کرده اند گویای آن است که در این مسئله هم نواب عام یعنی فقهای جامع الشرایط که از شرایط آنها «مخالفة لهواه» است نقش تعیین و نصب امام جمعه را در هر منطقه بازی میکنند و فتنه ادعا شده پیش نمی آید و در مواردی که ولی فقیه حاکم کشور اسلامی شد مثل زمان فعلی جمهوری اسلامی ایران این مهم توسط ولی فقیه و نمایندگان او در بلاد مختلف انجام می شود.

**ثالثا:** به قول ضرب المثل معروف و عامیانه به خاطر یک نماز نخوان، در مساجد را نمی بندند؛ هر قانونی سوء استفاده کننده ای دارد. راه حل مسائل آن نیست که صورت مسئله را پاک کنیم بلکه برای آن باید تدبیری اندیشید. بر فرض تنازل از جواب اول و دوم و بر فرض عدم حضور فقیه جامع الشرایط و ولی فقیه و... مؤمنان این وظیفه را دارند که با شور و مشورتی که در میان خود دارند فرد احسن را انتخاب کنند. همان کاری که الان در جوامع به عنوان عمل دموکراسی انجام می دهند. عقلای عالم به خاطر اینکه ممکن است تفرقه ای ایجاد شود صورت مسائل مختلف جوامع خود را پاک نمی کنند.

---

۱. جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۷۸

رابعا: این اشکال اگر اشکال باشد در امامت جماعت مساجد مختلف نیز رخ می‌نماید. حال شما برای رفع این مشکل قائل به شرط تعیین امام جماعت هر مسجد توسط معصوم علیه‌السلام شوید!

### ۳-۱-۶- دلیل ششم: عدم صحت قیاس امر نماز جمعه به قضا و افتا

فقها در اقامه جمعه در زمان غیبت از جانب ائمه علیهم‌السلام اذن ندارند و اینکه برخی چنین گمان میکنند که چون فقها در قضا و فتوا از جانب ائمه اذن دارند بنابراین در نماز جمعه هم اذن دارند چنین گمانی باطل است به دوجهت:

اول آن‌که: اگر فقها قضاوت نکنند یا فتوا ندهند لازمه‌ی آن تعطیل شدن احکام شرعی و متحیر ماندن مردم در امور معاش و معاد است و در این صورت در بین مردم فساد ظاهر می‌شود اما اگر نماز جمعه ترک شود چنین چیزی لازم نمی‌آید.

دوم آن‌که: اگر فقها قضاوت نکرده فتوا ندهند حکم به «ما انزل الله» نکرده کتمان علم و ترک امر به معروف و نهی از منکر نموده اند که حرمت جمیع اینها قطعی و ضروری دین است اما اگر فقها اقامه نماز جمعه کنند در مقام امام ایستاده و منصب امام را بدون اذن ایشان گرفته اند. و اذن ائمه در برخی روایات به فقها در اقامه نماز جمعه ظن آور است و عمل کردن به ظن ممنوع است.<sup>۱</sup>

در جواب می‌گوییم:

اولا: اذن عام ائمه اطهار علیهم‌السلام به فقهای جامع‌الشرایط فقط در امر قضا و افتا نیست بلکه در همه اموری است که جامعه اسلامی و انسانی به آن نیاز دارد و این انحصار دلیلی ندارد.

ثانیا: برگزاری نماز جمعه که یک امر عبادی و سیاسی و احیاگر روح و مغز انسان‌ها و آشناگر آن‌ها به مسائل و مصالح سیاسی و اجتماعی و دینی آنهاست و هر هفته همچون آب پاکی آلودگی‌های جهل و اختلاف و تفرقه و سستی و کوتاهی را می‌زداید اهمیتش کمتر از افتا و قضاوت نیست که اگر روشنگری و بیدارگری در جامعه باشد نیاز به قضاوت کمتر می‌شود و پایگاه نماز جمعه خود

---

۱. ر.ک جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۸۰

مقامی است که مردم را در جهت عمل به فتاوی فقها آشنا و تشویق می‌کند و الا وجود فتاوی در کتب فتوی بدون تشویق مردمان به عمل آنها، اهمیت کمتری دارد.

**ثالثاً:** ادله قرآنی و روایی اقامه نماز جمعه نشان نمی‌دهد که برگزاری این فریضه منوط به اذن ائمه معصومین علیهم‌السلام باشد و آنقدر ادله روشن است که یقین آور بوده نه ظن آور. اگر این ادله با اطلاعات و عمومات و تشویقات و تحریضاتی که دارد و تهدیداتی که بر عدم انجام آن دارد علم آور و یقین آور نباشد پس در کدام مسئله به علم و یقین می‌توان رسید؟!

**رابعاً:** در جواب کسی که می‌گفت، عدم افتا و قضا حکم به «ما أنزل الله» نکرده‌اند می‌گوییم عدم برگزاری نماز جمعه در زمان غیبت که در این دوره مردم نیاز بیشتری به راهنمایی علما و فقها دارند و به کنگره وحدت آفرین هفتگی نماز جمعه که در روایات حج فقراء معرفی شده و مردم را در جهت اتحاد و آشنایی با مصالحشان سوق می‌دهد نیاز بیشتری دارند چگونه این نعمت بزرگ الهی را با ادله سست از آنها بگیریم؟ آیا این کار عدم عمل به «ما أنزل الله» نیست؟!

«یکی از علمای کاشان در جواب برخی از علمای هم عصر خود که ادعای حرمت نماز جمعه را در زمان غیبت داشت اشعاری سروده که دو بیت آن را در اینجا می‌آوریم:

فی المال نایب و لا تنوب / فی الجمعات انّ ذا عجیب

تأکل ماله و لا تقیم / صلوته أهكذا الحمیم

یعنی در مال و ثروت، نایب امامی، ولی در نمازهای جمعه نیابت نداری؟ این مطلب عجیبی است.

مال امام علیه‌السلام را می‌خوری اما اقامه نماز او را نمی‌کنی؟» این رسم دوستی و رفاقت و پیروی از ولایت نیست.<sup>۱</sup>

**۳-۱-۷- دلیل هفتم: عدم شرکت برخی از علمای بزرگ در نماز جمعه**

---

۱. یک بررسی تحقیقی و استدلالی پیرامون وجوب نماز جمعه، ص ۱۶۲

شبهه کننده می گوید:

اگر نماز جمعه واجب باشد، علمای اعلام در طول سالهای متمادی آن را ترک نمی کردند، اینکه در میان این علماء کسانی بودند مانند شیخ مرتضی انصاری <sup>رحمة الله عليه</sup> که در شبهه ها احتیاط می کرد اگر در نماز جمعه شبهه وجوب بود بر شیخ مرتضی انصاری و امثال او از علمای بزرگ لازم بود که بطور وجوب تعیینی، نماز جمعه را اقامه کنند و یا بین آن و بین نماز ظهر، جمع نمایند چنان که اقتضای احتیاط همین است و چون ثابت شده که این علمای بزرگ با آن همه احتیاط شدیدی که داشتند، اقامه نماز جمعه نمی نمودند، کشف می کنیم که نماز جمعه در نزد این بزرگواران، واجب نبوده است و عدم وجوب نماز جمعه به نظر ایشان مسلم بوده است.

**پاسخ آن:** اقامه نکردن این علما نماز جمعه را دلالت بر عدم وجوب نماز جمعه شرعا نمی کند به چند دلیل:

**اولا:** عمل علما برای ما حجت نیست زیرا آنان معصوم نیستند، مجتهد گاهی مطابق با واقع فتوا می دهد و گاهی هم در فتوا خطا می کند و بر ماها واجب نیست که آن ها را تقلید کنیم با اینکه از دنیا رفته اند و زنده نیستند.

**ثانیا:** معلوم است که زمان آن ها زمان تقیه بوده است، زیرا مرحوم شیخ انصاری <sup>رحمة الله عليه</sup> و امثال او در عصر دولت عثمانی بوده اند که این دولت، ائمه نمازهای جمعه را در تمام نقاط قلمرو حکومت خود، از طرف خود نصب می کرد و مانع می شد که کسی دیگر اقامه نماز جمعه کند و بخصوص بر شیعه در ادای بعضی از مراسم دینی سخت می گرفت همان گونه که، امروز در بسیار از ممالکی که مرامشان مخالف مسیر اهل بیت عصمت و طهارت <sup>علیهم السلام</sup> است چنین مشاهده می کنیم، مانند حکومت های وهابی که مانع می شوند تا شیعیان، اجتماعی تشکیل داده و مراسم اجتماعی دینی خود را انجام دهند، امروز که چنین باشد، چگونه از شیخ انصاری <sup>رحمة الله عليه</sup> و امثال او توقع داریم که در برابر نماز جمعه مخالفان، اقامه نماز جمعه کنند که حتی نماز جمعه از طرف دولت معاند در آن زمان در نجف اشرف برپا می شد و در سایر بلاد با سختگیری ای که بر شیعه تا پایان حکومت عثمانی

می‌شد بلکه تا امروز، پس عدم اقامه نماز جمعه از این بزرگان، دلیل بر عدم وجوب نماز جمعه به نظر آنان نیست.

**ثالثاً:** ظاهر این است که مشهور از فتاوی این علمای بزرگ آن است که نماز جمعه واجب تخییری است بلکه نماز جمعه از نماز ظهر بهتر است. پس اگر تقیه و یا وضع سختگیری حکومت عثمانی (چنانکه گفتیم) نبود اقتضا داشت که نماز جمعه را اقامه کنند زیرا آنان قائل به افضلیت نماز جمعه بر نماز ظهر بودند.<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۸- دلیل هشتم: وجود برخی از روایات

وجود برخی از روایات که ظاهرش دلالت بر حرمت نماز جمعه در زمان غیبت دارد:

۳-۱-۸-۱- در برخی از روایات لفظ امام آمده و این لفظ می‌رساند که از شروط برگزاری

نماز جمعه حضور امام علیه‌السلام است به عنوان نمونه موثقه سماعة قال: سألت أبا عبدالله علیه‌السلام عن

الصلاة يوم الجمعة فقال علیه‌السلام اما مع الامام فرکعتان و اما من یصلی وحده فهی اربع رکعات بمنزلة الظهر

یعنی اذا کان یخطب فان لم یکن امام یخطب فهی اربع رکعات و ان صلوا جماعة<sup>۲</sup>

در جواب می‌گوییم: لفظ امام در کتاب و سنت و لغت، به معنای امام و پیشوای اعم از

معصوم علیه‌السلام است و بر فرض اینکه ظهورش در امام جماعت در این روایت و روایات مشابه پیش

از ظهورش در امام معصوم علیه‌السلام نباشد کمتر نیست و در هر حال این احتمال وجود دارد و «اذا جاء

الاحتمال بطل الاستدلال» و قائل به حرمت نمی‌تواند استدلال کند. گو اینکه در خورد این روایت

قرائنی بر گفته ما وجود دارد زیرا در مقابل «مع الامام» فرموده «اما من یصلی وحده» و این تقابل نشان

دهنده آن است که امام یعنی امام جماعت کما اینکه در جمله دیگر شرط خطیب بودن امام را مطرح

می‌کند که حتی اگر امام جماعت هم باشد اما او نتواند خطبه بخواند یا نخواند باید چهار رکعت ظهر

---

۱. دلیل هفتم و جواب آن برگرفته از «یک بررسی تحقیقی و استدلالی پیرامون وجوب نماز جمعه، صص ۱۶۳-۱۶۴»

۲. وسائل الشیعة، ج ۵، ب ۵، حدیث (۳) و نیز الکافی، ج ۶، ص ۴۶۱

خوانده شود. و در برخی روایات به جای عبارت «مع الامام رکعتان» آمده: «و ان صلوا جماعة فرکعتان» که معنای امام را در روایت به خوبی روشن می‌سازد.

۳-۱-۸-۲- خبر دعائم الاسلام از امام امیرمؤمنان علیه السلام که فرمودند:

لا یصلح الحکم و لا الحدود و لا جمعة الا للامام او من یقیمه الامام<sup>۱</sup>

حکم کردن و اجرای حدود و نماز جمعه برای امام و یا منصوب از طرف او جایز نیست.

در جواب ما می‌گوییم:

اولا این خبر بیش از این دلالت ندارد که این امور از حقوق و شئون آن بزرگواران در زمان حضورشان است. چرا که یقیناً حضرت نمی‌خواهند قضاوت و اجرای حدود و همینطور نماز جمعه را در زمان غیبت تعطیل کنند. چرا که تعطیل قضاوت و اجرای حدود یعنی رضایت به هرج و مرج در جامعه.

ثانیا: عبارت منصوب از طرف امام، نصب عام را نیز شامل می‌شود که فقهای جامع‌الشرایط منصوب عام در زمان غیبت هستند.

۳-۱-۸-۳- در رساله فاضل بن عصفور از ائمه علیهم السلام روایت مرسل شده که:

ان الجمعة لنا و الجماعة لشیعتنا، همانا اقامه جمعه برای ما امامان است و و اقامه نماز جماعت

برای شیعیان ما<sup>۲</sup>

همچنین از ائمه علیهم السلام روایت شده که:

لنا الخمس و لنا الانفال و لنا الجمعة و لنا صفو المال. خمس و انفال و نماز جمعه و زکات

مخصوص ماست.<sup>۳</sup>

---

۱. دعائم الاسلام، ص ۱۰۰

۲. بدر الزاهر ص ۲۴ نقل از «نماز جمعه در فقه و تاریخ اسلام» ص ۳۱

۳. بدر الزاهر ص ۲۵ نقل از «نماز جمعه در فقه و تاریخ اسلام» ص ۳۱

همچنین شیخ صدوق به اسناد از حنان بن سدید از عبدالله بن سنان از ابو جعفر<sup>علیه السلام</sup> روایت کرده است که فرمود:

یا عبدالله ما من يوم عيد للمسلمين اضحى و لا فطر الا و يجدد الله لآل محمد فيه حزنا قال قلت: و لم؟ قال: انهم يرون حقهم فى ایدی غیرهم<sup>۱</sup>.

ای عبدالله هیچ عید قربان و فطری برای مسلمین نیست مگر اینکه حزن و اندوه آل محمد در آن تجدید می گردد. گفتم چرا چنین است؟ امام فرمود: زیرا حق خودشان را در دست دیگران مشاهده می کنند.<sup>۲</sup>

همین طور امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> در دعایشان در عید اضحی و روز جمعه در پیشگاه خدای متعال عرضه می دارند:

اللهم ان هذا المقام لخلفاءك و اصفیائك و مواضع امنائك فى الدرجة الرفیعه.....حتى عاد صفوتك و خلفاوك مغلوبین مقهورین مبتزین یرون حکمک مبدلاً و کتابک منبوزا و فرائضک محرفه عن جهات اسراعک و سنن نبیک متروکه.<sup>۳</sup>

بار خدایا این مقام و جایگاه (نماز عید و جمعه و یا این مقام امامت و خلافت) برای خلفا و جانشینان و بر گزیدگان توست. در حالیکه امروز برگزیدگان و جانشینان تو مغلوب و شکست خورده اند حقشان از دست رفته و حکم تو را تبدیل گشته و کتاب تو را دورافتاده، واجبات را از مقاصد راههای تو تغییر یافته و روش های پیامبرت را ترک شده می بینند.

در جواب این دسته روایات می گوئیم:

اولاً: با توجه به روایات کثیره ای که از ائمه<sup>علیهم السلام</sup> در تشویق و تحریک بر نماز جمعه وارد شده و حتی آن بزرگان خود در نمازها شرکت می کردند و اصحاب خود را تشویق می کردند، باید

---

۱. جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۸۶

۲. بدر الزاهر ص ۲۵، نقل از نماز جمعه در فقه و تاریخ اسلام ص ۳۱

۳. صحیفه سجادیه دعای عید اضحی و جمعه

گفت اگر چه در زمان ظهور آنان نماز جمعه حق آنان بوده است اما حال که این حق را کسانی دیگر غصب کرده‌اند ائمه اطهار نه خود آن را ترک می‌کنند و نه شیعیان را نهی از رفتن، چرا که بر اساس قاعده عقلی «ما لا یدرک کله لا یترک کله» ترک نماز جمعه مشکل غصب خلافت را حل نمی‌کند و نه فایده ای برای جامعه مسلمین دارد و به همین دلیل امام امیر مؤمنان علیه السلام علی رغم غصب خلافت توسط دیگران، به آن‌ها مشورت می‌داد و در مورد امور مختلف قضاوت و... جامعه اسلامی را یاری می‌فرمود.

**ثانیا:** آنچه در این باب فرموده‌اند مربوط به زمان حضور آنان بوده که طبعاً در زمان غیبت مواردی مثل خمس و انفال و جمعه را باید دیگران انجام دهند و کسی در مورد احکام دیگر، تردید نکرده که بگوید پرداخت خمس و زکات و انفال اختصاص به زمان حضور دارد.

**ثالثا:** هر گاه فقهای جامع الشرایط در زمان غیبت به نیابت از ائمه اطهار علیهم السلام به این امور اقدام کنند کأنه ائمه اطهار علیهم السلام این امور را توسط نایبان خود انجام می‌دهند و حقی که توسط غاصبان غصب شده، بار دیگر قسمتی از آن را به ممر خود بر می‌گردانند. آن‌ها می‌خواستند از طریق نماز و خمس و زکات و انفال و... دین خدا را به مردم بشناسانند و عملاً دین را پیاده کنند و این کار توسط فقهای جامع الشرایط (در حد پایین تر) انجام می‌شود. و حتی اگر بر فرض حکومت اسلامی نبود و حتی مبسوط الید بودن فقیه را هم نداشته باشیم باز اجرای امور در راستای اهداف عالیه اسلام بهتر از تعطیلی آن‌هاست. چرا که در جبهه مقابل شیطان و پیروان او ساکت نیستند و تمام توان خود را برای گمراهی مردم در عقیده و عمل به کار می‌برند.

۳-۱-۸-۴- آیا روایاتی مثل روایت زیر می‌تواند مدعای قائلان به حرمت را ثابت کند؟

محمد بن احمد بن يحيى عن محمد بن الحسين عن الحكم بن مسكين عن العلاء (عن محمد بن مسلم عن ابي جعفر عليه السلام قال: تجب الجمعة على سبعة نفر من المسلمين و لا تجب على اقل منهم: الامام و قاضيه و المدعى حقا و المدعى عليه و الشاهدين و الذى يضرب الحدود بين يدي الامام.<sup>۱</sup>

امام باقر عليه السلام فرمودند: نماز جمعه بر هفت نفر از مسلمانان واجب است و بر کمتر از آنها واجب نیست امام و قاضی او و مدعی و مدعی علیه و دو شاهد و کسی که حدود را به فرمان امام اجرا می‌کند.

قسمتی از این روایت از لسان مبارک امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است.

عن ابي العباس عن ابي عبد الله عليه السلام قال: ادنى ما يجزى فى الجمعة سبعة او خمسة ادناه<sup>۲</sup>

کمترین تعدادی که برای نماز جمعه کفایت می‌کند هفت و کمتر از آن پنج نفر است.

در جواب می‌گوییم:

**اولا:** روایات معصومان را باید با هم نگاه کرد و مطالب معارض را حتی الامکان آشتی داد. اگر به روایات دیگر که اینقدر تاکید و سفارش بر نماز جمعه دارد توجه کنیم آن‌گاه می‌فهمیم که امام علیه السلام در صدد این نیستند که نماز را فقط بر هفت نفر خاص از مسلمانان واجب بدانند نه بر غیر آنها. پس باید گفت مقصود امام علیه السلام تعیین حداقل عددی است که می‌شود با آن تعداد نماز جمعه را اقامه کرد همچنان که روایت امام صادق علیه السلام که نقل کردیم همین معنا را می‌رساند. و اگر امام باقر علیه السلام سخنی از امام و قاضی و مدعی ... آورده اند از باب یکی از مصادیق است که می‌خواهد بفرماید حتی در شرایطی که دو نفر برای مطلبی با هم دعوی و نزاع دارند و قاضی تلاش می‌کند حق را به حق دار برساند و... باز اگر هفت نفر که یکی از آنها قابلیت امام جماعت شدن و خطبه خواندن

---

۱. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۲ و نیز بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۱۷۶ و نیز الاستبصار، ج ۱، ص ۴۱۸ و نیز من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸۳

۲. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۳

را داشته باشد، باز نماز واجب می‌شود. در شرایط دعوی و مخاصمه و رفع دعوی نماز واجب شمرده می‌شود چه رسد به شرایط دیگر.

ثانیا: در صفات گذشته گفتیم که منظور از امام تنها امام معصوم علیه السلام نیست بلکه اعم از اوست.

### ۳-۱-۹- جمع بندی و نتیجه گیری

ادله و نظریات قائلان به حرمت نماز جمعه در زمان غیبت را مطرح کردیم و سعی در پاسخ دادن به نظرات آنها داشتیم. بنابراین باید از برخی بزرگان فقه و فقاہت سؤال کرد که شرط امام معصوم علیه السلام را از کجا آورده اند؟

صلاة الجمعة فرض مع حضور امام الاصل او من یقیمه<sup>۱</sup>

الجمعة واجبة و لا یجب علی غیر هم بشرط حضور امام الاصل او من یأمره<sup>۲</sup>

اما قول کسانی که شرط را «سلطان عادل» آورده اند قابل توجیه می‌باشد چراکه سلطان عادل فقهای جامع الشرایط و نیز امام جماعت عادل را نیز شامل می‌شود.

صلاة الجمعة لا تصح و لا تتعقد الا بحضور السلطان العادل او من یأمره هو و یحرمه البیع یوم

الجمعة حين یقعد الامام علی المنبر بعد الأذان علی من وجبت علیه الجمعة خاصة.<sup>۳</sup>

و کسانی نیز که فتوایشان در کتابهایشان اضطراب دارد در برخی از آنها قول به جواز و وجوب را پذیرفته اند، مثل مرحوم علامه حلی:

---

۱. المراسم العلویة، سلا، در ضمن سلسله الینایع الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۶

۲. الجامع الشرایع، ابن ادریس، در ضمن سلسله الینایع الفقیه، ج ۴، ص ۸۸۲

۳. اصباح الشیعة بمصباح الشریعة، در ضمن سلسله الینایع الفقیه، ج ۴، ص ۶۲۶

ففى هذا الكلام حكمان: الاول: فعل الجمعة فى غيبة الإمام مع تمكن الفقهاء من اقامتها و الخطبة كما ينبغى و هذا حكم قد خالف فيه جماعة و الأقرب الجواز. لنا عموم قوله تعالى: «إذا نودى للصلاة من يوم الجمعة فاسعوا» و إن الأصل عدم الاشتراط و لأنها بدل عن الظهر فلا يزيد حكمها على حكم المبدل<sup>١</sup> يعنى در مورد نماز جمعه دو حکم است برخی آن را در زمان غیبت به شرط تمکن فقهاء بر اقامه آن جایز دانسته و برخی با حکم مخالفت کرده‌اند به نظر ما حکم اقرب به واقع جواز است به خاطر عموم فرمایش خداوند که فرمود: هرگاه شما را به نماز جمعه فراخوانند به سوى آن بشتابید و اصل عدم اشتراط (حضور امام عليه السلام) است و نیز نماز جمعه بدل نماز ظهر است پس حکم آن از حکم مُبدل، زیادى (شرط حضور امام) ندارد.

ختم کلام خود را در این گفتار نقل مشک دو کلام از رسول گرامی اسلام قرار می دهیم که در هر دو روایت به وجوب نماز جمعه تا روز قیامت تصریح دارند:

ان الله كتب عليكم الجمعة فريضة واجبة إلى يوم القيامة،

خداوند نماز جمعه را بر شما فرض و واجب گردانده تا روز قیامت.<sup>٢</sup>

و نیز فرموده‌اند:

إن الله سبحانه فرض عليكم الجمعة فى عامى هذا فشهرى هذا فى ساعتى هذه، فريضة مكتوبة، فمن تركها فى حياتى أو بعد مماتى إلى يوم القيامة جحودا لها و استخفافاً بحقها فلا جمع الله شمله و لا بارک الله له فى امره الا لا صلاة له، الا لا حج له، الا لا صدقة له، الا لا بركة له، الا ان يتوب فان تاب تاب الله عليه<sup>٣</sup>

یعنى خداوند سبحان نماز جمعه را بر شما واجب گرداند در این زمان و در این ماه و در این ساعت واجبى نوشته شده پس کسی که آن را در زمان زندگى من یا پس از مرگ من تا روز قیامت

١ . مختلف الشيعة فى احكام الشريعة، ج ٢، ص ٢٥٠

٢ . وسائل الشيعة، ج ٥، ص ٦

٣ . مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٤٠٨

ترک کند و این ترک کردن از روی انکار و یا بی توجهی و کم شماری باشد خداوند تفرقه او را جمع نکند و امرش را مبارک نگرداند. آگاه باشد نه نمازش، نه حش، نه زکاتش پذیرفته نمی شود و زندگی او برکت نمی یابد. مگر اینکه توبه کند که اگر توبه کرد خداوند هم توبه او را می پذیرد.

امثال این روایات از طرفی رد قول کسانی است که وجوب نماز جمعه را مشروط به حضور امام <sup>علیه السلام</sup> می کنند و از طرفی ثابت کننده قول به وجوب عینی تعیینی که در ادامه بحث پیرامون آن صحبت خواهیم کرد.

### ۲-۳- بررسی نظریه وجوب نماز جمعه در زمان غیبت امام معصوم <sup>علیه السلام</sup>

پس از طرح نظریه اشتراط اقامه نماز جمعه به حضور معصوم <sup>علیه السلام</sup> و به عبارت دیگر نظریه حرمت و یا عدم مشروعیت اقامه نماز جمعه در زمان غیبت امام معصوم <sup>علیه السلام</sup> و اثبات جواز این قضیه و پاسخگویی به شبهات و یا ادله قائلان به این قول، به بررسی نظریه وجوب نماز جمعه در زمان غیبت می رسیم.

### ۱-۲-۳- بیان اقسام واجب و معنای هر قسم

واجب چیزی است که شارع مقدس به آن امر کرده و ترک آن مجازات دارد. واجب اصلی واجبی است که در وجوب اصالت دارد مانند نماز و واجب تبعی واجبی است که به تبع واجب دیگری واجب شده است. مانند مقدمات سفر حج که به تبع وجوب حج واجب می شود.

واجب تعبدی واجبی است که در انجام آن قصد قربت لازم است مانند روزه ی ماه رمضان و واجب توصلی واجبی است که در انجام آن قصد قربت لازم نیست مانند اداء دین، جواب سلام دادن، کفن و دفن میت.

واجب تخییری واجب است که بدلی هم عرض خود دارد و مکلف باید یکی از آن‌ها را به جا آورد مانند شصت روز روزه گرفتن برای کفاره، افطار عمدی در ماه رمضان که عدل آن شصت مسکین را طعام دادن یا بنده ای را آزاد کردن است و مکلف باید یکی از آن‌ها را انجام دهد.

واجب تعیینی واجب است که وجوب به شخص آن تعلق گرفته است مانند نماز، روزه و حج و چیز دیگری جایگزین آن نمی‌شود.

واجب عینی واجب است که هر مکلفی شخصا باید آن را انجام دهد و با اقدام دیگران از عهده ی او ساقط نمی‌شود مانند روزه ی ماه مبارک رمضان و واجب کفاره واجب است که هر مکلفی باید آن را انجام دهد ولی با اقدام دیگران (و حصول نتیجه) از عهده او ساقط می‌شود مانند جهاد در راه خدا که وقتی نتیجه لازم حاصل شد دیگران وظیفه ای ندارند.<sup>۱</sup>

حال با توجه به توضیحی که پیرامون معنای واجب و تقسیمات آن ملاحظه فرمودید می‌گوییم:

نماز جمعه یک عبادت و به تعبیر دیگر واجب تعبدی است که دستورات و احکام آن را باید از ناحیه شرع و وحی دریافت کرد و عقل انسانی در حدود و ثغور این فرضیه دخالتی ندارد مگر مواردی که وحی آن را به عقل واگذار کرده است. بنابراین بهترین راه برای فهم حکم این مأمور به الهی، مراجعه به قرآن کریم و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر امامان معصوم علیهم السلام است تا بینیم لحن آیات و روایات کدامیک از اقسام وجوب را برای نماز جمعه معین میکند. و البته پس از ملاحظه نصوص شرعی به سراغ انظار فقهای عظام و متون فقهی نیز خواهیم رفت.

---

۱. الموجز فی اصول الفقه، ص ۵۳، مبانی استنباط صص ۴۶-۴۹، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، صص ۳۰-۳۱

### ۳-۲-۲- بررسی نصوص شرعی پیرامون حکم تکلیفی نماز جمعه

۳-۲-۲-۱- بررسی آیه شریفه ۹ سوره جمعه

از آیه قرآن کریم که اولین مصدر و منبع احکام است شروع می کنیم. خداوند می فرماید: یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا إلى ذکر الله و ذرو البیع ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که برای نماز در روز جمعه ندا در دهند، پس به سوی یاد خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید. این برای شما بهتر است اگر بدانید.

مرحوم شیخ طوسی که هم فقیه است و هم مفسر، ذیل این آیه شریفه می نویسد:

معناه اذا سمعتم اذان يوم الجمعة فامضوا الى الصلاة و فرض الجمعة لازم علی جمیع المکلفین الا صاحب العذر من سفر او مرض او عمی او عرج او آفة و غیر ذلک و ظاهر الآیة متوجه الی المؤمنین. یعنی الصلاة التي فيها ذکر الله معناه اذا دخل وقت الصلاة اتركوا البیع و الشراء و هو الذي يقتضيه ظاهر مذهبن لان النهی يدل علی فساد المنهی عنه. یعنی ما ذكره من السعی الی الصلاة فی دینکم و انفع لکم عاقبة. صحة ما قلناه ای اعلموه.<sup>۲</sup>

ملاحظه می فرمایید که ایشان در تفسیر آیه میگویند نماز جمعه واجب و لازم است بر همه مکلفان الا کسانی که دارای عذر هستند و برخی از صاحبان عذر را معرفی می کنند: شخص مسافر، مریض، کور، لنگ و ... .

پیش از ایشان مرحوم شیخ مفید در کتاب خود «المقنعة» ضمن اشاره به آیه شریفه و روایات اهل بیت علیهم السلام این نماز را واجب معرفی می کنند که یکی از شرطهای لازم آن به جماعت خواندن است:

---

۱. الجمعة / ۹

۲. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۸

محمد بن محمد بن نعمان المفید فی المقنعة قال: إنّ الرواية جاءت عن الصادقین ان الله جل جلاله فرضت علی عباده من الجمعة الی الجمعة خمساً و ثلاثین صلاة لم یفرض فیها الاجتماع الا فی صلاة الجمعة خاصة. فقال جل من قائل: یا ایها الذین آمنوا...<sup>۱</sup>

و مرحوم فیض کاشانی در ذیل آیه شریفه می آورد:

فی الکافی عن الباقر علیه السلام قال فرض الله علی الناس من الجمعة الی الجمعة خمساً و ثلاثین صلاة منها صلاة واحدة فرضها الله فی جماعة و هی الجمعة و وضعها عن تسعة عن الصغیر و الکبیر و المجنون و المسافر و العبد و المرأة و المریض و الاعمى و من کان علی رأس فرسخین و الاخبار فی وجوب الجمعة اکثر من أن تحصى.<sup>۲</sup>

یعنی امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند متعال از جمعه تا جمعه سی و پنج نماز را واجب کرد، یکی از آن‌ها باید به جماعت خوانده شود و آن نماز جمعه است و این نماز از نه نفر وجوبش برداشته شده: کودک، پیر فرتوت، دیوانه، مسافر، برده، زن، مریض، کور، کسی که فاصله اش دو فرسخ و بیشتر باشد. و اخبار در وجوب بیش تر از آن است که شمرده شود.

و مفسر معاصر مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه می نویسد:

والمراد بالصلاة فی يوم الجمعة صلاة الجمعة المشرعة یومها و السعی هو المشی بالإسراع و المراد بذكر الله الصلاة و قیل المراد به الخطبة قبل الصلوة و قوله «و ذرو البیع» أمر بترکه و المراد به علی ما یفیده السياق النهی عن الاشتغال بكل عمل یشغل عن صلاة الجمعة سواء کان بیعا او غیره و انما علق النهی بالبیع لکونه من أظهر مصادیق ما یشغل عن الصلوة. و المعنی یا ایها الذین آمنوا إذا أذن لصلاة الجمعة یومها فجدّوا فی المشی الی الصلوة و اتركوا البیع و کل ما یشغلکم عنها.<sup>۳</sup>

۱. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۶

۲. تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۷۴

۳. المیزان، ج ۱۹، ص ۳۱۶

ترجمه: و مراد از عبارت (الصلوة من يوم الجمعة) نماز جمعه ای است که تشریع شده است که در روز جمعه خوانده بشود و مراد از عبارت (السعی) راه رفتن سریع است و مراد از عبارت (ذكر الله) نماز است. یک قول ضعیف می‌گوید: مراد از عبارت (ذكر الله) خطبه قبل از نماز است و مراد از عبارت (و ذرو البیع) امر کردن نسبت به ترک کردن بیع است. مراد این است که برطبق آنچه که سیاق افاده می‌کند از هر عملی که انسان را از نماز جمعه غافل می‌کند نهی شده است چه آن عمل بیع باشد یا غیربیع و علت اینکه از بیع نهی شده است این است که از بارزترین مصادیق غافل کننده از نماز است و معنی این می‌شود که: ای کسانی که ایمان آورده اید زمانی که برای نماز جمعه ندا در می‌دهند، پس کوشش نمایید تا به نماز جمعه برسید و بیع و هر آنچه که شما را از نماز جمعه غافل می‌کند، رها بسازید.

خواننده گرامی را به دقت در آنچه از متن نصوص قرآن و روایات برداشت می‌شود و نیز آنچه مفسران و فقیهان در شرح آن‌ها برداشت کرده‌اند، دعوت می‌کنیم که آیا وجوبی که از آن یاد می‌شود وجوب تعیینی است یا تخییری؟ وجوب عینی است یا کفایی؟ اصل در وجوب عبادات عینی بودن است و کفایی بودن غالباً در غیر عبادات و یا عباداتی مثل جهاد و امر به معروف است که با حصول نتیجه در جامعه، دیگر نیازی به انجام مکرر احساس نمی‌شود. و باز اصل در عبادات تعیینی بودن است (خصوصاً با توجه به لحن آیات و روایات) مگر آنکه دلیلی برای تخییری بودن باشد که کار دیگری می‌تواند جایگزین این عمل شود کاری که در عرض آن قرار دارد و در صورت نبودن دلیل بر این مطلب، تعیینی بودن تعیین می‌گردد.

۳-۲-۲- اصل در واجبات، نفسی، عینی، تعیینی بودن است.

مرحوم شهید صدر که فقیه و اصولی بزرگ عالم تشیع است در کتاب خود به این مطلب اشاره

دارد:

«و للطلب انقسامات عديدة: كاتقسامه إلى الطلب (التعيني) و (الغیری) فالأول هو طلب الشيء

لنفسه، و الثاني طلب أحد الأشياء على سبيل التخيير. و انقسامه إلى (العینی) و (الكفائي) فالأول هو طلب

الشیء من المكلف بعينه، و الثاني طلبه من أحد المكلفين على سبيل البدل. و بالاطلاق و قرينة الحكمة يمكن ان تثبت كون الطلب نفسيا، تعيينيا، عينيا، و يقال في توضيح ذلك: ان الغيرية تقتضى تقييد وجوب الشیء بما إذا وجب ذلك الغير، و التخيرية تقتضى تقييده بما إذا لم يؤت بالآخر، و الكفائية تقتضى تقييده بما إذا لم يأت بالآخر بالفعل، و كل هذه التقييدات تنفی مع عدم القرينة عليها بقرينة الحكمة، فثبت المعنى المقابل لها<sup>۱</sup>. یعنی طلب [اعم از طلب وجودی و طلب استجابی] تقسیماتی چند دارد. مانند تقسیم طلب به نفسی و غیری. طلب نفسی عبارت است از طلب چیزی به خاطر خود آن چیز [یعنی به خاطر مصلحتی که در خود آن چیز است] و طلب غیری عبارت است از طلب چیزی به خاطر چیز دیگر [مثل طلب وضو به خاطر نماز]

و مانند تقسیم طلب به تعینی و تخیری. طلب تعینی عبارت است از طلب چیز معینی و طلب تخیری یعنی طلب یکی از چند چیز به طور تخیر [که نه آوردن همه ی چیزها مطلوب است و نه ترک همه ی چیزها جایز].

همچنین تقسیم طلب به عینی و کفائی. اولی عبارت است از طلب چیزی از خود مکلف [یعنی از مکلف معینی] و دوم طلب چیزی از یکی از مکلفین علی البدل [به طوری که نه آوردن همه ی افراد مطلوب است و نه ترک کردن همه ی افراد جایز]

به سبب اطلاق و قرینه حکمت می توان ثابت کرد که طلب نفسی است [نه غیری]، تعینی است [نه تخیری]، عینی است [نه کفایی]. در توضیح این مطلب چنین گفته می شود که غیری بودن، اقتضا می کند که وجوب چیزی مقید باشد به وجوب آن غیر [چنان که گوئیم وجوب وضو مقید به وجوب نماز است، پس اگر نماز واجب نبود، وضو هم واجب نمی شد، ولی طلب نفسی چنین تقیدی ندارد]. و تخیری بودن اقتضا می کند که وجوب چیزی، مقید باشد به عدم اتیان چیز دیگر [چنان که در کفاره شکستن روزه گوئیم

---

۱. دروس فی علم الاصول، الحلقة الثانية، صص ۱۰۹-۱۱۰

اگر روزه شصت روز را ترک می کنی، اطعام مساکین کن، ولی واجب تعیینی چنین تقییدی ندارد.] و کفایی بودن اقتضا می کند که وجوب آن چیز مقید باشد به انجام ندادن دیگری [چنان که گوئیم این غریق را نجات بده، اگر کس دیگری او را نجات نمی دهد] و همه این تقییدات در صورتی که قرینه ای [در مقام اثبات] بر آن نباشد، به وسیله [ظهور عرفی سیاقی مبنی بر اینکه ما لا یقولہ لا یریدہ و به تعبیر دیگر به وسیله] قرینه حکمت نفی می شود و در نتیجه معنای مقابل آن ها [یعنی نفسی و تعیینی و عینی بودن] ثابت می گردد.<sup>۱</sup>

### ۳-۲-۲-۳- بررسی روایات باب

حال روایات وارده در این باب را یکی پس از دیگری نقل می کنیم:

#### ۳-۲-۲-۳-۱. روایت نفی غیر نماز جمعه در روز جمعه

در کتاب منسوب به امام رضا علیه السلام با عنوان «فقه الرضا» آمده است: قال امیرالمؤمنین علیه السلام: لا کلام و الامام یخطب و لا التفات و انما جعلت الجمعة رکعتین من اجل الخطبتین جعلاً مکان الركعتین الأخیرتین فهی صلاة حتی ینزل الامام و اذا زالت الشمس من یوم الجمعة فلا تصل الا المكتوبة.<sup>۲</sup>

ترجمه حدیث: امیر مومنان علی علیه السلام فرمودند در حالی که امام خطبه میخواند مامومین نباید سخن بگویند و به جای دیگر توجه کنند و اگر نماز جمعه دو رکعت قرار داده شده به خاطر وجود دو خطبه است که به جای دو رکعت دیگر قرار داده شده اند پس این دو رکعت خود جزیی از نماز هستند. و هرگاه ظهر روز جمعه شود جز نماز جمعه نخوان. ملاحظه می فرمایند که از این نهی که حضرت نسبت به خواندن غیر نماز جمعه فرموده اند تعیینی بودن آن برداشت می شود نه تخییری بودن آن.

۱. قواعد کلی استنباط، ج ۲، صص ۲۶۳-۲۶۴

۲. سلسله الینایع الفقهیة، ج ۳، ص ۲۰- فقه الرضا

۳-۲-۲-۳-۲. روایت مهر بر دل تارک جمعه زدن

و فی عقاب الاعمال عن محمد بن الحسن، عن الصفار عن محمد بن عیسی ابن عبید عن النضر بن سوید عن عاصم بن حمید عن ابی بصیر و محمد بن مسلم قالوا: سمعنا ابا جعفر محمد بن علی<sup>علیه السلام</sup> يقول: من ترک الجمعة ثلاثا متوالیات بغير علّة طبع الله علی قلبه.<sup>۱</sup>

یعنی امام باقر<sup>علیه السلام</sup> فرمودند: هر کس نماز جمعه را سه بار متوالی بدون داشتن عذری ترک کند خداوند بر دل او مهر می زند.

یادآوری می شود امام باقر<sup>علیه السلام</sup> در زمانی زندگی میکردند که برگزاری نماز جمعه به دست ایشان نبود بلکه خلفای جور این نماز را اقامه می کردند و در روایات سخن از بدل نماز جمعه وجود ندارد و اخبار به مهر زدن بر دل، اخبار ترسناکی است که خداوند این عقاب را برای کافران در قرآن کریم معرفی میکنند:

ان الذین کفروا سواء علیهم اأندرتهم أم لم تذرتهم لا یؤمنون-ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی أبصارهم غشاوة و لهم عذاب عظیم<sup>۲</sup>

همانا کسانی که کافر شدند چه آنها را بیم بدهی و چه ندهی بر آنها یکسان است و آنها ایمان نمی آورند- خداوند بر قلبها و گوشها و چشمهایشان مهر زده است و برای آنها عذاب بزرگی است.

۳-۲-۲-۳-۳. روایت هلاکت

عن ابی جعفر<sup>علیه السلام</sup> انه قال لعبد الملك مثلک یهلك و لم یصل فريضة فرضها الله علیه قال قلت کیف اصنع قال صلها جماعة یعنی الجمعة.<sup>۳</sup>

---

۱. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴ و نیز جامع احادیث الشیعة ج ۶، ص ۴۱۶- بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۱۶۵- الجامع الصحیح، ج ۲، ص ۳۷۳

۲. بقره/۶-۷

۳. جامع احادیث الشیعة، ج ۶، ص ۴۱۵ و نیز الاستبصار، ج ۱، ص ۴۲۰

یعنی امام باقر علیه السلام به عبدالملک (یکی از اصحابشان) فرمودند: کسی مثل تو هلاک می‌شود، زیرا فریضه ای را که خداوند بر او واجب کرده، ترک می‌کند. گفتم چگونه آن را انجام دهم. فرمودند آن را به جماعت بخوان (یعنی واجب است نماز جمعه را به جماعت خواند).  
خواننده محترم ملاحظه می‌فرماید که تعبیر به هلاکت و اطلاق روایت تعیین بودن این وجوب را می‌رساند نه تخییری بودن آن را.

۴-۳-۲-۳. روایات منافق شدن تارک جمعه

عن ابی جعفر علیه السلام انه قال: صلاة الجمعة فريضة واجتماع اليها مع الامام العدل فريضة فمن ترك ثلاث جمع على هذا فقد ترك ثلاث فرائض ولا يترك ثلاث فرائض من غير علة ولا عذر الا منافق.<sup>۱</sup>

سلسله راویان حدیث عبارتند از: عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن حماد بن عیسی عن

حریر بن عبدالله عن زراره بن اعین عن ابی جعفر الباقر علیه السلام.

امام باقر علیه السلام فرمودند: نماز جمعه واجب است و به جماعت خواندن با امام عادل واجب است پس کسی که سه جمعه را بدون عذر ترک کند سه واجب را ترک کرده و سه واجب را کسی بدون عذر ترک نمی‌کند جز منافق.

قبلا گفتیم که تعبیر امام عادل انحصار در امام معصوم علیه السلام ندارد و به قرینه روایات دیگر که جماعت بودن در این فریضه را شرط می‌دانند منظور امام عادل است که قابلیت اقامه نماز جماعت را داشته باشد.

۵-۳-۲-۳. وجوب نماز بر کسی که کمتر از دو فرسخ فاصله دارد

---

در این کتاب راویان به ترتیب زیر ذکر شده اند: محمد بن علی بن محبوب عن العباس بن عبدالله بن المغیره عن ابن بکیر قال حدثنی زاره عن عبدالملک عن ابی جعفر علیه السلام قال:...

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۰۷ و نیز وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴

محمد بن یعقوب الکلینی عن علی بن ابراهیم عن ایبه عن ابن ابی عمید عن جمیل بن دراج  
عن محمد بن مسلم و زرارة عن ابی جعفر علیه السلام قال: تجب الجمعة علی من کان منها علی  
فرسخین.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام فرمودند: نماز جمعه بر کسی که فاصله اش کمتر از دو فرسخ باشد  
واجب است.

آیا در این روایت اثری و خبری از بدل این واجب وجود دارد؟

همچنین ایشان که خود قائل به وجوب عینی نماز جمعه هستند روایت دیگری را در باب:  
«باب وجوب الجمعة» از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند:

محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن الحسین بن سعید عن النضر بن سوید عن عاصم بن  
حمید عن ابی بصیر و محمد بن مسلم عن ابی عبدالله علیه السلام قال: إن الله عزوجل فرض فی کل سبعة  
ایام خمسا و ثلاثین صلاة منها صلاة واجبة علی کل مسلم ان یشهدھا الا خمسة المریض و المملوک  
و المسافر و المرأة و الصبی<sup>۲</sup>

یعنی خداوند عزیز و با عظمت در هر هفت روز سی و پنج نماز را بر هر مسلمانی واجب  
کرد که یکی از آن‌ها نماز جمعه است و بر همه مسلمانان حضور در آن واجب است به استثنای  
بیمار، برده، مسافر، زن و کودک.

۶-۳-۲-۳. عدم وجوب بر برده و زن و کودک و مریض

مرحوم مجلسی در کتاب شریف «بحار الانوار» حدیثی را از قول رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم نقل  
میکند که فرمودند:

---

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۶۰

۲. الکافی، ج ۶، ص ۴۵۹ و نیز وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۵

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم: الجمعة حق واجب على كل مسلم الا اربعة: عبد مملوك، او

امراً او صبي او مريض.<sup>۱</sup>

در روایت دیگری در همین کتاب به جای «حق واجب»، واجبه آمده و بقیه مطالب

روایت مشابه است.<sup>۲</sup>

یعنی: حضرت فرمودند نماز جمعه حق الهی است و برگردن هر مسلمانی واجب

است به استثنای چهار نفر: عبد مملوک، زن، کودک و مريض.

نکته: ذکر موارد استثنا در کلام معصومان علیهم السلام از باب بیان موارد و تمثیل است نه

از باب انحصار، لذا در روایتی چهار نفر در روایتی پنج نفر و در روایتی هفت یا هشت نفر

یا نه نفر مستثنی شده اند، به تعبیر منطقیون «اثبات شیء نفی ما عدا نمی کند».

و در روایت دیگری از همین منبع در همین صفحه آمده است:

و قال صلى الله عليه وآله وسلم: إن الله كتب عليكم الجمعة فريضة واجبة الى يوم القيامة.

ملاحظه می کنید که در این روایت چهار نکته تأکیدی وجود دارد: «کتب علیکم»،

«فريضة»، «واجبة» و «إلى يوم القيامة» و از وجود بدلی که در عرض این واجب باشد سخنی

به میان نیامده است.

۳-۲-۲-۳-۷. اکرام خدا نسبت به مؤمنین توسط نماز جمعه

مرحوم کلینی روایت حسنی که در قوت مثل صحیح است از امام باقر علیه السلام نقل می کند که

فرمودند:

إن الله اكرم بالجمعة المؤمنين فسئها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بشارة لهم و توبيخا للمنافقين

و لا ينبغي تركها فمن تركها متعمدا فلا صلاة له<sup>۱</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۱۶۵

۲. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۶

یعنی: خداوند مؤمنان را با نماز جمعه اکرام کرده و رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نماز جمعه را سنت خویش قرار داد برای اینکه بشارتی برای مؤمنان و توبیخی برای منافقان باشد و ترک آن شایسته نیست و هر کسی آن را عمداً (بدون عذر) ترک کند نمازش مقبول نخواهد بود.

آیا میتوان از تعبیری مثل فلا صلاة له، فلا حج له، فلا صوم له و... که نسبت به تارک این فریضة آمده به راحتی گذشت و آن را توجیه کرد و خواندن نماز ظهر را مساوی این نماز قرار داد و بدون عذر نماز جمعه را ترک کرد؟! حاشا و کلا.

همچنین ایشان روایت دیگری را از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند:

علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس بن عبدالرحمن عن عبدالله بن سنان، قال:

قال ابو عبدالله علیه السلام: اذا زالت الشمس يوم الجمعة فابدأ بالمكتوبة.<sup>۲</sup>

یعنی: امام صادق علیه السلام به صحابی اش عبدالله بن سنان فرموده: هرگاه خورشید در روز جمعه به وسط آسمان رسید (یعنی ظهر شد) انجام تکلیف نوشته شده را شروع کن. تردیدی نیست که منظور از این تکلیف نوشته شده نماز جمعه است چراکه نماز ظهر در روزهای دیگر هم واجب است و آن‌گاه جمله اذا زالت الشمس يوم الجمعة نیاز ندارد.

۸-۳-۲-۲-۳. وجوب جمعه با تکمیل هفت نفر

مرحوم شیخ طوسی در «الاستبصار» روایت زیر را نقل می‌کند:

اخبرني الحسين بن عبيدالله عن احمد بن محمد بن يحيى عن ابيه عن محمد بن علي بن

محبوب عن العباس عن حماد بن عيسى عن ربعي عن عمر بن يزيد عن ابي عبدالله علیه السلام قال:

اذا كانوا سبعة يوم الجمعة فليصلوا في جماعة.<sup>۱</sup>

---

۱. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۱۳۸

۲. الکافی، ج ۶، ص ۴۶۴

امر امام علیه السلام مبنی بر اینکه اگر هفت نفر شدند پس باید به جماعت بخوانند نشان

دهنده ی دو مطلب است:

اول وجوب نماز جمعه چراکه برگزاری نمازهای جماعت غیر از جمعه واجب نیست،

و دوم شرط حضور هفت نفر در این نماز است.

۹-۳-۲-۲-۳. وجوب جمعه با تکمیل هفت یا پنج نفر

علی بن مهزیار عن فضالة عن ابان بن عثمان عن ابی العباس عن ابی عبدالله علیه السلام قال: ادنی ما

يجزى فی الجمعة سبعة او خمسة ادناه.<sup>۲</sup>

امام علیه السلام می فرماید: کمترین تعدادی که در نماز جمعه لازم است هفت یا پنج نفر است.

با این توضیح که اگر پنج نفر شدند امکان برگزاری نماز جمعه فراهم می شود و اگر هفت نفر

شدند برگزاری آن در صورت وجود شرایط دیگر مثل خطیب بودن امام و عدالت او واجب می گردد.<sup>۳</sup>

آنچه گفتیم در روایت دیگری تأکید می شود:

۱۰-۳-۲-۲-۳. معرفی معذورین وجوب نماز جمعه

ما رواه الحسين بن سعيد عن صفوان عن منصور بن حازم عن ابی عبدالله علیه السلام قال: یجمع القوم

یوم الجمعة اذا كانوا خمسة فما زاد و ان كانوا اقل من خمسة فلا جمعة لهم و الجمعة واجبة علی کل احد

لا یعذر الناس فیها الا خمسة المرأة و المملوک و المسافر و الصبی و المریض.<sup>۴</sup>

عبارت آخری روایت میگوید: کسی از رفتن به نماز جمعه معذور نیست مگر پنج نفر: زن،

برده، مسافر، کودک و بیمار.

---

۱. الاستبصار، ج ۱، ص ۴۱۸

۲. الاستبصار، ج ۱، ص ۴۱۹

۳. مضمون این روایت توسط راویان از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است: الاستبصار، ج ۱، ص ۴۱۹

۴. الاستبصار، ج ۱، ص ۴۱۹ و نیز وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۵

حال آیا در این روایت و امثال آن ترخیص نسبت به ترک نماز برای غیر افراد استثنا شده وجود دارد؟ و فتوی به وجوب تخییری از کجا حاصل شده و به چه دلیل؟ در صفحات آینده به آن می‌پردازیم.

۱۱-۳-۲-۲-۳. روایت دیگر معرفی معذورین وجوب نماز جمعه

در روایتی امام امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه نماز جمعه وجوب آن را بر مؤمنان گوشزد می‌کند:

قال و خطب امیرالمؤمنین علیه السلام فی الجمعة فقال: الحمد لله الولی الحمید الی ان قال: و الجمعة واجبة علی کل مؤمن الا علی الصبی و المریض و المجنون و الشیخ الکبیر و الاعمی و المسافر و المرأة و العبد للمملوک و من کان علی رأس فرسخین.<sup>۱</sup>

همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید ایشان در این خطبه نه نفر را دارای عذر برای عدم شرکت دانسته‌اند: کودک، مریض، دیوانه، پیرفروت، نابینا، مسافر، زن، برده و کسی که دو فرسخ یا بیشتر از محل برگزاری نماز جمعه فاصله دارد.

۱۲-۳-۲-۲-۳. روایت دیگر معرفی وجوب نماز جمعه

در روایت دیگری که شیخ صدوق رحمة الله علیه گزارش کرده آمده است:

قال ابو جعفر الباقر علیه السلام لزرارة بن اعین انما فرض الله عزوجل علی الناس من الجمعة الی الجمعة خمسا و ثلاثین صلاة منها صلاة واحدة فرضها الله عزوجل فی جماعة و هی الجمعة و وضعها عن تسعة عن الصغیر و الکبیر و المجنون و المسافر و العبد و المرأة و المریض و الاعمی و من کان علی رأس فرسخین.<sup>۲</sup>

---

۱. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸۰

خواننده ژرف اندیش ملاحظه می‌کند که در هیچیک از احادیث نه سخن از شرطیت حضور معصوم علیه‌السلام است و نه سخنی از زمان حضور و نه سخنی از بدلی که بتواند با نماز جمعه برابری کند و وجوب تخییری را بوجود آورد. و عباراتی مثل «فرض الله»، «کتب الله» و... در وجوب عینی تعیینی ظهور دارد بلکه نص است نه وجوب تخییری. به روایت دیگری که ایشان آورده توجه کنید:

۱۳-۳-۲-۲-۳. معرفی بارش باران به عنوان یکی از اعدار

و روی عبدالرحمن بن ابی عبدالله عن ابی عبدالله علیه‌السلام انه قال: لا بأس ان تدع الجمعة فی المطر.<sup>۱</sup>

یعنی امام صادق علیه‌السلام فرمودند: اشکالی ندارد که کسی نماز جمعه را در باران ترک کند. این روایت به عذر دهم اشاره دارد که می‌تواند عذری برای ترک نماز جمعه باشد و مفهوم آن می‌رساند که نماز جمعه وجوب عینی تعیینی است که برخی اعدار ذکر شده در روایات می‌تواند وجوب را به وجوب نماز ظهر تغییر دهد. و البته عذر باران نیز شاید در صورتی است که محل نماز جمعه مسقف نباشد و یا جاده ها خاکی و پرگل بوده که رفت و آمد دارای حرج و مشقت باشد و الا در این زمان‌ها با امکانات موجود بعید است آن را همیشه عذر بدانیم.

شاید بتوانیم از حدیث زیر، عذر دیگری را نیز به دست آوریم:

۱۴-۳-۲-۲-۳. شرط نماز جمعه جماعت است

قال ابو جعفر علیه السلام: ... فمن صلى يوم الجمعة في غير جماعة فليصلها كصلاة الظهر في

سائر الايام.<sup>۲</sup>

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۸۲

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۸۲

یعنی کسی که نمی‌تواند نماز جمعه را در جماعت بخواند پس باید نماز ظهر بخواند مثل روزهای دیگر. یعنی در صورت نبود هفت نفر و یا امام عادل و یا امام خطیب عذر ترک نماز جمعه وجود دارد و الا از این بابت عذری نیست.

روایت بعدی آنچه را گفتیم تأیید و تأکید می‌کند.

۱۵-۳-۲-۳. شرط نماز جمعه امام است

و روی سماعة عنه عليه السلام انه قال: صلاة يوم الجمعة مع الامام ركعتان فمن صلى وحده فهي اربع ركعات<sup>۱</sup>

البته واضح است که با توجه به دیگر روایات منظور از امام عليه السلام که فرمودند: هرکس فردی بخواند چهار رکعت است، کسی است که دارای عذر باشد و الا اگر بدون عذر کسی در جماعت شرکت نکند گناه کرده، بله پس از به جان خریدن این عصیان و عذاب آن اگر بخواهد بارگناه تکلیف ظهر جمعه خود را سبک کند به خواندن نماز ظهر می‌پردازد.

دو روایت زیر آنچه را که گفتیم تأیید می‌کند:

۱۶-۳-۲-۳. درک یک رکعت جمعه درک جمعه است

و روی الفضل بن عبدالملک عن ابی عبدالله عليه السلام قال: إذا ادرك الرجل ركعة فقد ادرك الجمعة و ان فاتته فليصل اربعاً.

یعنی اگر یک رکعت از نماز جمعه را درک کردی نماز جمعه را درک کرده ای اما اگر حتی یک رکعت را درک نکردی باید نماز چهار رکعتی ظهر را بخوانی.

۱۷-۳-۲-۳. درک رکوع درک جمعه است

---

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۸۷ و ۸۲

و روی الحلبي عنه عليه السلام انه قال: إذا أدركت الامام قبل ان يركع الركعة الأخيرة فقد أدركت

الصلاة و ان أدركته بعد ما ركع فهي اربع بمنزلة الظهر.<sup>۱</sup>

۱۸-۳-۲-۲-۳. نفی وجوب جمعه در سفر

و روی ربعی بن عبدالله و فضیل بن یسار عن ابی عبدالله عليه السلام انه قال: ليس في السفر

جمعة ولا فطر ولا أضحى.<sup>۲</sup>

یعنی در سفر نماز جمعه، نماز فطر و نماز عید قربان واجب نیست.

مفهوم روایت آن است که در غیر سفر (در حضر) نماز جمعه واجب است. زیرا در جواز

آنها در سفر شکی نیست و امام در صدد نفی وجوب در سفر هستند نه نفی جواز.

۱۹-۳-۲-۲-۳. امکان امامت یکی از هفت نفر در صورت عدم خوف

مرحوم شیخ صدوق روایت دیگری را از زراره از یکی از دو امام باقر عليه السلام و صادق

عليه السلام نقل میکند:

و قال زراره: قلت له علي من يجب الجمعة؟ قال: تجب على سبعة نفر من المسلمين. و لا

جمعة لأقل من خمسة من المسلمين احدهم الامام فاذا اجتمع سبعة و لم يخافوا امهم بعضهم و

خطبهم.<sup>۳</sup>

زراره می گوید از امام عليه السلام پرسیدم نماز جمعه بر چه کسی واجب است؟ فرمود بر

هفت نفر از مسلمانان (که تکمیل شوند) و نماز جمعه بر کمتر از پنج نفر نمی شود. یکی از این

هفت یا پنج نفر امام هستند هرگاه هفت نفر جمع شوند و ترسی (از حکومت جور) نداشته

باشند یکی از آنها امامت را عهده دار شود و خطبه بخواند.

---

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۸۸

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۹۰

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۸۱

ملاحظه می فرمایید که امام علیه السلام در این روایت امامت را به یکی از هفت مسلمان (که البته شرایط امامت جماعت و خطبه خواندن را داشته باشد) واگذار کرده است. بنابراین شرط امامت امام معصوم علیه السلام منتفی است بعلاوه در متن روایت صحبت از وجوب نماز جمعه است نه جواز آن و یا تخییر در وجوب.

۲۰-۳-۲-۳. روایت حث

و زراره می گوید:

حُثْنَا ابو عبدالله علیه السلام علی صلاة الجمعة حتی ظننت انه يريد ان نأتيه فقلت: نعدوا عليكم؟ فقال لا ائما عنيتُ عندكم.

امام صادق علیه السلام آنقدر ما را به نماز جمعه تشویق کرد که گمان کردم منظورشان آن است که خدمت ایشان برسیم و نماز را با ایشان بخوانیم. فرمودند نه منظور همان نمازی است که خودتان دارید.<sup>۱</sup>

۲۱-۳-۲-۳. طرح یک سؤال

سؤال: پس از ذکر اعذاری که در روایات آمده می پرسیم آیا اهل روستا بودن عذری است برای عدم تشکیل نماز جمعه و عدم شرکت در آن یا خیر؟ زیرا مرحوم طوسی نقل کرده که:

ما رواه احمد بن محمد بن محمد بن یحیی عن طلاقه بن زید عن جعفر عن ابیه عن علی علیه السلام قال: لا جمعة الا فی مصر یقام فیہ الحدود.<sup>۲</sup>

یعنی نماز جمعه برپا نمیشود مگر در شهری که حدود در آن اقامه می شود.

همچنین ایشان روایت دیگری به همین مضمون نقل کرده است:

۱. وسائل الشیعة ج ۵، ص ۱۲ ح ۱

۲. الاستبصار، ج ۱، ص ۴۲۰

ما رواه محمد بن احمد بن يحيى عن ابي جعفر عن ابيه عن حفص بن غياث عن جعفر عن ابيه عليهما السلام قال: ليس على اهل القرى جمعة و الخروج في العيدين.<sup>۱</sup>

**جواب:** وقتی روایات دیگر باب را با این روایت مقایسه می‌کنیم به ناچار باید جمع میان این روایات معارض برقرار کنیم. اگرچه کثرت روایات معارض با این روایت لزوم جمع عرفی را منتفی می‌سازد و احتمال تقيه یا مجعول بودن و... را تقویت می‌کند به هر حال به سراغ جمع عرفی می‌رویم:

**جمع ۱-** این روایت اشاره دارد به آنکه در قری و مکانهایی که افراد آموزش لازم دینی را برای قابلیت امام جماعت شدن و خطیب بودن ندارند به ناچار شرط لازم برای تشکیل نماز جمعه را دارا نمی‌باشند لذا باید نماز را در شهرهایی خواند که این شرط فراهم باشد.

**جمع ۲-** اگر بر روایاتی که به نوعی تأکید بر اذن امام علیه السلام (اذن خاص یا عام) دارد تأکید کنیم و برگزاری نماز جمعه را مشروط به اذن فقیه جامع‌الشرایط بدانیم آن‌گاه اذن او و یا حضور او در برقراری نماز جمعه در آغاز در شهرها و جاهای پرجمعیت حاصل می‌شود تا نسبت به روستاها و مکانهای دورافتاده.

**جمع ۳-** امام علی علیه السلام در زمان خود حاکم و امام بودند و در زمان حکومت معصوم علیه السلام اذن نسبت به تشکیل نماز جمعه باعث می‌شود که به دلایل متعدد برخی از روستاهای دورافتاده که امکانات و شرایط لازم را ندارند نتوانند نماز جمعه را اقامه کنند.

**جمع ۴-** مرحوم شیخ طوسی ذیل خبر نقل شده می‌نویسد: فالوجه فی هذا الخبر التقیة لانه موافق لمذاهب اکثر العامة،

یعنی وجه در این خبر آن است که از روی تقيه صادر شده چون این مطلب موافق مذاهب اهل تسنن است.<sup>۱</sup>

---

۱. الاستبصار، ج ۱، ص ۴۲۰

جمعهای عرفی که بیان کردیم با برخی روایات که در آنها پیرامون اهل روستاها صحبت می‌کنند تأیید می‌شود:

### روایت اول:

الحسین بن سعید عن صفوان عن العلا عن محمد بن مسلم عن احدهما عليهما السلام قال: سألته عن اناس في قرية هل يصلون الجمعة جماعة؟  
قال: يصلون اربعا اذا لم يكن من يخطب.<sup>۲</sup>

یعنی امام علیه السلام می‌فرمایند اگر اهل قریه (روستاییان) کسی را که بتواند خطبه بخواند ندارند باید نماز ظهر جمعه را که چهار رکعت است بخوانند.

مفهوم شرطی که از روایت برداشت می‌شود این است که اهل روستا هم اگر شرایط لازم از جمله داشتن امام عادل خطیب را دارند فرض آنها نماز جمعه است نه نماز ظهر و مستحضرید که حجیت مفهوم شرط مورد نظر اکثر علمای فقه و اصول است.

### روایت دوم:

عنه عن فضالة عن ابان عن عثمان عن الفضل بن عبد الملك قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول اذا كان قوم في قرية صلوا الجمعة اربع ركعات فاذا كان لهم من يخطب لهم جمعوا اذا كانوا خمسة نفر و انما جعلت ركعتين لمكان الخطبتين.<sup>۳</sup>

یعنی اگر گروهی در روستا کسی را دارند که بتواند برای آنها خطبه بخواند و حداقل پنج نفر باشند دو رکعت جمعه می‌خوانند و به جای دو رکعت دیگر دو خطبه نماز جمعه می‌باشد و الا (اگر تعدا آنها به پنج نفر نرسد یا خطیب نداشته باشد) باید چهار رکعت نماز ظهر را بخوانند.

---

۱. الاستبصار، ج ۱، ص ۴۲۰

۲. الاستبصار، ج ۱، ص ۴۱۹

۳. الاستبصار، ج ۱، ص ۴۲۰

### ۳-۲-۳- خلاصه و نتیجه

در بخش پیشین با نقل دهها روایت از دهها منبع روایی به این نتیجه رسیدیم که معصومان علیهم السلام در بیاناتشان نماز جمعه را واجب دانسته اند و این وجوب، وجوب تعیینی و البته وجوب عینی است آن راهنمایان معصوم الهی، حتی در زمانی که نماز جمعه توسط حاکمان جور برگزار می‌شد در پاره ای از موارد تشویق بر شرکت در همان نمازها نموده و در پاره ای از موارد امر به تشکیل نماز جمعه توسط گروه حداقل پنج نفری مسلمانان داده‌اند. به هر روی در روایات متعددی عذرهایی که به خاطر آن‌ها انسان می‌تواند نماز جمعه را ترک کنند برشمرده که این عذرهای عبارتند از: سفر، بیماری، کودکی، زن بودن، پیرویدن، نداشتن امام جماعت، نداشتن امامی که بتواند خطبه بخواند، فاصله دو فرسخ یا بیش از آن تا محل تشکیل نماز جمعه، نزول باران، کوری، لنگی، نرسیدن تعداد افراد به پنج یا هفت نفر (با توضیحی که داده شد).

### ۳-۲-۴- مروری بر نصوص فقهی (انظار فقیهان قدیم و جدید) درباره‌ی حکم تکلیفی نماز جمعه

اگرچه در گفتارهای قبلی این فصل، با نقل روایات از کتب محدثین و فقهاء با نظرات آن‌ها نیز آشنا شدیم و در مجموع قول به وجوب تعیینی را اقرب به صواب دانستیم اما برای اطمینان بیشتر و تأکید فزون‌تر به نقل مواردی دیگر از نصوص فقهی در این زمینه می‌پردازیم. تلاش ما نقل نصوص به ترتیب زمان ارتحال قائل آن است.

### ۳-۲-۴-۱- مقنعه شیخ مفید

مرحوم شیخ مفید (م ۴۰۶ق) در کتاب «المقنعه» می‌نویسد:

و اعلم أن الرواية جاءت عن الصادقين عليهما السلام أن الله جلّ جلاله فرض على عباده من الجمعة

خمسا و ثلاثين صلاة لم يفرض فيها الاجتماع إلا في صلاة الجمعة خاصة فقال جل من قائل يا أيها الذين

آمنوا إذا نودي للصلاة من يوم الجمعة فاسعوا إلى ذكر الله و ذروا البيع ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون

و قال الصادق عليه السلام من ترك الجمعة ثلاثا من غير علة طبع الله على قلبه و تسقط صلاة الجمعة مع الإمام عن تسعة الطفل الصغير و الهرم الكبير و المرأة و المسافر و العبد و المريض و الأعمى و الأعرج و من كان منها بالمسافة على أكثر من فرسخين.<sup>۱</sup>

همان‌طور که ملاحظه می‌فرمائید منطوق و مفهوم روایتهای نقل شده توسط این فقیه بزرگوار دلالتی جز بروجوب تعیینی ندارد. بلکه کسانی که به عنوان معذورین معرفی شده اند می‌توانند به جای آن نماز ظهر بخوانند اما فقط معذورین نه غیر آنها.

### ۳-۲-۴-۲- المذهب قاضی عبدالعزیز

مرحوم قاضی عبدالعزیز (م ۱۴۷۷ق) در کتاب «المذهب» خود می‌نویسد:

روی عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: أربعة يستأنفون العمل: المريض إذا برئ و المشرك إذا أسلم و المنصرف من الجمعة إيمانا و احتسابا و الحاج و اعلم ان فرض الجمعة لا يصح كونه فريضة إلا بشروط متى اجتمعت صح كونه فريضة جمعة و وجبت لذلك و متى لم تجتمع لم تصح و لم يجب كونه كذلك بل يجب كون هذه الصلاة ظهرا و يصلّيها المصلّي بنية كونها ظهرا. فهذه الشروط إذا اجتمعت وجب كون هذه الصلاة فريضة جمعة، و متى لم يجتمع سقط كونها فريضة جمعة و صليت ظهرا كما قدمناه. فان اجتمع من الناس خمسة نفر أحدهم الامام، و حصل باقى هذه الشروط كانت صلاتها ندبا و استحبابا. و صلّوها عن صلاة الظهر و إنما ذكرنا صلاة أربع ركعات هاهنا لمن صلى لنفسه بغير إمام و إذا وجبت الجمعة على انسان و جلس الامام على المنبر حرم عليه البيع و الشراء<sup>۲</sup>

---

۱. سلسله‌الینابیع الفقہیة، ج ۳، ص ۱۳۲- المقنعه فی الاصول و الفروع، ج ۳، ص ۱۳۲ از آن جا که شبیه روایات نقل شده را قبلا ترجمه کرده ایم از ترجمه ی مجدد خودداری می‌کنیم.

۲. المذهب فی ضمن سلسله‌الینابیع الفقہیة، ج ۳، ص ۴۲۴

خلاصه کلام ایشان آن است که اقامه نماز جمعه شروطی دارد از جمله آن‌ها به جماعت خواندن است و از جمله تکمیل حداقل نفرات برای این جماعت است که هفت نفر می‌باشد در این صورت نماز جمعه واجب می‌شود اما اگر پنج نفر که یکی از آن‌ها امام جماعت است جمع شدند برگزاری این نماز جایز بلکه مستحب خواهد بود. و اگر شرایط نماز جمعه حاصل نگردد انسان به ناچار نماز ظهر را می‌خواند.

خواننده گرامی ملاحظه می‌کند که بیان فریضه بودن نماز جمعه و وجوب آن به وجوب تعیینی انصراف دارد حال اگر شرایط نبود و نماز جمعه تشکیل نشد، چاره ای جز اقامه ظهر نیست، چرا که اشتغال ذمه یقینی می‌طلبد فراغ ذمه یقینی را. اما این مطلب به معنای تخییر مطلق و در عرض هم بودن این دو فریضه نیست. بلکه به معنای ترتیب و رعایت شروط است.

۳-۲-۴- غنیة حمزة بن علی

مرحوم حمزبن علی حلبی (م: ۵۸۵ق) نیز در کتاب «غنیة» همین مطلب را می‌نویسد و همین معنا را افاده می‌کند: و أما الاجتماع فی صلاة الجمعة فواجب بلا خلاف إلا أن وجوبه يقف علی شروط<sup>۱</sup> یعنی شرکت در نماز جمعه واجب است بدون اینکه در این حکم اختلافی میان فقها باشد مگر آنکه وجوبش بر شروطی متوقف است.

۳-۲-۴- کافی ابی اصلاح حلبی

مرحوم ابی الصلاح حلبی (م: ۴۷۷ق) نیز در کتاب خود «الکافی» می‌گوید:  
فاذا تکاملت هذه الشروط انعقدت جمعة و انتقل فرض الظهر من أربع رکعات إلى رکعتين بعد

الخطبة<sup>۲</sup>

۱. غنیة الفروع فی ضمن سلسله الینابیع الفقهیة، ج ۴، ص ۵۵۵

۲. الکافی فی الفقه فی ضمن سلسله الینابیع الفقهیة، ج ۳، ص ۲۷۹ الفقه

انتقال واجب ظهر چهار رکعتی به نماز جمعه دو رکعتی که دو خطبه آن قبل از نماز است گویای تعیین این وجوب است انتقال یافتن به معنای آن نیست که انسان غیر معذور می‌تواند یکی از این دو را به دلخواه انتخاب کند.

### ۳-۲-۴-۵- الجمل و العقود شیخ طوسی

مرحوم محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی م ۴۶۰ق) در «الجمل و العقود» می‌نویسد:

تجب الجمعة اذا اجتمعت شروط و هی علی ضربین احدهما یرجع الی من وجبت علیه و الثانی یرجع الی غیره<sup>۱</sup>

یعنی نماز جمعه در صورتی که شروط آن تحقق یابد واجب می‌شود و شروط به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف- شروطی که مربوط به کسانی است که نماز بر آن‌ها واجب شده است

ب- شروطی که به دیگران مربوط می‌شود.

نگارنده می‌گوید: شاید منظور ایشان از شروط دسته ی دوم شروط توانایی اقامه نماز جمعه و خطبه خواندن بر امام و جمع شدن شش نفر دیگر است که اگر آن‌ها این شروط را داشته باشند و جمع شوند اقامه نماز حاصل می‌شود. (تا قبل از جمع شدن اقامه نماز نبود) و از این به بعد اقامه این واجب بر افراد دیگر هم واجب می‌شود و آن‌ها هم شروطی برای واجب بودن نماز جمعه برایشان وجود دارد که عبارتند از مسافر نبودن، فاصله دو فرسخ به بالا نداشتن، کور نبودن و... .

### ۳-۲-۴-۶- الوسيلة ابن حمزه

مرحوم ابن حمزه (م ۵۶۶ق) در کتاب خود «الوسيلة» آورده است:

المكلف فی صلاة الجمعة أربعة أضرب: إما یجب علیه و تصح به و منه، أو تجب علیه و لا تصح به و لا منه، أو لا تجب علیه و تصح به و لا تصح منه<sup>۱</sup>

---

۱. الجمل و العقود فی ضمن سلسلة النبايع الفقهية، ج ۳، ص ۳۵۸

یعنی مکلف در نماز جمعه به چهار گروه تقسیم می‌شود: گروهی نماز بر آن‌ها واجب است و با آن‌ها اقامه نماز صحیح می‌شود (شرایطش تکمیل می‌گردد) و گروهی بر آن‌ها واجب است اما با آن‌ها نماز جمعه صحیح نمی‌شود. دسته سوم آن‌ها که نماز جمعه بر آن‌ها واجب نیست اما اقامه نماز با حضور آن‌ها صحیح می‌شود و دسته چهارم کسانی که نماز بر آن‌ها واجب نیست و اقامه نماز نیز با آن‌ها صحیح نمی‌باشد گروه اول مثل انسان حاضر بدون عذری که بتواند خطبه بخواند و امام شود، گروه دوم مثل انسان عادی که قدرت خطبه خواندن و امام شدن را ندارد، گروه سوم مثل زنان و مریضان و گروه چهارم مثل کودکان غیر ممیز.

۳-۲-۴-۷- فقه القرآن راوندی

مرحوم سعید بن عبد الله راوندی (م ۵۷۳ق) در «فقه القرآن» خود ذیل آیه امر به سعی به نماز جمعه می‌گوید:

اعلم أن فرض الجمعة يلزم جميع المكلفين لعموم قوله: فاسعوا إلى ذكر الله، إلا صاحب العذر من سفر أو مرض أو عمی أو عرج أو آفة و غیر ذلك و يعتبر فيه أيضا الذکورة و الحرية، و عند اجتماع شروطه لا تجب إلا عند حضور سلطان عادل أو من نصبه<sup>۲</sup>

یعنی بدان که واجب نماز جمعه بر همه‌ی مکلفان واجب است به خاطر عموم خطاب آیه‌ی شریفه مگر صاحبان عذاری مثل مسافر و بیمار و نابینا و لنگ و غیر از آن و هر گاه شروطش حاصل شد واجب نمی‌شود مگر با حضور سلطان عادل یا کسی که او را نصب کرده است. سلطان عادل که تنها در برخی روایات آمده و برخی از فقها، نیز آن را به عنوان شرط اقامه نماز جمعه مطرح کرده‌اند می‌تواند به معنای حاکم عادل غیر معصوم باشد و نصب مطرح شده توسط او نیز می‌تواند نصب خاص و یا عام باشد. اگرچه اغلب قریب به اتفاق نصوص قرآنی و روایی و فقهی از این شرط خالی است.

۱. الوسيلة فی ضمن سلسلة الینایع الفقهیة، ج ۴، ص ۵۹۰

۲. فقه القرآن فی ضمن سلسلة الینایع الفقهیة، ج ۴، ص ۵۰۸

و در ادامه می‌نویسد:

و فی الآیة كما ذكرنا دلالة على وجوب الجمعة و تحريم جميع التصرف عند سماع اذان الجمعة لانّ

البيع انما خص بالنهاى عنه لكونه من اعم التصرفات فى اسباب المعاش.

ذكر این نکته خالی از فایده نیست که در جواب کسی که شرط اقامه نماز جمعه را امام معصوم

علیه‌السلام می‌داند بپرسیم آیا فقها برای زمان غیبت کتاب می‌نویسند و حکم صادر می‌کنند یا برای زمان

حضور امام معصوم علیه‌السلام؟! شکی نیست که آن‌ها برای زمان غیبت اجتهاد کرده و فتوی می‌دهند و

در این زمان از حضور امام معصوم علیه‌السلام خبری نیست و نهایت معنای سلطان عادل یا امام جماعت

عادل را باید در نظر گرفت. چرا که اقامه نماز توسط امام نوعی سلطه بر مأمومین است که در آن نماز

آن‌ها را پند می‌دهد و امر و نهی می‌کند و در نماز نیز آن‌ها به حرکات و سکنتات او توجه کرده مورد

پیروی قرار می‌دهند. پس بیان شرط سلطان عادل عبارت دیگری است از بیان شرط به جماعت

خواندن این نماز به شرط داشتن امام عادل خطیب.

۳-۲-۴-۸- السرائر ابن ادریس

مرحوم ابن ادریس حلی (م ۵۹۸ق) که گاه نظر حرمت نماز جمعه در عصر غیبت را به او نسبت

داده‌اند در کتاب خود «السرائر» نظری دیگر دارد:

صلاة الجمعة فريضة على من لم يكن معذورا بما سنذكره من الاعذار بشروط و عقد الباب: أن

الجمعة لا تجب إلا إذا اجتمعت شروط و من وجب عليه الجمعة فصلی الظهر عند الزوال لم يجزئه عن

الجمعة، فان لم يحضر الجمعة و خرج الوقت وجب عليه إعادة الظهر أربعا لان ما فعله أولا لم يكن فرضه<sup>۱</sup>

یعنی نماز جمعه واجب است بر کسی که معذور نباشد و عذرهای او را ذکر خواهیم کرد. و کسی

که نماز جمعه بر او واجب شد اگر در هنگام ظهر نماز ظهر را خواند کفایت نمی‌کند بلکه اگر در نماز

---

۱. کتاب السرائر، ج ۱، ص ۲۹۰ و نیز السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی ضمن در سلسله الینابیع الفقهی، ج ۴، ص ۷۱۶ و

نیز الموسوعة، ج ۵، ص ۲۶۶

جمعه حضورنیافت و وقت گذاشت آن گاه وظیفه ی او خواندن نماز ظهر است (حتی اگر نماز جمعه را به تنهایی و خارج وقت خوانده باشد). زیرا آنچه خوانده واجب او نبوده است لذا کفایت نمی کند.

۳-۲-۴-۹- المختصر النافع محقق حلی

مرحوم جعفر بن حسن حلی (مشهور به محقق حلی) (م ۷۱۶ق) در کتاب خود «المختصر النافع»

می نویسد:

الجمعة و هی رکعتان یسقط معها الظهر و تسقط بالفوات و تقضى ظهرا اذا زالت الشمس و هو حاضر حرم علیه السفر لتعین الجمعة. یحرم البیع بعد النداء و لو باع انعقد.<sup>۱</sup>

یعنی نماز جمعه دو رکعت است و با وجود آن نماز ظهر ساقط می شود و اگر نماز جمعه فوت شد قضای آن نماز ظهر است (نه جمعه) هنگامی که ظهر شد و کسی در شهر و وطن خود است سفرکردن بر او حرام است زیرا نماز جمعه بر او معین شده است و بیع پس از نداء حرام است ولی باطل نیست.

ایشان در کتاب دیگر خود «شرایع الاسلام» می نویسد:

صلاة الجمعة رکعتان كالصبح یسقط معهما الظهر و یتحب فیهما الجهر و تجب بزوال الشمس و یرجح وقتها إذا صار ظل کل شیء مثله و لو خرج الوقت و هو فیها أتم جمعة إماما كان أو مأموما و تفوت الجمعة بفوات الوقت ثم لا تقضى جمعة و إنما تقضى ظهرا. و لو وجبت الجمعة فصلی الظهر و جب علیه السعی لذلك فإن أدركها و إلا أعاد الظهر و لم یجتزئ بالأول.

و لو تیقن أن الوقت یتسع للخطبة و رکعتین خفیفتین وجبت الجمعة و إن تیقن أو غلب علی ظنه أن الوقت لا یتسع لذلك فقد فاتت الجمعة و یصلی ظهرا. فأما لو لم یحضر الخطبة و أول الصلاة و أدرك مع الإمام رکعة صلی جمعة و کذا لو أدرك الإمام راکعا...<sup>۲</sup>

۱. المختصر النافع فی ضمن سلسلة الینابیع الفقهیة، ج ۴، ص ۸۴۱

۲. شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۸۳

نماز جمعه دورکعت به مانند نماز صبح است که با اقامه آن، نماز ظهر ساقط می‌شود مستحب است که در آن قرائت به صورت جهری خوانده شود و بازوال خورشید واجب می‌شود و وقت آن در زمانی که سایه هر چیزی به اندازه خود آن شیء می‌شود، تمام می‌شود و اگر وقت خارج بشود و شخص در مصلائی نماز جمعه حضور داشته باشد، باید نماز جمعه را به اتمام برساند هرچند که خود امام باشد یا مأمون و نماز جمعه با از بین رفتن وقت، فوت می‌شود سپس نماز جمعه قضا نخواهد داشت و فقط نماز ظهر قضا خواهد داشت و اگر نماز جمعه واجب باشد و شخص نماز ظهر را بخواند بر او واجب است که در رفتن به سوی نماز جمعه کوشش بنماید تا نماز جمعه را بخواند. اگر نماز جمعه را درک کند، فبها و اگر نماز جمعه را درک نکند نماز ظهر را اعاده خواهد نمود و نماز جمعه از شخصی ساقط نخواهد شد و اگر شخص یقین بکند که وقت برای خطبه و دو رکعت نماز جمعه وسیع است سپس وقت برای او تنگ بشود، بر او واجب است که نماز جمعه را بخواند و اگر شخص یقین نکند یا غلبه بر این ظن داشته باشد که وقت برای خطبه و دو رکعت نماز جمعه وسیع است سپس وقت برای او تنگ بشود، بر او واجب است که نماز جمعه را نخواند و نماز ظهر را بخواند. پس اگر در زمان خطبه و ابتدای نماز جمعه حاضر نگردد و با امام جمعه یک رکعت از نماز جمعه را درک بکند، در این صورت واجب است که نماز جمعه را بخواند و اگر امام جمعه در حال رفتن به رکوع باشد یا در حال سر بر داشتن از رکوع باشد بر شخص واجب نیست که نماز جمعه را بخواند و بر او واجب است که نماز ظهر را بخواند. خرید و فروش در روز جمعه بعد از اذان حرام است.

سپس اگر خرید و فروش بنماید، گناه کرده است و بنابر اظهر، خرید و فروش صحیح خواهد بود و اگر یکی از بایع یا مشتری جزء گروهی باشند که رفتن به سوی نماز جمعه برایشان واجب نباشد، در این صورت خرید و فروش نسبت به او جایز است و نسبت به شخص دیگر حرام است.

مرحوم حسن بن یوسف حلی (مشهور به علامه حلی (م۷۲۶ق) در کتاب خود «منتهی المطلب فی تحقیق المذهب» می نویسد:

الجمعة واجبة، و هو قول علماء الإسلام. و يدلّ عليه الكتاب و السنة و الإجماع.

أما الكتاب: فقوله تعالى إذا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا. و الأمر للوجوب.

و أما السنة: فما رواه الجمهور، عن أبي الجعد الضمريّ أنّ رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم قال: «من

ترك ثلاث جمّع تهاونا طبع الله على قلبه».

و قال عليه السلام: «الجمعة حقّ واجب على كلّ مسلم [فی جماعة] إلّا أربعة».

و أما الإجماع: فإنّه لا خلاف بين المسلمين فی ذلك.

إنّما تجب الجمعة على الذکور فلا يتعلّق الوجوب بالمرأة و هو قول كلّ من يحفظ عنه العلم؛ لأنّ

الأصل عدم الوجوب و صیغة الخطاب تتناول الذکور خاصّة. إنّما يحرم البيع على من تجب علیه الجمعة و

إذا زالت الشمس وجبت الجمعة لا الظّهر و أنّ السّعی إلى الجمعة واجب بالآیة فتكون الجمعة واجبة، و

لأنّها واجبة بالإجماع لا نعرف خلافا بین اهل العلم و ان الجمعة إذا فاتت تقضى ظهراً أربع رکعات<sup>۱</sup>

یعنی: نماز جمعه واجب است و این قول علمای اسلام است و بر این مطلب کتاب و سنت و

اجماع دلالت دارند. اما در کتاب خداوند متعال می فرمایند هنگامی که برای نماز جمعه ندا در

می دهند سپس به سوی نماز جمعه بشتابید. امر دال بر وجوب است و اما در سنت آمده است: هرکس

که سه بار نماز جمعه را از روی بی اهمیتی ترک بنماید، خداوند بر قلب او مهر خواهد زد. نماز

جمعه یک حق واجب نسبت به کلیه ی مسلمانان است مگر چهار دسته که معاف هستند و اما اجماع

در میان مسلمانان هیچ اختلافی نسبت به وجوب نماز جمعه وجود ندارد، همانا نماز جمعه نسبت به

مردان واجب است و نسبت به زنان واجب نیست و این قول هر عالمی است که دارای علم است.

۱. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۵، ص ۳۳۳

زیرا در هنگام شک بنابر اصول عملیه، اصل بر عدم وجوب است و صیغه ای که در قرآن کریمه به کار رفته است، فقط شامل مردان می‌شود. همانا خرید و فروش نسبت به هرکسی که برایش نماز جمعه واجب است، حرام خواهد بود و هنگامی که ظهر می‌شود نماز جمعه واجب خواهد بود و نماز ظهر واجب نخواهد بود. همانا رفتن به سوی نماز جمعه بر طبق آیه‌ی کریمه قرآن واجب است. بنابراین نماز جمعه هم واجب خواهد بود و هیچ اختلافی بین اهل علم در این که اگر نماز جمعه فوت بشود، نماز ظهر چهار رکعتی واجب است...

خواننده ژرف اندیش با ملاحظه کلام بزرگان فقه توجه پیدا می‌کند که تقریباً اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها وجوب نماز جمعه را عینی تعیینی دانسته و تصریح می‌کنند که اگر افراد صاحب عذر بودند و یا وقت نماز جمعه گذشته است یا... آن‌گاه باید نماز ظهر را اقامه کنند و این مفهوم به معنای ترتیبی بودن وجوب جمعه و سپس ظهر است نه تخییری بودن آن‌ها. همین فقیه بزرگوار در کتاب «قواعد الاحکام» خود آورده است:

الوقت و أوله زوال الشمس و آخره إذا صار ظل كل شيء مثله فحينئذ يجب الظهر و لا تسقط عن صلی الظهر فإن أدركها وجبت و إلا أعاد ظهره، و لو علم اتساع الوقت لها و للخطبتين مخففة وجبت و إلا سقطت و وجبت الظهر و هی رکعتان عوض الظهر و یحرم البیع بعد الأذان و ینعقد علی رأی و کذا ما یشبه البیع علی اشکال.<sup>۱</sup>

خلاصه آن‌که هرگاه سایه اشیاء به اندازه خودش توسعه پیدا کرد انتهای وقت نماز جمعه است و آن‌گاه نماز ظهر واجب می‌شود نه آنکه از همان ابتدا این دو (نماز جمعه و ظهر) در عرض هم بدون داشتن عذری واجب باشند.

و در کتاب «تبصرة المتعلمين» می‌نویسد:

---

۱. قواعد الاحکام فی ضمن سلسله الینایع الفقیه، ج ۴، ص ۹۲۴

و هي ركعتان عوض الظهر و وقتها من زوال الشمس الى ان يصير كل شيء مثله و شروطها: السلطان العادل او من نصبه و العدد و هو خمسة نفر احدهم الامام و الخطبتان و هما حمد الله تعالى و الصلاة على النبي و آله و الوعظ و قراءة سورة خفيفة من القرآن و الجماعة و ألا يكون هناك جمعة اخرى بينهما اقل من ثلاثة اميال و تجب مع الشرائط على كل مكلف حرّ ذكر سليم من المرض و العمى و الحرج و ان لا يكون همّا و لا مسافراً و لو كان بينه و بين الجمعة ازيد من فرسخين لم يجب الحضور و لو فاتت وجبت الظهر و يجب ايقاع الخطبتين بعد الزوال قبلها و قيام الخطيب مع القدرة و يستحبّ فيهما الطهارة و...<sup>۱</sup>

ترجمه: نماز جمعه دو ركعت است که به جای نماز ظهر خوانده می شود و وقت آن از زمانی است که خورشید زوال می یابد تا هنگامی که سایه هر چیزی به اندازه خود آن شیء می شود و شروط آن عبارت اند از: سلطان عادل یا هرکس که منصوب او است و تعداد آنها پنج نفر است که یکی از آنها امام جمعه خواهد بود و دو خطبه دارد و شامل سپاس خداوند متعال است و سلام بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است و موعظه و قرائت یک سوره ی کوچک از قرآن کریم است و به صورت جماعت اقامه می شود و نباید تا سه میل (یک فرسخ) نماز جمعه دیگری منعقد بشود و با وجود شرایط به هر مکلف مذكر سالم از مریضی و کوری و شلی واجب است. و مکلف نباید مریض و مسافر باشد.

و اگر مابین آن مکان مکلف و مکان نماز جمعه بیش از دو فرسخ فاصله باشد بر او واجب نیست که به نماز جمعه برود و اگر نماز جمعه از او فوت بشود، نماز ظهر بر او واجب است و واجب است که دو خطبه بعد از زوال آفتاب و قبل از نماز جمعه ایراد گردد و واجب است که خطیب جمعه در صورت قدرت بایستد و مستحب است که طهارت داشته باشد و...

تنها در این کتاب، ایشان شرط سلطان عادل را بر شروط وجوب جمعه می افزایند و ما قبلاً گفتیم که این شرط به معنای لزوم حضور امام معصوم<sup>علیه السلام</sup> نیست و می تواند به منزله فقیه

---

۱. تبصرة المتعلمين، ج ۱، ص ۱۰۷

جامع الشرايط و اذن او و یا حتی به معنای امام جماعت عادل باشد اگر چه با توجه به اینکه خلفا و حکام هر زمان، نماز جمعه را در اختیار خود گرفته بودند و از آن استفاده می کردند. آمدن شرط سلطان عادل می تواند جنبه تقیه و یا نوعی الزام از طرف آن ها نیز داشته باشد.

۳-۲-۴-۱۱- لمعة شهيد اول

مرحوم محمد بن مکی عاملی مشهور به شهید اول (م ۷۸۶ق) در کتاب لمعه خود می نویسد :

فی بقیة الصلوات فمنها الجمعة وَ هِيَ رَكْعَتَانِ كَالصُّبْحِ عَوْضَ الظُّهْرِ وَ يَجِبُ فِيهَا تَقْدِيمُ الْخُطْبَتَيْنِ الْمُشْتَمِلَتَيْنِ عَلَى حَمْدِ اللَّهِ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ الْوَعْظِ وَ قِرَاءَةِ سُورَةٍ خَفِيفَةٍ، وَ يُسْتَحَبُّ بَلَاغَةُ الْخُطِيبِ وَ نَزَاهَتُهُ وَ مُحَافَظَتُهُ عَلَى أَوَائِلِ الْأَوْقَاتِ وَ التَّعَمُّمُ وَ الْاعْتِمَادُ عَلَى شَيْءٍ، وَ لَا يَنْعَقِدُ إِلَّا بِالْإِمَامِ أَوْ نَائِبِهِ وَ لَوْ فَقِيهًا مَعَ إِمْكَانِ الْجُمُعَةِ فِي الْغَيْبَةِ وَ اجْتِمَاعِ خَمْسَةٍ، فَصَاعِدًا أَحَدُهُمُ الْإِمَامُ وَ تَسْقُطُ عَنِ الْمَرْأَةِ وَ الْعَبْدِ وَ الْمُسَافِرِ وَ الْهَمِّ وَ الْأَعْمَى وَ الْأَعْرَجِ وَ مَنْ بَعْدَ مَنْزِلِهِ بِأَزِيدٍ مِنْ فَرَسَخَيْنِ، وَ لَا تَنْعَقِدُ جُمُعَتَانِ فِي أَقَلِّ مِنْ فَرَسَخٍ. وَ يَحْرُمُ السَّفَرُ بَعْدَ الزَّوَالِ عَلَى الْمُكَلَّفِ بِهَا<sup>۱</sup>

یعنی: از جمله نمازهای واجب نماز جمعه است که مانند نماز صبح دو رکعت است و به جای نماز ظهر خوانده می شود. واجب است پیش از نماز جمعه دو خطبه خوانده بشود که مشتمل باشند بر حمد و ستایش خداوند، درود و سلام بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و خاندان او علیهم السلام و موعظه و در آن ها سوره ای کوتاه نیز خوانده شود. نیت در دو خطبه ی نماز واجب است. مستحب است که خطیب بلیغ و منزّه باشد و نماز را اول وقت بخواند و عمامه سربگذارد و در حال خطبه بر چیزی [مانند عصا یا شمشیر یا تفنگ تکیه کند]. نماز جمعه برپا نمی شود مگر توسط امام معصوم و یا در زمان غیبت توسط نائب او. ولو فقیه باشد در صورتی که امکان اجتماع باشد و این اجتماع، اجتماع پنج نفر بیشتر است که یکی از آن ها امام باشد. نماز جمعه از زن، بنده، مسافر، پیرمرد ناتوان، نابینا، لنگ، و کسی که منزلش بیش از دو فرسخ تا نماز فاصله دارد، ساقط می شود و در کمتر از یک فرسخ

۱. اللعة الدمشقية ج ۱، صص ۶۹ و ۷۰

دو نماز جمعه برپا نمی‌شود. برکسی که مکلف به خواندن نماز جمعه است، سفرکردن پس از زوال (ظهر شرعی) حرام است.

ملاحظه فرمودید که مرحوم شهید اول وجود و حضور یا اذن فقیه را در زمان غیبت برای اقامه نماز جمعه لازم و کافی می‌داند البته نگارنده در این شرط تأملی دارد که موضوع بحث فعلی ما نیست اما در هر صورت از کلام این فقیه بزرگوار وجوب تعیینی استخراج می‌شود و نه وجوب تخییری. زیرا ایشان نماز جمعه را در خلال نمازهای واجب آورده است و سفر کردن پس از ظهر را که موجب فوت آن شود حرام می‌داند و ساقط شدنش را تنها از افراد صاحب عذر معرفی می‌کند و....

### ۳-۲-۴-۱۲- شرح لمعة شهید ثانی

مرحوم زین الدین الجبعی العاملی (معروف به شهید ثانی) (م ۹۶۶ق) در کتابهای مختلف خود از جمله «مسالك الإفهام» و «شرح لمعه» بر وجوب تعیینی این فریضه نظر دارند.<sup>۱</sup>

ایشان در کتاب شریف «شرح لمعه» می‌نویسد:

و هی رکعتان کالصبح عوض الظهر فلا یجمع بینهما فحیث تقع الجمعة صحیحة تجزی عنها- و ربما استفید من حکمه بكونها عوضها مع عدم تعرضه لوقتها أن وقتها وقت الظهر فضیلة و أجزاء و به قطع فی الدروس و البیان فظاهر النصوص یدل علیه و ذهب جماعة إلی امتداد وقتها إلی المثل خاصة و مال إلیه المصنف فی الألفية و لا شاهد له إلا أن یقال بأنه وقت للظهر أيضا و لا تنعقد الجمعة إلا بالإمام العادل ع- أو نائبه خصوصا أو عموما- و لو کان النائب فقیها جامعاً لشرائط الفتوى- مع إمكان الاجتماع فی الغیبة هذا قید فی الاجتزاء بالفقیه حال الغیبة- لأنه منصوب من الإمام <sup>علیه السلام</sup> عموماً بقوله: انظروا إلی رجل قد روی حدیثنا إلی آخره و غیره. و الحاصل أنه مع حضور الإمام <sup>علیه السلام</sup> لا تنعقد الجمعة إلا به أو بنائبه الخاص و هو المنصوب للجمعة أو لما هو أعم منها و بدونہ تسقط و هو موضع وفاق. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة و أما فی حال الغیبة کهذا الزمان فقد اختلف الأصحاب فی وجوب الجمعة و تحریمها

---

۱. مسالك الإفهام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۳۳ و نیز الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۱، ص ۸۷

فالمصنف هنا أوجبها مع كون الإمام فقيها لتحقيق الشرط و هو إذن الإمام الذي هو شرط في الجملة إجماعا- و بهذا القول صرح في الدروس أيضا و ربما قيل بوجوبها حينئذ و إن لم يجمعها فقيه عملا بإطلاق الأدلة و اشتراط الإمام عليه السلام أو من نصبه إن سلم فهو مختص بحالة الحضور أو بإمكانه فمع عدمه يبقى عموم الأدلة من الكتاب و السنة خاليا عن المعارض و هو ظاهر الأكثر و منهم المصنف في البيان فإنهم يكتفون بإمكان الاجتماع مع باقى الشرائط- و ربما عبروا عن حكمها حال الغيبة بالجواز تارة و بالاستحباب أخرى نظرا إلى إجماعهم على عدم وجوبها حينئذ عينا و إنما تجب على تقديره تخييرا بينها و بين الظاهر لكنها عندهم أفضل من الظاهر و هو معنى الاستحباب بمعنى أنها واجبة تخييرا مستحبة عينا كما في جميع أفراد الواجب المخير إذا كان بعضها راجحا على الباقي و على هذا ينوى بها الوجوب و تجزى عن الظاهر و كثيرا ما يحصل الالتباس في كلامهم بسبب ذلك حيث يشترطون الإمام أو نائبه في الوجوب إجماعا ثم يذكرون حال الغيبة و يختلفون في حكمها فيها فيوهم أن الإجماع المذكور يقتضى عدم جوازها حينئذ بدون الفقيه و الحال أنها في حال الغيبة لا تجب عندهم عينا و ذلك شرط الواجب العيني خاصة و من هنا ذهب جماعة من الأصحاب إلى عدم جوازها حال الغيبة لفقد الشرط المذكور. و يضعف بمنع عدم حصول الشرط أولا لإمكانه بحضور الفقيه و منع اشتراطه ثانيا لعدم الدليل عليه من جهة النص فيما علمناه- و ما يظهر من جعل مستنده الإجماع فإنما هو على تقدير الحضور- أما في حال الغيبة فهو محل النزاع فلا يجعل دليلا فيه مع إطلاق القرآن الكريم بالحث العظيم المؤكد بوجوه كثيرة مضافا إلى النصوص المتضافرة- على وجوبها بغير الشرط المذكور. بل في بعضها ما يدل على عدمه- نعم يعتبر اجتماع باقى الشرائط و منه الصلاة على الأئمة و لو إجمالا و لا ينافيه ذكر غيرهم. و لو لا دعواهم الإجماع على عدم الوجوب العيني لكان القول به في غاية القوة فلا أقل من التخيير مع رجحان الجمعة و تعبير المصنف و

غیره بإمكان الاجتماع یرید به الاجتماع علی إمام عدل لأن ذلك لم يتفق فی زمن ظهور الأئمة غالبا و هو السر فی عدم اجتزائهم بها عن الظهر مع ما نقل من تمام محافظتهم علیها و من ذلك سری الوهم.<sup>۱</sup>

یکی از نمازهای واجب، نماز جمعه است. این نماز همانند نماز صبح دو رکعت است که به جای نماز ظهر می باشد. بنابراین، بین نماز ظهر و جمعه نباید جمع شود. پس هرگاه نماز جمعه به طور صحیح خوانده شود از نماز ظهر کفایت می کند. شاید از این حکم مصنف که نماز جمعه جایگزین نماز ظهر است؛ در کنار عدم بیان وقت نماز جمعه، استفاده شود که وقت نماز جمعه هم به لحاظ فضیلت و هم اجزاء همان وقت نماز ظهر است، و در کتاب «دروس» و «بیان» به همین قول، قطع پیدا کرده است، و ظاهر روایات نیز بر آن دلالت دارند. اما جمعی از فقها به این قول متمایل شده اند که وقت نماز جمعه (از اول زوال آفتاب است و) تا زمانی ادامه دارد که سایه‌ی شاخص به اندازه‌ی مثل شاخص شود. مصنف نیز در «الفیه» به این قول تمایل یافته، ولی به نظر ما دلیلی برای آن وجود ندارد، مگر آن که گفته شود: امتداد تا مثل، (همان طور که وقت نماز جمعه است) وقت نماز ظهر نیز می باشد.

و نماز جمعه منعقد نمی شود مگر توسط امام معصوم و یا نائب خاص یا عام ایشان یعنی: نماز جمعه فقط توسط امام عادل علیه السلام یا (نایب) خاص (که تنها برای اقامه نماز جمعه نصب شده است) و یا نایب عام ایشان (که هم برای نماز جمعه و هم برای غیر آن از سوی امام علیه السلام نصب شده است)، منعقد می شود اگرچه نایب وی -فقیه- جامع شرایط افتاء باشد در صورت امکان اجتماع مردم (برای اقامه نماز جمعه) در زمان غیبت. «در زمان غیبت»، قید اکتفا به قضیه به هنگام غیبت است، (یعنی فقط در زمان غیبت می توان به فقیه اکتفا کرد) زیرا وی، از سوی امام علیه السلام به طور عام منصوب شده است آنجا که فرمود: «بنگرید به کسی که حدیث ما را روایت کرده (و در حرام و حلال ما نظر کرده و احکام ما را دانسته، پس به او راضی شوید و او را در میان خود حکم سازید که

---

۱. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۱، ص ۸۷

ما او را بر شما حاکم کرده ایم، هرگاه او حکمی کند و شما آن را نپذیرید، حکم خدا را سبک شمرده اید و حکم ما را بر ما رد کرده اید و هر که بر ما رد کند، بر خدا رد کرده است و رد حکم خدا در مرتبه شرک به خداست» و غیر آن.

حاصل عبارت مصنف آن است که با حضور امام علیه السلام نماز جمعه منعقد نمی شود مگر توسط خود آن حضرت یا توسط نایب خاص وی - و نایب خاص کسی است که (از سوی امام) علیه السلام تنها برای اقامه ی نماز جمعه یا برای کارهایی اعم از آن نصب شده است - و اگر نایب خاص نیز نباشد، وجوب نماز جمعه ساقط می شود؛ این حکم مورد اتفاق فقهاست. و اما در زمان غیبت امام علیه السلام - مانند زمان ما - فقهای امامیه، در وجوب یا حرمت نماز جمعه اختلاف نظر دارند. مصنف در این کتاب، آن را در صورتی که «امام جمعه مجتهد باشد» واجب دانسته، زیرا شرط وجوب نماز جمعه، یعنی اذن امام علیه السلام (به امام جمعه) تحقق دارد، و این (اذن) به اجماع فقها فی الجمله شرط (وجوب نماز جمعه) است. چه بسا برخی از فقها گفته اند: نماز جمعه در عصر غیبت واجب است، هر چند آن را هیچ فقهی برپا نسازد، چون ادله ی (نماز جمعه) مطلق است، و شرط کردن حضور امام علیه السلام یا حضور کسی که امام او را نصب کرده است - اگر این شرط را بپذیریم - تنها مربوط به زمان حضور امام یا امکان دسترسی به آن حضرت (مانند زمان غیبت صغری) است. پس اگر در غیر آن، (یعنی مانند زمان غیبت کبری)، عمومیت ادله قرآن و روایات بدون معارض (=مخصّص)، می ماند. و همین قول (= شرط نبودن وجود امام و نایب وی در زمان غیبت) ظاهر عبارت اکثر فقها، از جمله مصنف در کتاب «بیان» است، چرا که فقها به امکان اجتماع (مردم برای برپا ساختن نماز جمعه) با وجود بقیه ی شرایط (= خواندن دو خطبه)، بسنده کرده اند. فقها در بیان حکم نماز جمعه در عصر غیبت، گاهی تعبیر جواز و گاهی عبارت استحباب را آورده اند، چرا که اجماع دارند که در حال غیبت، نماز جمعه واجب عینی نیست، و اگر در حال غیبت واجب هم باشد از باب وجوب تخییری، میان نماز جمعه و نماز ظهر است، ولی فضیلت نماز جمعه نزد ایشان بیش از نماز ظهر است. و معنای استحباب نماز جمعه همین افضل بودن آن است، به این معنی که نماز جمعه در عصر غیبت،

واجب تخییری و مستحب عینی است، چنانکه در همه ی مصادیق واجب تخییری، اگر بعض افرادش بر سایرین برتری داشته باشد، وضع همین گونه است. بنابراین، نمازگزار در نماز جمعه، نیت وجوب می کند و همان وی را از نماز ظهر بی نیاز می سازد. کلام فقها در بسیاری از موارد انسان را به اشتباه می اندازد به سبب غفلت از اینکه مقصودشان وجوب تخییری است (چون به وجوب تخییری تصریح نکرده اند، بلکه تعبیراتشان مختلف است)، چرا که آنان به اجماع، وجود امام علیه السلام یا نایبش را در غیبت در حکم نماز جمعه اختلاف می کنند (و وقتی آن شرط را آورده اند و خواننده به اجماع آنان در مورد شرط وجود امام یا نایب آن حضرت توجه می کند) توهم می کند که اجماع یاد شده، مقتضی جایز نبودن نماز جمعه بدون وجود مجتهد در زمان غیبت است، در حالی که (این توهم بی جاست و) نماز جمعه نزد فقها در عصر غیبت واجب عینی نیست؛ و آن شرط (= وجود امام یا نایبش) نیز تنها شرط وجوب عینی است. و از همین جا (که در مورد شرط وجود امام یا نایبش در نماز جمعه ادعای اجماع شده)، جمعی از فقهای امامیه به این نظر متمایل شده اند که نماز جمعه در عصر غیبت، از جهت اینکه شرط یاد شده در آن عصر وجود ندارد، جایز نمی باشد.

ولی به نظر ما این قول تضعیف می شود به این بیان که: اولاً، نمی پذیریم که این شرط، موجود نباشد، چراکه حصول آن با حضور فقیه، ممکن می شود، و ثانیاً، اعتبار چنین شرطی (در عصر غیبت) را نمی پذیریم، زیرا تا آن جا که ما می دانیم، دلیل روایی بر آن وجود ندارد.

و اما اجماع، که ظاهراً مستند این شرط قرار داده شده، مربوط به زمان حضور امام علیه السلام است، و اما نسبت به زمان غیبت لزومش محل نزاع فقهاست، از این رو نمی توان اجماع را دلیل بر آن قرار داد، با توجه به اینکه قرآن کریم به طور مطلق با تأکید فراوان مسلمانان را بر اقامه ی آن تشویق کرده است، افزون بر اینکه روایات فراوانی بر وجوب نماز جمعه بدون شرط یاد شده دلالت دارد، بلکه برخی از این روایات تعبیری دارد که حاکی از عدم اعتبار شرط یاد شده است. آری، دیگر شرایط نماز جمعه باید فراهم باشد، که یکی از آنها، صلوات فرستادن بر ائمه علیهم السلام است، هر چند

به اجمال یاد شوند، (و به تفصیل تک تک آن‌ها نام برده نشود) و نام بردنِ دیگران با وجوب نماز جمعه منافات ندارد.

و اگر دعوی اجماع یاد شده، بر عدم وجوب نماز جمعه در عصر غیبت نبود، قول به وجوب عینی آن در نهایت قوت بود، (و حال که چنین اجماعی ادعا شده) پس دست کم باید وجوب تخییری نماز جمعه را همراه با رجحانش (بر نماز ظهر) پذیرفت.

مراد از عبارت «امکان اجتماع (مردم)» در کلام مصنف و دیگران، «اجتماع بر امام جمعه‌ی عادل و برپاکردن نماز جمعه با او» است زیرا چنین اجتماعی غالباً در زمان ظهور ائمه علیهم السلام روی نمی داد، و همین است سرّ اینکه ائمه و اصحابشان نماز جمعه را بی نیازکننده از نماز ظهر نمی شمردند و به آن اکتفا نمی کردند، با اینکه نقل شده که ایشان نهایت محافظت را بر نماز جمعه داشتند، و از همین امر آن گمان به ذهن برخی از فقها راه یافت. (و گفتند نماز جمعه در عصر غیبت، واجب و یا مجزی نیست).<sup>۱</sup>

کلام مرحوم شهیدثانی مفصل و کامل بود و تنها دو نکته آن را توضیح می دهیم.

**نکته اول** که می‌گوید: اگر ادعای اجماع علما بر عدم وجوب عینی (که منظور تعیینی است) نبود قول به آن نهایت قوت را داشت، عرض بنده آن است که ما به هیچ وجه اجماع علما را بر عدم وجوب تعیینی در کتاب‌ها و کلامشان مشاهده نکردیم. نمی‌دانیم این اجماع کی محقق شده و مدعی کیست و چه دلیلی بر آن دارد؟!

**و نکته دوم:** و ربما قیل... چه بسا گفته شود نماز جمعه در زمان غیبت واجب است اگرچه فقیه هم آن را اقامه نکند. و اطلاق ادله نیز همین را می‌رساند و اگر وجود امام در برخی از روایات شرط دانسته شده این شرط اختصاص به زمان حضور دارد نه زمان غیبت. نگارنده می‌گوید، خدا درجات این شهید عالی مقام را بالاتر برد. بسیار سخن ارزشمندی بیان کرده و مرور بر ادله همین

---

۱. ترجمه و تبیین شرح اللمعة شهید ثانی، ج ۲، صص ۲۰۵-۲۱۶

مطلب را می‌رساند که حتی حضور فقیه و یا اجازه‌ی او شرط اقامه نماز جمعه در زمان غیبت نیست (البته این مطلب موضوع دیگری است و رسالت رساله‌ی حاضر نیست).

۳-۲-۴-۱۳- حدائق شیخ یوسف بحرانی

مرحوم شیخ یوسف بحرانی (م ۱۰۹۱ ق) برعینی (یعنی تعیینی) بودن این فریضه تصریح دو چندان دارد:

لا ريب ان الظاهر من الأخبار حتى كاد ان يكون كالشمس الساطعة على جميع الأقطار هو الوجوب العيني الذي لا يختلجه الشك منها و الإنكار متى لوحظت في حد ذاتها بعين الإنصاف و الاعتبار إلا ان الشبهة قد دخلت على جل أصحابنا رضوان الله عليهم<sup>۱</sup>.

یعنی آنچه از اخبار به دست آمده و بسیار روشن است مانند خورشید تابان، اینکه حکم نماز جمعه وجوب تعیینی است و در این مطلب شک و اشکالی راه ندارد اگر کسی به چشم انصاف به مطالب نگاه کند اما متأسفانه این شبهه در ذهن بسیاری از اصحاب (فقها) رخنه کرده است.

۳-۲-۴-۱۴- مفاتیح الشرایع فیض کاشانی

مرحوم فیض کاشانی (م ۱۰۹۲ ق) در «مفاتیح الشرایع» می‌نویسد:

تجب صلاة الجمعة على كل مكلف و يجزى حينئذ عن فرض الظهر. أما وجوبها فمن الضروريات و الكتاب و السنة المتواترة<sup>۲</sup>

یعنی نماز جمعه بر هر مکلفی واجب است و کفایت از نماز ظهر می‌کند و وجوب آن از بدیهیاتی است که با کتاب و سنت متواتر به دست آمده است.

آیا کلام این مرحوم به جز از وجوب تعیینی می‌تواند بر نوع دیگری از وجوب دلالت داشته باشد؟ یقیناً نه.

۱. الحدائق الناضرة، ج ۹، ص ۳۵۶

۲. مفاتیح الشرائع، ج ۱، ص ۱۷

۳-۲-۴-۱۵- وسائل الشیعة شیخ حر عاملی

مرحوم شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ق) نیز بر تعیینی بودن وجوب نماز جمعه تصریح دارند:

بَابُ وَجُوبِهَا عَلَى كُلِّ مُكَلَّفٍ إِلَّا الْهَمَّ وَالْمُسَافِرَ وَالْعَبْدَ وَالْمَرْأَةَ وَالْمَرِيضَ وَالْأَعْمَى وَمَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ أَزِيدٍ مِنْ فَرَسَيْنِ.

و روایات فراوان این باب که در خلال این رساله نقل شده گواه بر این اعتقاد می باشد.<sup>۱</sup>

۳-۲-۴-۱۶- بحار الانوار محمد باقر مجلسی

مرحوم شیخ محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۰ق) نیز قائل به عینی و تعیینی بودن نماز جمعه است.

ایشان در کتاب شریف «بحار الانوار» آورده اند.

باب وجوب صلاة الجمعة وفضلها و شرایطها و آدابها و احکامها.<sup>۲</sup> و عقیده ایشان بر وجوب

تعیینی بودن نماز جمعه را در خلال کلماتشان می توان به خوبی فهمید.

۳-۲-۴-۱۷- جامع الشتات میرزای قمی

مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی (م ۱۱۲۵ق) در کتاب خود «جامع الشتات» آورده است:

احتیاط در جمع بین صلاتین (نماز جمعه و نماز ظهر) است هر چند قائل به وجوب عینی

باشیم زیرا که مفروض بر این است که وجوب عینی دلیل آن یقینی نیست بلکه ظنی است پس دلیل

بر حرمت آن نیست و اما دلیل جواز ( بلکه استحباب ) همان ادله احتیاط است چون محتمل است که

در نفس الامر مطلوب باشد پس بنابر قول به وجوب عینی یا تخییری می تواند جمعه را به قصد

وجوب کند و ظهر را به قصد استحباب نظر به ادله احتیاط و احتمال حرمت به جهت تشریع و

بدعت مدفوع است.<sup>۳</sup>

۱. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲

۲. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۱۲۸

۳. جامع الشتات، ج ۱، ص ۷۰

ملاحظه می فرمایید که این فقیه بزرگوار قائل به احتیاط در جمع میان نماز جمعه و ظهر است اما دلیل محکمی بر این احتیاط نیاورده است. همان طور که سخن ایشان مبنی بر اینکه ادله وجوب عینی یقینی نیست قائل تأمل است که این همه آیه و روایت و کلمات فقها نتواند ما را به یقین در این مسئله رساند پس در کدام مسئله انسان می تواند به یقین برسد؟ البته از اینکه به نظر قاطع، قول قائلان به حرمت نماز جمعه را رد کرده اند باید از ایشان تشکر کرد.

۳-۲-۴-۱۸- ریاض السمائل سید علی طباطبائی

مرحوم سید علی طباطبائی (م ۱۳۳۱ق) در «ریاض المسائل» خود می نویسد:

و أمّا الذی تجب علیه حضور الجمعة فهو كل مكلف ذكر حرّ سليم من المرض و العرج و العمی حال كونه غیر همّ و لا مسافر و لا بعید عنها بفرسخین أو بأزید منهما علی الخلاف الآتی.

و إذا لم يكن الإمام <sup>عليه السلام</sup> موجودا أى كان غائبا عنا كزماننا هذا و أمكن الاجتماع و الخطبتان استحبت الجمعة و كانت أفضل الفردين الواجبين، وفاقا للأكثر، قيل: لعموم الأوامر بالجمعة من الكتاب و السنة، و مقتضاها الوجوب، و هو أعم من العینی و التخییری، و لما انتفى الأوّل بالإجماع تعین الثانی<sup>۱</sup>

یعنی: اما آن مکلفی که بر او نماز جمعه واجب است کسی است که مذکر، آزاد، سالم از مرض، کوری، شلی، غیر مریض، غیر مسافر و غیر دور از بیش از دو فرسخ باشد. بنا به اختلافی که خواهد آمد. البته این حکم در مورد نماز جمعه در جایی است که امام <sup>عليه السلام</sup> غایب باشد و اجتماع کردن مسلمانان ممکن باشد.

نماز جمعه دو خطبه خواهد داشت و از میان نماز جمعه و نماز ظهر نماز جمعه افضل است. این مطلب را اکثر فقهای عظام می فرمایند. یک قول ضعیف می گوید: عمومیت داشتن امرها در کتاب و سنت اقتضای این مطلب را دارد که نماز جمعه واجب خواهد بود و نماز جمعه از نظر وجوب،

اعم از عینی و تخییری خواهد بود و زمانی که مطلب اول از لحاظ اجماع منتفی شود، آن وقت مطلب دوم از لحاظ اجماع ثابت خواهد شد.

ایشان فقیهی است که به تخییری بودن نماز جمعه و ظهر به معنای هم عرض بودن این دو فریضه تصریح می‌کند اما دلیلی روشن برای این فتوا نمی‌آورد و دلیلی که می‌آورد بسیار عجیب است، زیرا می‌نویسد: وجوب عینی (البته باید می‌گفت وجوب تعیینی، زیرا وجوب عینی در مقابل وجوب کفایی است و وجوب تعیینی در مقابل وجوب تخییری) بودن نماز جمعه با اجماع منتفی است. خواننده محترم ملاحظه کرد که ما هرچه کلام بزرگان فقه را از خلال کتاب‌هایشان ملاحظه کردیم به چنین اجماعی نرسیدیم بلکه به اجماع مقابل آن یعنی نظر اکثریت قریب به اتفاق بر وجوب تعیینی این فریضه پی بردیم.

۳-۲-۴-۱۹- مستدرک الوسائل میرزا حسین نوری

مرحوم میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ق) قائل به وجوب تعیینی نماز جمعه هستند و در کتاب «مستدرک الوسائل» آورده اند:

بَابُ وَجُوبِهَا عَلَى كُلِّ مُكَلَّفٍ إِلَّا الْهَمَّ وَالْمُسَافِرَ وَالْعَبْدَ وَالْمَرْأَةَ وَالْمَرِيضَ وَالْأَعْمَى وَمَنْ كَانَ عَلَى رَأْسٍ أَزِيدَ مِنْ فَرَسَخَيْنِ

و آن گاه روایاتی را در این زمینه نقل می‌کنند که از باب نمونه یکی از آن‌ها را در این جا می‌آوریم:

الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْقُمِّيُّ فِي كِتَابِ الْعُرُوسِ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: فَرَضَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسًا وَ ثَلَاثِينَ صَلَاةً مِنْهَا صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ فَرَضَهَا فِي جَمَاعَةٍ وَ هِيَ الْجُمُعَةُ وَ وَضَعَهَا عَنِ التَّسْعَةِ عَنِ الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَالْمَجْنُونِ وَالْمُسَافِرِ وَالْعَبْدِ وَالْمَرِيضِ وَالْمَرْأَةَ وَالْأَعْمَى وَمَنْ كَانَ عَلَى رَأْسٍ فَرَسَخَيْنِ<sup>۱</sup>

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۰۷

مرحوم احمد بن محمد نراقی (م ۱۳۶۵ق) در کتاب «مستند الشیعه» خود با استناد به اصل عملی استصحاب بر وجوب عینی (تعیینی) نماز جمعه استدلال کرده‌اند.

احتجّ المثبتون للوجوب العینی بوجوه: الأول: الآیه. و قد عرفت عدم دلالتها و الثانی: الاستصحاب، فإنّ الجمعة كانت واجبة فی زمن النبی صلی الله علیه و آله وسلم و خلفائه فیستصحب.<sup>۱</sup>

ظاهراً پس از مطالعه دقیق قبل و بعد از مطالب، چنین به نظر می‌رسد که مولف اشاره ای به چگونگی عدم دلالت آیه به مدعای مورد نظر که همانا احتجاج مثبتین برای اثبات نمودن وجوب عینی نماز جمعه است نکرده است. و روایات فراوان باب را نیز مطرح ننموده و به سراغ اصل عمل رفته. حال از این باب که به نظر قابل قبولی رسیده سخنی نداریم اما به کار بردن اصل عملی درجالتی است که دلیل واضح و آشکار عقلی یا نقلی نداشته باشیم همانگونه که گفته‌اند:

«الاصل اصل حیث لا دلیل»، یعنی اصل زمانی دلیل است که دلیل دیگری نباشد.

مرحوم اسماعیل مرعشی (م ۱۴۲۰ق) نیز در کتاب خود با عنوان «اجماع فقه الشیعه» می‌نویسد:

صلاة الجمعة و هی فريضة صلاة الظهر من يوم الجمعة تقام عند اجتماع الشرائط و هی من الصلوات الواجبه اجماعاً، کتاباً و سنةً فيجب اقامتها و النداء لها على ولى امر المسلمين و قيل عند غيبة الامام المعصوم عليه السلام هی افضل فردی لواجب ای افضل من الظهر و ذلك لظاهر الايه و لظاهر النصوص<sup>۲</sup>

یعنی: نماز جمعه واجب ظهر روز جمعه است و هر هنگام وجود شرایط اقامه می‌شود و از نمازهای واجب است و این مطلب از طریق اجماع، کتاب و سنت به دست می‌آید، فراخوانی برای

۱. مستند الشیعه، ج ۱، ص ۴۰۱

۲. اجماعات فقه الشیعه، ج ۱، ص ۳۲۵

این نماز توسط ولی امر انجام می‌شود و گفته شده که در زمان غیبت امام معصوم<sup>علیه السلام</sup> نماز جمعه یکی از دو فرد واجب و افضل آن دو است. یعنی نماز جمعه از نماز ظهر برتر است. به دلیل ظاهر آیه و ظاهر نصوص.

ایشان در کتاب دیگرشان «الطاعة في اقامة الجمعة و الجماعة» که پس از ترجمه عنوان «یک بررسی تحقیقی و استدلالی پیرامون وجوب نماز جمعه» را پیدا کرده است قائل به عینی (تعیینی) بودن نماز جمعه است و برای آن استدلال‌های فراوانی می‌آورد. که ما برخی از آن‌ها را در خلال همین نوشتار آورده ایم و ارجاع داده ایم.

۳-۲-۴-۲۲- فقه الامام الصادق محمد جواد مغنیه

مرحوم محمد جواد مغنیه (م ۱۴۲۵ق) می‌نویسد:

صلاة الجمعة فرض كتابا و سنة و اجماعا، و هي ركعتان مع خطبتين قبلها، و يكتفى بها عن صلاة الظهر، و تختص بالرجال دون النساء، و لا خلاف في شيء من ذلك بين المسلمين، و انما الخلاف بينهم: هل تجب صلاة الجمعة مطلقا من غير شرط، أو تجب مع وجود السلطان أو من يستنبه لها؟ قال الامامية: وجود السلطان أو نائبه شرط، و لكن اشترط الامامية عدالة السلطان و إلا كان وجوده كعدمه، و قال كثير من فقهاء الامامية: إذا لم يوجد السلطان العادل أو نائبه و وجد فقيه عادل يخير بينها و بين الظهر.<sup>۱</sup>

نماز جمعه واجب است به لحاظ کتاب، سنت و اجماع و آن دو رکعت است همراه دو خطبه که پیش از آن ایراد می‌گردد و از نماز ظهر کفایت می‌کند و مخصوص مردان است و بر زنان واجب نیست و میان مسلمانان هیچ اختلافی در این مسئله وجود ندارد و اختلاف در این است که: آیا نماز جمعه به نحو مطلق بدون شرط واجب است یا این که با وجود حاکم یا نائب حاکم واجب است؟ امامیه می‌گویند: وجود حاکم عادل یا نائب حاکم شرط است. وجود حاکم غیرعادل مانند عدم حاکم

---

۱. التفسير الكاشف، ج ۷، ص ۳۲۶

خواهد شد و عده زیادی از فقهای امامیه می‌گویند، اگر حاکم عادل یا نائب حاکم نباشد و فقیه عادل باشد انسان میان اقامه نماز جمعه و نماز ظهر مخیر است.

ایشان در کتاب دیگر خود «فقه الامام جعفر صادق علیه السلام» می‌گوید:

الفقهاء قالوا صلاة الجمعة ركعتان و هي عوض الظهر و الحق أن صلاة الجمعة شرع في حال الغيبة

الإمام على سبيل التخيير بينها و بين الظهر.<sup>۱</sup>

یعنی فقها گفته اند نماز جمعه که دو رکعت است عوض ظهر می‌باشد و حق این است که نماز

جمعه در زمان غیبت امام علیه السلام با نماز ظهر دو واجب تخییری هستند.

ملاحظه می‌فرمایید که ایشان نیز هیچ دلیلی برای تخییری بودن نماز جمعه نیاورده اند و اگر

منظور آن است که در صورت نبودن شرایط نماز جمعه، نماز ظهر واجب است در این صورت باید

قائل به ترتب این دو واجب شد نه تخییر بین آنها.

۳-۲-۴-۲۳- الفقه سید محمد شیرازی

فقیه معاصر سید محمد شیرازی می‌نویسد:

لا اشكال و لا خلاف في وجوب صلاة الجمعة في الجملة بل عليه الأدلة الأربعة من الكتاب و

السنة و الإجماع و الضرورة بل العقل في الجملة<sup>۲</sup>

یعنی اشکال و خلافی در وجوب نماز جمعه فی الجملة وجود ندارد بلکه ادله اربعه (کتاب،

سنت، عقل و اجماع) بر آن گواهی می‌دهد.

۳-۲-۴-۲۴- منهاج الصالحین سیدعلی سیستانی

دیگر فقیه معاصر سید علی سیستانی وجوب نماز جمعه را افضل از ظهر می‌داند و این

وجوب را تخییری اما دلیل روشنی بر آن ارائه نکرده است.

---

۱. فقه الامام جعفر الصادق علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۶

۲. الفقه، ج ۲۶، ص ۳۲۳

صلاة الجمعة واجبة تَخِييراً على الأظهر و لكن إقامة الجمعة أفضل. من لا تجب عليه صلاة الجمعة  
عينا تجوز له المبادرة إلى أداء صلاة الظهر في أول وقتها.<sup>۱</sup>

البته جمله دوم ایشان که می‌گوید: «کسی که نماز جمعه عیناً بر او واجب نیست می‌تواند نماز  
ظهر را در اول وقتش بجا آورد» گویای آن است که ایشان نظر قاطعی در تعیینی یا تخییری بودن ابراز  
نکرده‌اند و احتمال عینی بودن آن را می‌دهند.

۳-۲-۴-۲۵- تحریر الوسيلة امام خمینی

حضرت امام خمینی رحمة الله عليه رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران  
نیز در این مسئله قول به وجوب تخییری را انتخاب کرده‌اند ولی دلیلی بر آن ارائه ننموده‌اند:

در زمان غیبت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز جمعه واجب تخییری است یعنی مکلف  
می‌تواند روز جمعه به جای نماز ظهر، نماز جمعه بخواند ولی جمعه افضل است و ظهر احوط و  
احتیاط بیشتر آن است که هر دو را به جا آورند. مراد از ذکر درآیه به اتفاق مفسران نماز جمعه است  
در زمان غیبت نماز جمعه واجب تخییری است و افضل از ظهر می‌باشد. در زمان غیبت نماز جمعه  
کفایت از ظهر می‌کند کسی که نماز جمعه را به جا می‌آورد واجب نیست نماز ظهر را هم بخواند  
ولی احتیاط مستحب آن است که آن را نیز به جا آورد.<sup>۲</sup>

۳-۲-۴-۲۶- دیگر مراجع تقلید معاصر

دیگر فقهای معاصر همانند آیات عظام مرحوم اراکی، مکارم شیرازی، مرحوم فاضل لنکرانی،  
مرحوم بهجت و... نیز همین نظر را انتخاب کرده‌اند.

مگر مرحوم آیت الله تبریزی که نوشته‌اند: لکن در صورت اقامه آن با شرایط شرکت در آن  
بنابر احتیاط واجب است.<sup>۳</sup>

۱. منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۰۷

۲. تحریر الوسيلة، ج ۱، ص ۲۳۱ و نیز توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۷۹۱

۳. همان

و بالاخره مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای <sup>مد ظله العالی</sup> ضمن تأکید بر نماز جمعه آن را واجب تخییری می‌دانند اگر چه دلیلی بر این قول ارائه نفرموده‌اند:

صلاة الجمعة وإن كانت في الوقت الحاضر واجباً تخييراً، ولا يجب الحضور فيها، لكن بالنظر إلى فوائد وأهمية الحضور في صلاة الجمعة، فلا ينبغي للمؤمنين حرمان أنفسهم من بركات المشاركة في مثل هذه الصلاة لمجرد التشكيك في عدالة إمام الجمعة، أو لأعذار واهية أخرى. أن المكلف في الإتيان بفريضة يوم الجمعة مخير بين أن يصلّي صلاة الجمعة، أو صلاة الظهر. ترك الحضور و المشاركة في صلاة الجمعة العبادية السياسية من أجل عدم المبالاة بها مذموم شرعاً. الإبقاء عن المشاركة فيها بصورة دائمة ليس له وجه شرعي. صلاة الجمعة مجزية عن صلاة الظهر، ولكن لا إشكال في الإتيان بصلاة الظهر احتياطاً بعد صلاة الجمعة و...<sup>۱</sup>

یعنی: نماز جمعه هرچند که در زمان حاضر واجب تخییری است و حضور در آن واجب نیست و لكن نظر به فوائد و اهمیت حضور در آن سزاوار مؤمنین نیست که خودشان را از برکات حضور در این نماز به مجرد شک در عدالت امام جمعه، محروم سازند و یا عذرهای واهی، دیگری بیاورند. معنی اش این است که مکلف در ادای فريضه ی واجب روز جمعه مخیر است بین اینکه نماز جمعه را بخواند یا نماز ظهر را. ترک حضور و عدم مشارکت در نماز عبادی- سیاسی جمعه به خاطر عدم اهمیت به آن شرعاً مذموم است. نماز جمعه گرچه واجب تخییر است و لكن خودداری از شرکت در آن به صورت دائمی و جه شرعی ندارد. نماز جمعه از نماز ظهر مجزی است و لكن انجام نماز ظهر بعد از نماز جمعه از باب احتیاط اشکال ندارد و اگر قصد دارد نماز عصر را در جماعت بخواند احتیاط کامل این است که نماز عصر را به کسی اقتداء کند که نماز ظهر را احتیاطاً بعد از نماز جمعه در حال اقتداء به او خوانده است. اصل جواز امامت برای برگزاری نماز جمعه متوقف بر اجازه نیست

۱. اجوبه الاستفتائات، ج ۱، ص ۱۷۳

ولكن ترتب احكام نصب وى برآى امامت جمعه موقوف بر اين است كه از طرف ولى امر مسلمين منصوب شود و اين حكم برآى تمامى شهرهاى است كه در تحت حاكيت ولى امر مسلمين بوده و اوامر او در آن جا مطاع باشد.<sup>۱</sup>

### ۳-۲-۵- جمع بندى و نتيجه گيرى

خواننده گرامى ملاحظه فرمود كه اكثر قريب به اتفاق فقهاى عظام در طول تاريخ اسلام قول به تعيينى بودن نماز جمعه را يا به صراحت بيان كرده يا از اطلاق كلامشان اين معنى برداشت مى شود. قول به وجوب تخييرى طرفداران زيادى ندارد ضمن اينكه ادله محكمى بر آن ارائه نشده است. همان طور كه اطلاق و عموم آيات و روايات و تحريض و تشويق آنها به نماز جمعه و از طرف مقابل تهديد و توعيد آنها به تاركان اين نماز، ترديدى برآى وجوب عيني تعيينى اين نماز انسان ساز و اصلاحگر جامعه باقى نمى گزارد. همچنين روايات متعدد و متواترى كه معذورين اين فريضه را معرفى مى كنند خود دلالت بر وجوب تعيينى اين نماز دارد. معذورين در اين روايات عبارتند از: كودك، پير، فرتوت، زن، نابينا، برده، بيمار، كسى كه فاصله دو فرسخ يا بيشتر دارد و... البته در روايات تصريح شده است كه حتى معذورين در صورت حضور در نماز لازم است آن را مثل ديگران اقامه كنند.<sup>۲</sup>

۱. ترجمه فارسى اجوبه الاستفتائات، صص ۱۲۲-۱۲۳

۲ به پاره اى از روايات كه معذورين از وجوب شركت در نماز جمعه را معرفى مى كنند توجه كنيد: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ وَعَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّادَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: فَرَضَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسًا وَ ثَلَاثِينَ صَلَاةً مِنْهَا صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي جَمَاعَةٍ وَ هِيَ الْجُمُعَةُ وَ وَضَعَهَا عَنْ تِسْعَةِ عَنِ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ وَ الْمَجْنُونِ وَ الْمُسَافِرِ وَ الْعَبْدِ وَ الْمَرْأَةِ وَ الْمَرِيضِ وَ الْأَعْمَى وَ مَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ فَرْسَخَيْنِ. وَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ وَضَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ الْجُمُعَةَ مَتَى حَضَرُوهَا لَزِمَهُمُ الدُّخُولُ فِيهَا وَ أَنْ يُصَلُّوهَا كَغَيْرِهِمْ وَ يَلْزِمُهُمْ اسْتِمَاعُ الْخُطْبَةِ وَ الصَّلَاةِ رُكْعَتَيْنِ (تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۲۴) و نیز (الكافي، ج ۶، ص ۴۶۱) و نیز (النهاية فى مجرد الفقه و الفتاوى ضمن سلسلة الينايع الفقهية، ج ۳، ص ۳۱۹)

### ۳-۳- بررسی ادله نفی وجوب عینی (تعینی) نماز جمعه در عصر غیبت

نتیجه ای که از ملاحظه آیه شریفه و روایات مستفیض و متواتر و سیره مسلمانان و معصومان علیهم السلام حاصل آمد اثبات حکم تعیینی بودن نماز جمعه در عصر غیبت بود. حال برای رفع هرگونه شک و شبهه پیرامون این نتیجه ادله ای را که برخی برای نفی وجوب تعیینی نماز جمعه ارائه کرده اند می آوریم و مورد نقد و بررسی قرار می دهیم:<sup>۱</sup>

#### ۳-۳-۱- اجماع

ادعا شده که علمای امامیه بر نفی وجوب عینی نماز جمعه در غیبت اجماع نموده اند و در این میان کلماتی از برخی فقها نیز به عنوان مؤید نقل شده است.<sup>۲</sup>

**جواب: اولاً** اجماع از نظر شیعه به خودی خود دلیل مستقلى نیست و تا زمانی که کاشف از رأی معصوم علیه السلام نباشد اعتباری ندارد. در جایی که روایات متعددی بر وجوب نماز جمعه باشد اجماع نمی تواند در مقابل روایات قد علم کرده و حرف دیگری را بزند و این کار اجتهاد در مقابل نص به حساب می آید. و در صورتی که مفاد اجماع مطابق مفاد روایات باشد اجماع مدرکی است و دلیل مستقلى شمرده نمی شود.

**ثانیاً:** ما کلمات فقهای عظام شیعه را از صدر زمان غیبت تا کنون بررسی کردیم و دیدیم که اکثریت آنها نظر به تعیینی بودن این فریضه دارند و در ضمن بیاناتی که برخی از آنها داشته و اجماع

---

إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسًا وَثَلَاثِينَ صَلَاةً مِنْهَا صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَسْقُطُ وَجُوبُ الْحُضُورِ فِي الْجُمُعَةِ عَنِ الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَالْمَجْنُونِ وَالْمَسَافِرِ وَالْمَرَأَةِ وَالْمَرِيضِ وَالْأَعْمَى وَمَنْ بَعْدَ عَنْ مَحَلِّ الْإِقَامَةِ  
فرسخین (الفقه المأثور، ج ۱، ص ۱۲۷)

و تجب رکعتان عوض الظهر بظهور الامام، کصحتها فی غیبتها باجتماع خمسة بالتکلیف و الحرية و الحضر و الذکورة و البصر، غیر مقعد و لا شیخ عجز عن السعی، أو تجاوز فرسخین، أو اشتغل بجهاز میت أو مریض، أو حبس بباطل، أو حق عجز عنه، أو خاف على نفسه أو ماله أو بعض إخوانه، أو حضر ظالماً أو لصاً أو مطراً أو وحلاً شديداً. (الرسائل العشر، ص ۸۷)

۱. نقل برخی از ادله از «نماز جمعه در تاریخ فقه اسلام» صص ۸۷-۹۱

۲. جواهر الکلام، ج ۴، صص ۳۱۴-۳۱۵

بر عدم وجوب را مطرح کرده بودند، گفتیم که این ادعا نه تنها ثابت نشده که خلاف آن یعنی عدم اجماع ثابت می‌شود.

جالبتر آنکه متون فقهی رسیده از برخی از فقها مثل ابن ادریس حلی دقیقاً نشان دهنده وجوب تعیینی نماز جمعه است در حالی که یکی از نسبت داده شدگان به قول اجماع نفی وجوب همین شخص مرحوم ابن ادریس حلی است.

**ثالثاً:** ادعای اجماع در طرف مقابل هم وجود دارد. یعنی در برخی از کلمات بزرگان طرفدار وجوب تعیینی نیز ادعای اجماع در آن جهت کرده اند ولی حقیقت آن است که در هیچ طرف اجماعی وجود ندارد. و این اجماع بر فرض وجود نمی‌توانست در مقابل روایات حرف تازه ای (موافق یا مخالف) بزند موافق آن می‌شد اجماع مدرکی و مخالف آن می‌شد اجتهاد در مقابل نص و هر دو بی اعتبار بود.

### ۳-۲- واجب نبودن تعلم خطبه بر مردم

اگر نماز جمعه در زمان غیبت واجب عینی تعیینی بود. فراگرفتن واجبات خطبه آن بر جمع مردم واجب می‌شد در حالی که چنین نیست. در صحیح محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق علیه السلام از مردم قریه سؤال می‌شود که آیا نماز جمعه را برگزار کنند؟ امام می‌فرماید آری، چهار رکعت برگزار کنند زمانی که کسی نباشد تا خطبه جمعه بخواند. (ما این حدیث را در بخش نقل احادیث آوردیم).

#### جواب:

**اولاً:** روایت نقل شده و روایات مشابه آن همگی از یکی از شروط اقامه نماز جمعه یعنی داشتن امام جماعتی که بتواند خطبه بخواند سخن می‌گوید و وقتی در خود روایت آمده زمانی که کسی نباشد تا خطبه بخواند دلالت بر آن دارد که غیر امام معصوم نیز قابلیت خواندن نماز را دارد.

منتها باید کسی باشد که توانایی خطبه خواندن را هم داشته باشد و الا شکی نیست که امام معصوم<sup>علیه السلام</sup> توانایی خطبه خواندن را دارد.)

**ثانیا:** یکی دیگر از شرطهای اقامه جمعه رعایت فاصله یک فرسخ تا نماز جمعه دیگر است این شرط باعث می شود در بسیاری از روستاها و شهرها تنها یک نماز جمعه تشکیل شود آن گاه یک فرد از هر شهر یا روستا برای این کار کفایت می کند و غالبا براساس دستور آیه شریفه نفر<sup>۱</sup> همیشه در هر شهر و روستایی افرادی هستند که عدالت لازم برای برگزاری نماز جمعه و جماعت را داشته باشند و نیز از دانش دینی لازم برای خطبه خواندن برخوردار باشند. با این توضیح دیگر چه مفهومی برای این اشکال وجود دارد که تعلم خطبه در صورت تعیینی بودن وجوب نماز جمعه بر همه واجب بود؟!

**ثالثا:** قائلان به وجوب بنا به تصریح روایات، زمانی شرکت در نماز جمعه را واجب عینی تعیینی می دانند که نماز جمعه ای با شرایط لازم تشکیل شده باشد و در صورت عدم تشکیل فرض ظهر را واجب می دانند. آنگاه آیا بر کسانی که امکان برگزاری نماز جمعه به عنوان امام را دارند واجب است به این کار اقدام نمایند تا دیگران به فیض نماز جمعه برسند ظاهرا جواب مثبت است. زیرا امر به شیء مستلزم امر به مقدمه آن نیز می باشد امام شدن برای نماز جمعه واجب کفایی است و شرکت در نماز جمعه واجب عینی تعیینی. شاید روایاتی که می گوید: خداوند متعال قبل از آنکه از جاهلان برای یادگیری تعهد بگیرد از دانشمندان برای ارائه دانش خود تعهد گرفته است بتواند این مطلب را مؤید باشد.

---

۱. وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (التوبة/۱۲۲)

مؤمنین نباید همگی بیرون رفته و رسول خدا را تنها بگذارند و باید از هر قبیله و طائفه ای جمعی برای جنگ و جهاد و گروهی هم برای آموختن علم و تحکیم مبانی دین نزد رسول مهیا باشند و پس از بازگشت دانشی را که فرا گرفته اند بقوم خود بیاموزند تا شاید آنها نیز خدا شناس و پرهیزکار شده و از نافرمانی حذر کنند.

### ۳-۳-۳- سقوط نماز جمعه بر کسی که به مقدار دو فرسخ از آن فاصله بگیرد

گفته اند: احادیث مستفیض که دلالت بر سقوط نماز جمعه بر کسی که به مقدار دو فرسخ از نماز جمعه اقامه شده فاصله دارد، وجوب عینی (تعینی) نماز جمعه را نفی می کنند زیرا این احادیث ظهور دارند در این که برای اقامه نماز جمعه محل خاصی است که سعی بدان محل بر کسی که کمتر از دو فرسخ فاصله دارد. واجب و از دیگران ساقط می شود چه قادر بر اقامه نماز جمعه باشند یا نباشند. بنابر اطلاق سقوط مذکور، قطعاً با وجوب عینی نماز جمعه در غیبت منافات دارد و اصولاً بنا بر وجوب عینی (تعینی) جمعه دیگر این تکلیف پرمشقت - تا پیمودن دو فرسخ مسافت - بر مردم سزاوار و ضروری نیست زیرا امکان اقامه جمعه نزد خودشان وجود دارد و در این صورت مراعات فاصله از نماز جمعه ی دیگر به مقدار یک فرسخ سزاوار است. زیرا دو نماز جمعه در کمتر از این فاصله برگزار نمی گردد.<sup>۱</sup>

#### جواب:

اولاً: سقوط وجوب نماز جمعه از کسی که دو فرسخ و بیشتر با محل اقامه نماز جمعه فاصله دارد نوعی تسهیل و تیسیر است که از ویژگی های دین اسلام می باشد.

يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ

خداوند تکلف را برای شما مردم آسان قرار داده و احکام مشکل و دشوار را از میان شما بر داشته. و این مطلب بر عدم وجوب عینی تعیینی نماز جمعه دلالت ندارد. چه بسیار واجبهای عینی تعیینی مثل روزه که در صورت بروز شرایطی مثل بیماری و سفر وجوب آن از بیماران و مسافران برداشته می شود.

ثانیاً: در فاصله ی میان یک فرسخ و دو فرسخ از اقامه نماز جمعه، افراد می توانند یا اقامه نماز جمعه دیگری کنند و یا در نماز جمعه اقامه شده حضور می یابند. این مطلب نیز منافاتی با عینی

---

۱. جواهر الکلام، ج ۴، ص ۳۱۹

۲. البقرة/ ۱۸۵

تعیینی بودن وجوب نماز جمعه ندارد. و اینکه در متن اشکال گفته شد که تحمل مشقت بر مردم سزاوار نیست، زیرا امکان اقامه جمعه نزد خودشان وجود دارد، میگوییم گاه این امکان به منصفه وجوب و ظهور نمی رسد و نماز جمعه ای در آن فاصله اقامه نمی شود؛ لذا مردم باید در نماز جمعه دورتر شرکت کنند.

### ۳-۳-۴- ترک نماز جمعه توسط راویان و اصحاب ائمه علیهم السلام:

اینکه راویان احادیث شیعه مثل زراره و عبدالملک نماز جمعه را ترک می نمودند. دلیل است بر نفی وجوب عینی (تعیینی) و احتمال ترک آنها به جهت تقیه وجود ندارد. (زیرا شرکت آنها در نماز موافق تقیه بود نه عدم شرکت آنها)

#### جواب:

اولا: دلیل و گزارش تاریخی معتبری نرسیده که همه راویان و اصحاب ائمه علیهم السلام برای همیشه نماز جمعه را ترک می کردند. ترک برخی از آنها برای برخی از اوقات می تواند به دلیل داشتن برخی از عذاری باشد که طبق روایات مجوز عدم شرکت در نماز جمعه است.

ثانیا: عمل راویان و اصحاب نمی تواند حجتی باشد برای ما چراکه آنها معصوم نیستند و احتمال تخلف آنها از دستورات صریح ائمه اطهار علیهم السلام نیز منتفی نیست.

ثالثا: روایاتی که از ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده و تصریح در این امر دارند چگونه با عملکرد برخی از راویان کنار رود؟ مگر روایاتی از قبیل «حث»، «هلاک» گویای نفی عملکرد برخی از راویان توسط ائمه اطهار علیهم السلام نیست؟<sup>۱</sup>

---

۱. یادآوری می شود روایت حث منظور روایتی است که امام علیه السلام از خلال آن زراره را امر به شرکت در نماز جمعه کرده است و روایت هلاک روایتی است که امام علیه السلام می فرماید: ای عبدالملک مثل تو که در نماز جمعه شرکت نمی کند هلاک می شود... این روایت را در بخشی روایات رساله ملاحظه بفرمایید.

رابعا: ما در صفحات پیش گفتیم، که متأسفانه در زمان حکام جور نه تنها آنها از کرسی نماز جمعه به نفع خود و تقویت خود استفاده می کردند بلکه برای تضعیف تشیع و مقابله با اهل بیت علیهم السلام و خط مستقیم امامت و ولایت استفاده می کردند لذا بسیاری از شیعیان رغبت نمی کردند در نمازهای جمعه آنها شرکت کنند و سرّ تشویق و تحریص زیاد ائمه علیهم السلام به اصحابشان بر شرکت در نمازهای جمعه و جماعات همین است چراکه در صورت حضور آنها، مزدوران حکام آنقدر عنان گسیخته به ائمه علیهم السلام و مذهب تشیع حمله نمی کردند و خود را آزاد نمی دیدند ضمن آنکه مراوده و رفت و آمد شیعیان با اهل تسنن فواید فراوان فردی و جمعی دیگری نیز دربرداشت. که شما می توانید سفارشات ائمه اطهار علیهم السلام را مبنی بر حضور شیعیان و اصحاب در نمازها، تشیع جنازه‌ها، و عیادت مریضان اهل تسنن در کتب روایی مثل وسائل الشیعه کتاب العشرة<sup>۱</sup> ملاحظه بفرمایید.

### ۳-۴- بیان برخی دیگر از ادله یا مؤیدات بر وجوب عینی تعیینی نماز جمعه

اگر چه اطلاق و امر آیه قرآن کریم و متن آمرانه و مشوقانه و مخوفانه روایات، احتمالی برای نفی وجوب عینی و تعیینی نماز جمعه باقی نمیگذارد. اما نکاتی دیگر را جهت تقویت و تأکید بر مطلب بیان میکنیم:

### ۳-۴-۱- احکام شرعی اختصاص به زمان خاصی ندارد

احکام شرعی اختصاص به زمان خاصی ندارد بلکه برای همه زمانها و مکانهاست و التزام به آنها واجب است مگر آنکه دلیل قوی و خاصی، زمانی یا مکانی را از دامنه اجرای آن حکم استثنا کند. در مبحث نماز جمعه دلیلی ویژه برای مستثنی نمودن زمان غیبت وجود ندارد لذا تمام احادیثی که امر

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، (انتهای کتاب الحج، کتاب العشرة)

به نماز دارند یا از عقوبت آن سخن می گویند، برای زمان غیبت نیز معنی دارد. حدیث مشهور «حلال محمد حلال إلى يوم القيامة و حرامه حرام إلى يوم القيامة» بر این مطلب گواهی میدهد.

### ۳-۴-۲- کثرت روایات مربوط به نماز جمع و صراحت آنها

روایات مربوط به نماز جمعه هم فراوان است هم دلالتش صریح است و پذیرنده هیچ نوع تخصیصی نیست. به گوشه هایی از عبارات معصومان علیهم السلام که در روایات آمده توجه بفرمایید و آنگاه خود قضاوت کنید:

انما فرض الله على الناس من الجمعة إلى الجمعة

منها صلوٰة واجبة على كل مسلم ان يشهدا

و الجمعة واجبة على كل احد لا يعذر الناس فيها إلا خمسة

كتبت عليكم الجمعة فريضة واجبة إلى يوم القيامة

ذلك سنة إلى يوم القيامة

و این در حالی است که روایات معصومان علیهم السلام «عمدتا امام باقر و امام صادق علیهما السلام»

زمانی صادر شده که خود بسط ید نداشته و نماز جمعه توسط حکام جور اقامه می شده و چه بسا در این نمازها تبلیغ بر ضد خط ولایت و امامت و تشیع نیز وجود داشته است اما امام علیه السلام حکم شرع را بیان می کنند و میزان تضرر مسلمانان را در صورت تعطیلی نماز جمعه از میزان اقامه آن توسط حکام جور کمتر می یابند.

### ۳-۴-۳- تکیه بر اعتبار منصب امامت و ولایت

بر فرض تسلیم قبول شرط اقامه جمعه با حضور امام یا منصوب از طرف ایشان میگوییم این به اعتبار منصب امامت و ولایت است نه به اعتبار شخصی و معصوم بودن آنها و از آنجا که در زمان

غیبت بسیاری از امور مثل قضاء و اجرای حدود و... تعطیل نمی گردد بلکه فقها به عنوان نواب امام عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام وظیفه میکنند نماز جمعه هم با توجه به اهمیت آن از طرف آنها اقامه می شود و نظریه متعالی ولایت مطلقه فقیه که توسط حضرت امام خمینی <sup>رحمة الله علیه</sup> تبیین گردید. (و البته بسیاری از فقهای قدیم و معاصر به آن معتقدند) مطلب را بیش از پیش روشن می سازد و البته بالاتر از آن از روایات فهمیده می شود و آن اقامه جمعه حتی بدون نصب و اذن فقیه است.

یعنی نگارنده اعتقاد دارد اگرچه حق حکومت اسلامی است که بر همه ی نمازهای جمعه حتی روستاها نظارت و حاکمیت داشته باشد و امامان را نصب کند و برای آنها اخبار سیاسی و تحلیلهای اجتماعی و سیاسی بفرستد و... اما برگزاری نماز جمعه مشروط به اذن حاکم نیست لذا اگر کسی در کشوری دیگر و یا حتی در محلی در داخل کشور نماز جمعه را تشکیل داد شرعا مرتکب گناهی نشده بلکه نماز او صحیح و مجزی از نماز ظهر است. (البته این مطلب بحثی مستقل می طلبد).

### ۳-۴-۴- اذن فحوی

اگر ما اذن فحوی را در بسیاری از امور دینی به منزله اذن ظاهر به حساب می آوریم. آنگاه سؤال کنیم آیا اگر جمعی از مؤمنان در ظهر روز جمعه دور هم جمع شوند و در دو خطبه همدیگر را به تقوی سفارش کرده و مشکلات جامعه اسلامی خود را بر شمرده و راه حلهای ممکن را ارائه دهند و همدیگر را از غفلت در مقابل شیطان و دشمنان بر حذر دارند و دشمنان خدا را به مردم معرفی کنند و... و در نهایت دو رکعت نماز را به جماعت بخوانند آیا اذن فحوای امامان <sup>علیهم السلام</sup> در اینجا وجود ندارد؟!

### ۳-۴-۵- اصل عدم شرط زائد

به حکم ضرورت و اجماعی که از ناحیه علمای سنی و شیعه شده نماز جمعه از طرف اصل شرع مشروع و در عصر پیامبر اکرم <sup>صلی الله علیه وآله وسلم</sup> واجب شده (و آیات و روایات و گزارشهای

تاریخی نیز گویای این امر است) اینک ما به خاطر این که احتمال شرط بودن حضور یا اذن امام مفروض الطاعه می دهیم شک در مشروعیت و یا شک در وجوب عینی تعیینی می کنیم و این شک بدوی (ابتدایی) است که با قاعده ی «اصل عدم اشتراط شرط زائد» این شک را دفع می کنیم و گر نه ممکن است ما در همه ضروریات دین به چنین شکی برسیم.<sup>۱</sup>

### ۳-۴-۶- مفاد اصول عملیه

می گوئیم نماز جمعه به اصل شرع در زمان حضور پیامبر و امام واجب بود اکنون که زمان غیبت است در وجوب آن شک می کنیم. استصحاب می کنیم وجوب آن را از عصر حضور به عصر خودمان. حجیت قاعده استصحاب قابل قبول همگان است و با ادله عقلیه و نقلیه اثبات شده است<sup>۲</sup> و از آنجا که احکام الهی برای همه زمانها تا روز قیامت نازل شده است شک ما در وجوب نماز جمعه شک در رافع حکم است نه شک در اقتضای خود حکم. این را گفتیم تا کسی اشکال نکند که در مورد شک در مقتضی استصحاب جاری نمی شود و اینجا را مصداق شک در مقتضی بداند.<sup>۳</sup>

از طریق قاعده ی احتیاط نیز میتوان وجوب نماز جمعه را در زمان غیبت درست کرد به این میان که اشتغال ذمه ما به اصل تکلیف نماز در روز جمعه ثابت است شک در «مکلف به» می کنیم که آیا نماز جمعه واجب است یا نماز ظهر؟ اصل احتیاط اقتضا می کند که جمع کنیم پس نماز جمعه و نماز ظهر<sup>۴</sup> نه نماز ظهر تنها. آنگاه با توجه به کثرت روایات پیرامون وجوب نماز جمعه، دست از این احتیاط برداشته و با عمل به این روایات، یقین به برائت ذمه پیدا می کنیم.

---

۱. یک بررسی تحقیقی پیرامون وجوب نماز جمعه، ص ۳۲

۲. همان، ص ۴۳

۳. همان ص ۴۵

۴. همان طور که فتوای مرحوم میرزای قمی در «جامع الشتات» همین بود و ما در صفحات پیشین نقل کردیم.

و از جانب سوم «اذا دار الأمر بين التعيين و التخيير» اگر امر دائر باشد بین تعیین نماز جمعه و تخيير میان نماز جمعه و نماز ظهر، اصالة التعيين که یک اصل عقلی است تعیین نماز جمعه را اقتضا دارد.<sup>۱</sup>

اینها مطالبی بود که از نظر اصول عملیه بیان شد و اما به خاطر داشتن ادله قاطعه و نصوص متواتر نیازی به اصول عملیه نداریم.

### ۳-۴-۷- اجماع

ما در میان فقهای امامیه افراد بسیاری را می بینم که گفته اند نماز جمعه در زمان غیبت واجب عینی تعیینی است و برخی از آنها رساله ها و کتبی مخصوص در این زمینه تألیف کرده اند که مرحوم شیخ یوسف بحرانی در کتاب ارزشمند خود «الحدائق الناضرة» اسامی جمعی از آن ها را آورده است.<sup>۲</sup> اگرچه با وجود روایات فراوان در مسئله، نیازی به اجماع نداریم و این اجماع به جای کاشف بودن اجماع مدرکی است اما حداقل فایده آن مقابله با اجماعی است که قائلان به حرمت و یا قائلان به وجوب تخیری در این زمینه ادعا کرده اند و وقتی ادعای اجماع از هر دو یا هر سه گروه باشد شکی در کامل نبودن این اجماع و اتفاق ها وجود ندارد.

### ۳-۴-۸- مطالبی پیرامون آیه ۹ سوره جمعه

در مورد آیه نهم سوره جمعه<sup>۳</sup> اگرچه بحث آن را در گذشته داشته ایم اما تذکر چند نکته عاری از فایده نیست.

---

۱. همان، صص ۴۵-۴۶

۲. الحدائق الناضرة، ج ۹، صص ۳۷۵ به بعد و نیز یک بررسی تحقیقی پیرامون نماز جمعه، صص ۴۸-۶۹

۳. مطالب با تلخیص و تنقیح و انشای جدید و اضافات برگرفته از «یک بررسی تحقیقی پیرامون وجوب نماز جمعه» صص ۵۶-۶۰

اول آنکه بنا به اتفاق مفسران مراد از ذکر در آیه شریفه نماز جمعه و یا نماز جمعه و خطبه های آن است چرا که در خطبه ها یاد خدا می شود و مردم به دستورات الهی سفارش و امر می شوند.

دوم آنکه صیغه امر «فاسعوا» حقیقت در وجوب است و این مطلب با ذیل آیه خیر لکم منافاتی ندارد. چنانکه خداوند متعال در جای دیگر در مورد روزه واجب می فرماید: «و ان تصوموا خیر لکم»<sup>۱</sup> (و اگر روزه بگیرید برایتان بهتر است) یا در مورد ترک محرمات می فرماید: «انتهوا خیرا لکم»<sup>۲</sup> (و اگر ترک کنید برای شما بهتر است)

سوم آنکه مورد نزول و شأن نزول آیه حکم را مخصوص آن زمان و آن مورد نمی کند و به اصطلاح مورد مخصص نیست و اصل آن است که خداوند متعال در آیات الهیش در صدد تشریع و قانون گذاری است و یا قانون گذاری قبلی را تأکید و تأیید می کند.

چهارم آن که در آیه فعل «نودی» متعلق به «اذا» که شرطیه زمانی است دلالت بر تحقق وقوع دارد به خلاف این مطلب که اگر گفته شده بود «ان نودی» که دلالت بر تحقق قطعی نداشت و فعل «نودی» مجهول است و باز دلالت بر تحقق قطعی دارد نگفته «إذا ینادی» یا «إن یناد» و در مجموع «إذا نودی» یعنی اذان ظهر جمعه که حتما در جامعه اسلامی حاصل می شود و البته مسلمانان چون می دانند هر جمعه ای ظهر دارد و اذان دارد قبل از آن از باب مقدمه واجب برای مقدمات این نماز آماده می شوند.

پنجم آنکه اگر آیه مورد بحث را با آیه شریفه «و أقم الصلوة ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر و لذكر الله اکبر»<sup>۳</sup> بیا دارید. نماز را به درستی که نماز انسان را از زشتی ها و بدی ها دور می کند. هر آینه ذکر خدا بزرگتر است؛ مقایسه کنیم نتیجه می گیریم که نماز جمعه از همه نمازهای یومیه بزرگتر و باارزش تر است و امر «أقم» در این آیه امر به آن نیز می باشد شاید وجه ارزشمندتر

---

۱. بقره/۱۸۴

۲. النساء/ ۱۷۱

۳. العنکبوت/ ۴۵

بودن این نماز لزوم اجتماع مسلمانان و در بردارنده بودنش نسبت به حمد و ثنای خدا و مواعظ و بیدارسازی امت اسلام باشد.

ششم آن که اگر در این سوره از برخی یهودیان مذمت می کند و آنان را مانند الاغهایی معرفی می کند که بر پشت خود تورات حمل می کنند اما در عمل و عقیده با آن مخالفند. این مطلب اشعار به مذمت کسانی است که سوره جمعه را می خوانند و آیات روشن آن را تأویل می کنند و در عقیده و عمل با آن مخالفت می ورزند.

هفتمین و آخرین نکته اینکه امر به سعی (اسعوا) اطلاق دارد و شامل امام و مأموم می گردد یعنی هم وجوب اقامه را هم وجوب حضور را و از طرف دیگر «إذا نودی» اطلاق دارد هم به اذن سلطان معصوم هم سلطان عادل هم به غیر اذن این دو را در بر می گیرد.

### ۳-۴-۹- آیات دیگر قابل استناد

گویاترین آیه در بحث نماز جمعه آیه نهم سوره جمعه بود که گذشت. اما آیات دیگری نیز بر این مسئله اشعار دارد از جمله آیه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ<sup>۱</sup>

ای اهل ایمان مبدا مشغول سازد شما را مال و فرزندانان از یاد خدا کسانی که مال و فرزندانان آنان را از یاد خدا باز دارند زیان کارانند.

استدلال به آیه به این است که در آیه قبل گفتیم منظور از ذکر الله نماز جمعه است (حال یا بطور عموم یا خصوص). و از طرف دیگر در نماز جمعه مستحب است که سوره منافقون خوانده شود زیرا در این سوره اشاره و دلالتی بر وجوب نماز جمعه است.)

آیه دیگر:

اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ<sup>۱</sup>

ای پیغمبر آنچه از قرآن بتو وحی میشود برای مردم بخوان و نماز را بپا دار که اقامه نماز از فحشا و فساد جلوگیری مینماید همانا یادآوری خدا بزرگتر است و بآنچه مردم میکنند خداوند دانا و آگاه میباشد.

استدلال به آیه ضمن استفاده از نکته قبلی آن است که اگر خداوند متعال امر به نماز عادی می کند این امر به طریق اولی امر به آنچه را که برتر و بالاتر است نیز شامل می شود.

آیه دیگر:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى<sup>۲</sup>

و هر کس از هدایت من [که سبب یاد نمودن از من در همه امور است] روی بگرداند، برای او زندگی تنگ [و سختی] خواهد بود، و روز قیامت او را نابینا محسور می کنیم.

استدلال به این صورت است که نماز جمعه اگر مصداق خاص ذکر نباشد مصداق عام آن هست و وعده عذاب، دلالت بر لزوم ذکر الهی دارد.

آیه دیگر:

و اقيموا الصلوة و آتوا الزكاة و ارکعوا مع الراکعين<sup>۳</sup>

و نماز به پا دارید و زکات بدهید و با رکوع کنندگان رکوع کنید.

---

۱. العنکبوت/۴۵

۲. طه/۱۲۴

۳. البقره/۴۳

از آنجا که امر به نماز امر به اجزای آن را نیز دارد. لذا امر به «ارکعوا مع الراكعين» مطلب جدید دیگری است که همانا برگزاری نماز جماعت و جمعه است. نماز جماعت به اتفاق نظر فقها و مفسران مستحب است اما برگزاری نماز جمعه به صورت جماعت واجب می باشد.

### آیه دیگر:

حافظوا على الصلوات و الصلاة الوسطی و قوموا لله قانتین<sup>۱</sup>

بر نمازها بویژه نماز میانه، پایبند باشید و مطیعانه برای خدا به پا خیزید.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند منظور از نماز وسط در این آیه «هی الجمعة و الظهر فی سائر الايام و هی اول صلوٰة صلیها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و هی وسط الصلاتین بالنهار صلوٰة الغداة و صلوٰة العصر».

یعنی نماز وسط نماز جمعه است و نماز ظهر دیگر روزها. و این نخستین نمازی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را در وسط دو نماز روز (نماز صبح و نماز عصر) خواند.<sup>۲</sup>

### ۳-۴-۱۰- نکته ای دیگر

صفوان از عبدالله بن بکیر از امام صادق علیه السلام می پرسد: قال: سألت ابا عبدالله علیه السلام عن قوم فی قرية لیس لهم من یجمع بهم یصلون الظهر یوم الجمعة؟ قال: نعم اذا لم یخافوا.<sup>۳</sup>

در این روایات منظور از نماز ظهر به قرینه نترسیدن از دشمن نماز جمعه است. زیرا خوف فقط در اقامه نماز جمعه بوده که خلفا و زمامداران ظالم آن را به خود اختصاص می دادند. تصور می شود این سؤال کننده گفت اهل قریه کسی ندارند تا برای آنان اقامه نماز جمعه کند یعنی کسی که از جانب خلیفه برای اقامه نماز جمعه نصب شده باشد ندارند. این مطلب صراحت بر این دارد که

۱. البقره/۲۳۸

۲. ن.ک المیزان، ج ۲، ص ۲۷۱

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷

نماز جمعه گرچه امام معصوم یا منصوب از طرف او نبود اقامه می شد و سؤال از قریه به میان آمد چون غالباً مظنه نبودن امام یا نائب او در قریه است.<sup>۱</sup>

از دیگر روایات نیز به خوبی اثبات می شود که نماز جمعه واجبی شرعی است که شرایط لازمه آن در روایات آمده و شرط نصب از طرف سلطان عادل (معصوم یا غیر معصوم) یا جائز جزء شروط آن نیست بلکه حکومت های جائز این کرسی را مال خود می دانستند و اجازه نمی دادند کسی بدون اذن آنها نماز جمعه بخواند و ما نیز می توانیم بگوییم حکومت اسلامی نیز این حق را دارد تا برای اتحاد صفوف مسلمین و رفع تفرقه از باب حکم حکومتی و مصلحت نظام این امر را الزام کند اما آنگونه نیست که اگر کسی بدون این اذن به اقامه جمعه پرداخت مرتکب حرام شرعی اصلی شده و یا نماز او باطل باشد در نهایت در صورت نهی حکومت اسلامی، او به همین حد منهی عنه را انجام داده است.

### ۳-۴-۱۱- مطلبی دیگر (ظهور امر در وجوب)

اگر ظهور امر را در وجوب در نظر بگیریم آیه به فرد اکمل خود انصراف خواهد یافت و امر به برگزاری نماز جمعه را در برخواهد داشت.

مرحوم شیخ صدوق پس از نقل آیه به مضمون روایتی اشاره می کند که می گوید خداوند از جمعه تا جمعه دیگر سی و پنج نماز را واجب کرده که در میان آنها یک نماز را که نماز جمعه است به جماعت واجب نموده است. (روایت را در گذشته آوردیم)<sup>۲</sup>

### ۳-۴-۱۲- جواب اشکال شرطیت حضور معصوم علیه السلام

در این بند به طرح یک اشکال و جواب آن می پردازیم. اگر کسی بگوید سیره مسلمانان بر این دلالت دارد که اقامه نماز جمعه و امامت آن از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا حال از مناصب

۱. وجوب نماز جمعه، ص ۹۲

۲. نقل مطلب از مرحوم صدوق از یک بررسی تحقیقی درباره ی وجوب نماز جمعه، ص ۶۲

سلطان و زمامدار مسلمین است و اگر اذن سلطان عادل شرط نبود آن را مسلمانان اقامه می کردند بدون اذن سلطان...

می‌گوییم:

**اولا:** اثبات شیء نفی ماعدا نمی کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کارهای دیگری نیز مثل حج، نماز استسقا، جهاد و... انجام داده اند. آیا در عصر غیبت این امور مشروط به اذن سلطان عادل است؟

**ثانیا:** بر فرض اینکه اقامه این نماز از مناصب خاص حضرت صلی الله علیه و آله و سلم بوده شاید از مناصب خاص آن حضرت در زمان حیات و حضورشان بوده. نظیر اجازه ولی میت برای نماز و غسل و کفن و دفن میت تا هنگامی که ولی میت حاضر است، یا شاید اذن حضرت از باب احترام به مقام شامخ ایشان باشد نه اذن واقعی و مشروط. شاهد بر این مطلب آنکه نماز استسقا و عید فطر و اضحی و نماز میت در سابق بدون حضور سلطان یا نائب خاص او اقامه نمی شد و تاریخ حاکی است که حضرت سکینه دختر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام وقتی از دنیا رفت جنازه اش به جای ماند منتظر حاکم مدینه (عامل بنی امیه) بودند تا بیاید و بر جنازه ی آن بانوی بزرگ نماز بخواند حاکم در آمدن سهل انگاری می کرد چون قصد اذیت به اهل بیت علیهم السلام را داشت.<sup>۱</sup> حال ما سؤال می کنیم آیا واقعا اذن سلطان در خواندن نماز میت و استسقا و... شرط است؟!

اگرچه بحث فعلی ما نماز عیدین نیست ولی به نظر می رسد حکم نماز عیدین نیز نسبت به اذن سلطان عادل یا معصوم علیه السلام همینگونه باشد.

داستان تاریخی دیگری نیز مؤید ماست. علی علیه السلام هنگامی که عثمان را در خانه اش محبوس کرده بودند نماز جمعه را اقامه کردند. اگر اقامه این نماز از مناصب سلطان بود همین مطلب را بر علی علیه السلام انکار و اشکال می کردند. (زیرا که مسلمانانی بودند که اعتقاد به حقانیت و امامت حضرت علیه السلام نداشتند). اما کسی بر حضرت در این مسئله اشکال و انکاری نکرد.

---

۱. یک بررسی تحقیقی پیرامون وجوب نماز جمعه، ص ۶۴

### ۳-۴-۱۳- حدیث سنت بودن نماز جمعه تا روز قیامت

محمد بن علی بن محبوب عن یعقوب بن یزید عن ابن ابی عمیر عن عمر بن اذنیه عن زراره قال قال: ابوجعفر علیه السلام الجمعة واجبة علی کل من اذا صلی الغداة فی أهله ادرك الجمعة و کان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم انما یصلی العصر فی وقت الظهر فی سائر الأيام کی اذا قضاوا الصلوة مع رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم رجعوا الی رحالهم قبل اللیل و ذلک سنة الی یوم القیامة.<sup>۱</sup>

یعنی: امام باقر علیه السلام فرمودند: نماز جمعه واجب است بر کسی که در میان اهل خود نماز صبح بخواند و بتواند نماز جمعه را درک کند. (شاید مقصود آن است که انسان حاضر در وطن قبل از نماز جمعه به سفر مبادرت نرزد تا این ثواب بزرگ الهی را از دست ندهد) و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم همیشه نماز عصر جمعه را در وقت نماز ظهر دیگر روزها می خواندند (یعنی نماز عصر را بلافاصله پس از نماز جمعه اقامه می کردند) تا مردم بتوانند قبل از شب به خانه های خود برگردند و این سنت است تا روز قیامت.

در شرح و توضیح حدیث چند نکته قابل بیان است:

**نکته اول:** سنت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در ارتباط با نمازهای ظهر و عصر تفکیک آنهاست و وقت فضیلت هر کدام در کتب فقهی آمده و مطلب روشن است. اما در روز جمعه حضرت آن سنت را به سنت دیگری مبدل فرمودند که نماز عصر را به نماز جمعه ملحق کنند تا مردم زودتر به کارهایشان برسند و حضرت می فرمایند این سنت تا روز قیامت پابرجاست. پابرجا بودن این سنت تا روز قیامت یعنی پابرجا بودن نماز جمعه تا روز قیامت و الا وجهی ندارد که نماز ظهر و عصر را کسی به هم بچسباند.

---

۱. الاستبصار، ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۱۶۲۱

**نکته دوم:** اگر کسی بپرسد مگر مراجعه نمازگزاران به منازل خود چقدر طول می کشد که حضرت فرموده اند که رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نماز عصر را زود می خواندند تا مردم بتوانند قبل از شب به خانه هایشان برسند؟

در جواب می گوییم: حضرت رعایت حال اضعف مأمومین را می کردند و اطول فاصله ها را و چه بسا بسیاری از مردم از فاصله بیش از دو فرسخ می آمدند (تا فاصله دو فرسخ حضور در نماز جمعه واجب است و بیش از آن مستحب) بعلاوه اینکه وضعیت راه ها و وسائل نقلیه آن زمان را هم اگر لحاظ کنیم این سوال پاسخ داده می شود. به قسمتی از این سوال مرحوم شیخ طوسی پاسخ داده که فرموده: فالوجه فی هذا الخبر ان نحمله علی ضرب من الاستحباب دون الفرض و الايجاب لأن الفرض متعلق بمن كان علی رأس فرسخین.<sup>۱</sup>

**نکته سوم:** جمله آغاز حدیث است که به صراحت دلالت بر وجوب نماز جمعه دارد و می فرماید نماز جمعه واجب است بر کسی که میان اهل خود نماز صبح بخواند بتواند نماز جمعه را درک کند یعنی اگر روز قبلش به مسافرت رفته اشکالی نیست اما اگر تا صبح جمعه مانده بماند تا جمعه را درک کند. اگر چه در باره این قسمت روایت، فقهای عظام فتوای دیگری دارند. آنها می گویند به هنگام ظهر (یا کمی قبل از آن) به سفر رفتن حرام است اما وجه جمع روایت و فتوای آن است که در زمان های گذشته طی کردن دو فرسخ راه، وقت زیادی میطلبد و اگر کسی ساعت ۸ صبح شروع به مسافرت می کرد پیمودن دو فرسخ (یعنی یازده کیلومتر) با پای پیاده یا سوار بر چارپایان حداقل دو ساعت طول می کشید و تا قبل از خروج از دو فرسخ نماز بر اهالی آن منطقه واجب بود. حال چگونه این مسافر با انتخاب این زمان برای سفر، خود را از نماز جمعه محروم کند؟!

---

۱. الاستبصار، ج ۱، ص ۴۲۱

### ۳-۴-۱۴- حدیث منافق بودن تارک

روایت مرحوم صدوق در کتاب مجالس از زراره از امام باقر علیه السلام نقل می کند (و ما در بخشهای قبل آوردیم): می فرماید: *صلوة الجمعة فريضة و الاجتماع اليها فريضة مع الامام فان ترك رجل من غير علة ثلاث جمع فقد ترك ثلاث فرائض و لا يدع ثلاث فرائض من غير علة الا منافق....* . این روایت هم به وجوب برگزاری نماز جمعه و اقامه آن اشاره دارد؛ زیرا جمله اول می فرماید نماز جمعه واجب است و در جمله دوم به وجوب شرکت مردم در نماز جمعه صراحت دارد و جمله سوم نیز که می فرماید اگر مردی بدون عذر سه جمعه را ترک کند... این جمله نیز اطلاق دارد و هم امام و چهار نفر اول را شامل می شود و هم بقیه مردم را. یعنی هم به لزوم اقامه نماز جمعه اشاره دارد هم شرکت دیگر مردم پس از اقامه.

**اگر اشکال شود:** این که امام علیه السلام در این روایت نفاق را نتیجه ترک سه نماز جمعه کرد نه یک نماز جمعه می رساند که دلالت این روایت بر وجوب متزلزل است.

**پاسخ می دهیم:** وجوب از مفاهیم مشکک است. بعضی از واجبات طوری هستند که ترکشان موجب نفاق نیست، بلکه موجب معصیت است. بعضی از واجبات اگر دوبار یا سه بار ترک شوند موجب نفاق هستند، اگر ترک یک نماز موجب نفاق نیست منافات ندارد که یک بار ترک آن موجب معصیت باشد. نفاق امری زائد بر معصیت و استحقاق عقوبت است.<sup>۱</sup>

### ۳-۴-۱۵- حدیث اهمیت نماز جمعه نسبت به عیدین

در روایتی که از حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده آمده است:

---

۱. یک بررسی تحقیقی پیرامون وجوب نماز جمعه، ص ۸۶

لان ادع شهود حضور الأضحى عشر مرات احب الى من ان ادع شهود حضور الجمعة مرة واحدة من غير علة. یعنی هرگاه از شرکت و حضور در نماز عید قربان ده بار محروم شوم برای من بهتر است از این که از نماز جمعه بدون عذر یک بار محروم گردم.<sup>۱</sup>

متن روایت آنقدر روشن است و اهمیت نماز جمعه نسبت به نمازهای عید قربان و فطر را می‌رساند که نیازی به توضیح اضافی نیست.

### ۳-۴-۱۶- عدم شرطیت اذن معصوم یا نایب او برای شرعیت نماز جمعه

از روایات فراوانی که در مورد نماز جمعه وجود دارد و ما تنها بخشی از آنها را تاکنون آوردیم می‌توان فهمید که اقامه نماز جمعه نیازی به اذن امام معصوم علیه‌السلام یا نایب او (نایب خاص یا عام) و یا سلطان و خلیفه‌ی عادل یا جائر ندارد. اما از آنجا که معمولاً سلاطین این کرسی را از آن خود می‌دانسته‌اند و برای تقویت پایه‌های حکومت خود استفاده می‌کردند، به دیگران اجازه‌ی این کار را نمی‌دادند و اگر کسی بدون اجازه‌ی آن‌ها به این کار اقدام می‌کرد او را مؤاخذه می‌کردند. به روایات زیر توجه بفرمایید و صحت یا سقم آنچه را در این بند آوردیم محک بزنید.

قال الامام الصادق علیه‌السلام اذا كان قوم في قرية صلوا الجمعة اربع ركعات فان كان فيهم من يخطب لهم جمعوا اذا كانوا خمسة نفر و انما جعلت ركعتين لماكن الخطبتين. یعنی هرگاه گروهی در قریه‌ای سکونت داشته نماز روز جمعه را چهار رکعت بخوانند. (یعنی نماز ظهر بخوانند) و اگر در میان قریه کسی بود که قادر بر ادای خطبه باشد نماز جمعه را با خطبه می‌خوانند در صورتی که عدد آنها به پنج برسد و دو رکعت نماز به جای دو خطبه‌اند و در صورت نبودن خطبه خوان، نماز ظهر خوانده می‌شود.

ملاحظه می‌شود که در این خبر سخن از روستایی است و کسی که خطبه بخواند و امامت کند و دلالتی بر لزوم نصب این منصب از طرف شخصیتی الهی یا بشری ندارد. (این مبحث اصالتاً موضوع این رساله نیست و نیازمند تحقیق مستقل است.)

### ۳-۴-۱۷- آیا احادیث باب از نظر سند ضعیف نیستند؟

قسمتی از روایاتی که برای استدلال به وجوب عینی و تعیینی نماز جمعه آورده شده مرسله بودند یعنی سند این روایات تا به امام <sup>علیه‌السلام</sup> محفوظ نبود بلکه روایانی در این میان حذف شده بودند حال اگر کسی اشکال کند چگونه به روایات غیر مسند استدلال می‌کنید؟ و اساساً آیا همه روایات نقل شده از نظر سندی قوی بودند؟

می‌گوییم:

**اولاً:** با توجه به نقل روایات از شخصیت‌های بزرگی مثل زراره، مسلم، صفوان و... مراسیلی که از این شخصیتها نقل می‌شود حکم مسانید را دارد. چراکه آنها هرگز حدیث غیر موثق را نقل نمی‌کنند.

**ثانیاً:** این روایات از کتب معتبری مثل کتب اربعه نقل شده که حضرات محمدون ثلاثه <sup>اول</sup> شیخ صدوق، شیخ کلینی و شیخ طوسی (و نیز محمدون ثلاثه <sup>آخر</sup>) با نقل این احادیث و قبول آنها و عدم ابراز طعنه ای بر آنها، اعتبار احادیث را تأیید کرده اند.

**ثالثاً:** کثرت روایات و هم مضمون بودن آنها (شهرت روایی) و موافق بودن مضمون آنها با آیات قرآن کریم (عرضه بر قرآن و موافقت با قرآن) و موافق بودن با فتاوی اکثر فقها از صدر اسلام تا کنون (تقویت بوسیله ی شهرت عملی و فتوایی) راهی برای ضعف این احادیث باقی نمی گذارد. و می توان اظهار داشت که اگر احادیث متواتر لفظی کامل نیستند، حداقل تواتر معنوی و یا اجمالی را دارا میباشند.

از خداوند متعال توفیق فهم صحیح معارف الهی و عمل به آنها را «مخلصین لوجهه الکریم»  
مسألت داریم.

### ۳-۵- خلاصه و نتیجه‌ی کل تحقیق

در فصل اول (کلیات) به بیان ضرورت این تحقیق و طرح سؤال‌های اصلی و فرعی پرداختیم. سؤال اصلی پیدا کردن حکم تکلیفی اقامه نماز جمعه در عصر غیبت در فقه امامیه بود و سؤال فرعی همین مسأله در فقه اهل تسنن. سپس فرضیه تحقیق را که جواب به سؤال اصلی تحقیق است بیان کردیم. این فرضیه مطابق فتوای مشور فقهای معاصر، قول به وجوب تخییری نماز جمعه بود اما در خلال تحقیق به نظر دیگری دست یافتیم و آن قول به عینی و تعیینی بودن وجوب نماز جمعه بود و به این ترتیب فرضیه (جواب حدسی پیش از تحقیق به سؤال اصلی) رد و جواب دیگری همراه با اسناد و مدارک به سؤال اصلی داده شد. و در مبحث پیشینه‌ی تحقیق مجموعه‌ای از کتب و مقالات نگارش شده در زمینه نماز جمعه معرفی گردید. آنگاه برخی از واژه‌های مرتبط با بحث تبیین گردید. در فصل دوم اهمیت نماز جمعه را از طریق شرح آیه نهم سوره جمعه و روایات مشوق به این فرضیه الهی و روایات موعّد و تهدید کننده به تارکان این واجب ربانی بیان کردیم و در گفتار بعدی این فصل در آغاز گذری بر سیره‌ی امامان معصوم علیهم السلام نسبت به نماز جمعه داشتیم و در خلال آن گفتیم امام معصوم علیهم السلام علی رغم آنکه در روزگاران خفقان و ستم حکام اموی و عباسی می زیستند و کرسی‌های این نماز عبادی- سیاسی و اجتماعی توسط حاکمان وقت اشغال شده بود، در عین حال نه تنها خو در این نمازها شرکت می کردند بلکه اصحاب خود را نیز بر این امر تشویق و توصیه و امر نموده و نسبت به عدم شرکت هشدار می دادند.

سپس در ادامه گفتار به سیره دانشمندان فقه شیعه پرداختیم و با نقل برخی از سخنان آنان مواجهه این بزرگان را نسبت به نماز جمعه بدست آوردیم و در خلال این گفتار بیان داشتیم که اجماع‌های ادعا شده نسبت به شرط حضور امام معصوم<sup>علیه السلام</sup> نسبت به اقامه نماز جمعه ادعایی

اثبات نشده است و به این سخن برخی از معاصرین که نوشته اند «اشتباهات کوچک بزرگان بزرگ است» عملاً پی بردیم.

همچنین پدیده دیگری را مشاهده نمودیم که چگونه برخی از بزرگان به خاطر اعتمادی که نسبت به دانشمندان قبل از خود داشته سخن آنها را بدون تحقیق و بررسی پذیرفته و خود نیز پیرو آن شده اند. اما کمبود امکاناتی از قبیل کتاب و دیگر وسایل ارتباط جمعی در دوران گذشته عامل مهمی در بروز این پدیده به شمار می رود و ارزش تلاشها و کوششهای بزرگان فقه و فقاہت را در جای خود محفوظ می دارد. و البته دانشمندان بزرگ همانند شیخ یوسف بحرایی و علامه مجلسی و فیض کاشانی و... در این قضیه به نظر حق رسید و استدلالات ارزشمند خود را بیان داشته اند. آنها قائل به وجوب عینی تعیینی نماز جمعه بوده و بر این نظر براهین قاطعه ارائه کرده اند.

در سیری که بر انظار فقهای اهل تسنن داشتیم و روایاتی که از کتب روایی اهل سنت نقل کردیم قول به وجوب عینی تعیینی را عیناً مشاهده کردیم و گفتیم که اهل تسنن در عمل به این قول پایبند هستند و دو قول دیگر در میان آنها وجود ندارد البته انحراف خط خلافت و امامت پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و سوء استفاده حاکمان اموی و عباسی از کرسی نماز جمعه را باعث دور شدن شیعیان از این واجب الهی و عدم دور شدن اهل تسنن از آن دانستیم، اما در حال حاضر که بار دیگر حکومت حقه شیعه در قالب جمهوری اسلامی ایران به دست فقهای شیعه پایه گذاری شد، و استمرار می یابد و موج بیداری اسلامی را در جهان سلطه بوجود آورده، دیگر جای کوتاهی ها و کج فهمی ها و بهانه ها و عذرتراشی ها نسبت به عدم شرکت در نماز جمعه به پایان رسیده است و لازم است ظاهر فتوایی که می تواند بهانه ای برای این سستی ها به شمار آید اصلاح گردد.

در این گفتار اشاره ای به این مطلب داشتیم که بعدی نیست شرط حضور سلطان توسط اهل تسنن (حکم رانان غیرشیعه) بوجود آمده باشد و فقهای شیعه و حتی راویان شیعه به خاطر مطلبی که به آن اشاره شد و یا به دلیل تقیه این شرط را گردن نهاده باشند و یا در صورت وجود آن در روایات

ائمه اطهار علیهم السلام معنای خاصی از آن فهمیده که نتیجه آن تعطیلی و کم رنگ شدن نماز جمعه در نزد شیعیان بوده است.

فصل سوم این رساله بررسی ادله نظرات مختلف فقهای شیعه در مورد حکم تکلیفی نماز جمعه بود.

در آغاز نظریه حرمت و عدم مشروعیت نماز جمعه در عصر غیبت را بررسی کردیم. این نظریه بر ادله زیر متکی بود.

**الف-** ادعای اجماع بر این امر. و ما با نقل کلمات و نوشته های بزرگان فقه این ادعا را رد کردیم.

**ب-** سیره پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و امیرمؤمنان علیه السلام به هیچ وجه انحصار برگزاری نماز جمعه را در زمان حضور نمی رساند چراکه بسیاری از امور دیگر مثل نمازهای یومیه و روزه و زکات و خمس و جهاد و اجرای حدود و... نیز سیره آنها بوده در حالی که کسی به عدم انجام و اجرای آنها در زمان غیبت رأی نداده و نمی تواند رأی بدهد. اما سیره خلفای جور قبل از آنکه اشکال بالا را پیرامون آن مطرح کنیم برای ما حجتی ندارد تا بخواهیم پیرامون ایجاد انحصار یا عدم انحصارش صحبت کنیم. قائلان این قول به زعم خود ادله ی دیگری نیز مطرح کرده و یا شبهاتی نسبت به دو قول دیگر ابراز داشته که همه آنها را در خلال تحقیق مطرح کردیم و پاسخ دادیم و در این مسئله از مرحوم شیخ محمد حسن نجفی صاحب کتاب شریف و ارزشمند جواهر الکلام تعجب کردیم که چگونه سخنان و به اصطلاح ادله این گروه را نقل می کند و بدانها پاسخ نمی دهد و اجماع و اتفاقی را مطرح می کند که در واقع نمی توان آنها را اثبات کرد.

**ج-** قائلان به قول حرمت اقامه نماز جمعه در عصر غیبت گاه به روایاتی استناد می کنند که در آنها آمده است نماز جمعه با امام دو رکعت است و الا چهار رکعت و آنها لفظ امام را به معنی امام معصوم علیه السلام دانسته اند این در حالی است که نه در کتب لغت و نه کتب واژه شناسی قرآن و روایات این معنی نیامده و عجیب است که در این روایات مورد استناد قرائن قوی بر نفی این

برداشت وجود دارد. مثلاً در همین روایت آمده: «اما مع الامام فرکعتان و اما من یصلی وحده فهی اربع رکعات» که به خوبی می توان فهمید که منظور از امام در روایت امام جمعه است نه امام معصوم علیه السلام زیرا در مقابل حکم کسی که نماز فرادی می خواند بیان می کند.

همچنین در این بخش پاره ای از روایات را که برخی برای نظریه حرمت مطرح کرده اند مطرح کردیم و پاسخ دادیم.

در گفتار دوم این فصل نظریه وجوب نماز جمعه در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام را مطرح کردیم. در آغاز اقسام واجب و معنای هر قسم را با مثالهای مربوط بیان کردیم و سپس نصوص شرعی پیرامون حکم تکلیفی نماز جمعه یعنی آیات و روایات را آوردیم و ضمن شرح معنای هر یک قضاوت در مورد مفاد آنها را به خواننده سپردیم. البته نظر خود را نیز بیان کردیم. در قسمتی از این بخش معذورین شرکت در نماز جمعه را از روایات استخراج کردیم و این مطلب را دلیلی دیگر بر وجوب عینی تعیینی این فریضه دانستیم.

در گفتار بعدی این فصل، عبارات فقهی فقیهان شیعه را از مرحوم شیخ مفید (م ۴۰۶ ق) تا فقیهان معاصر نقل کردیم و به خوبی نتیجه گرفتیم که اغلب فقها با صراحت و یا بدون صراحت قائل به وجوب عینی تعیینی بودن نماز جمعه بوده اند و برخی نیز قول به وجوب تخییری را برگزیده اند اما انصاف آن است که آنها دلیل روشنی بر قول خود نیاورده اند جز ادعای اجماع نفی وجوب عینی تعیینی. اما توریق نظرات فقها، این اجماع را ثابت نمی کند بلکه در مقابل نیز کسانی ادعای اجماع بر وجوب عینی تعیینی کرده اند و مفاد روایات نیز قول به وجوب عینی و تعیینی را اثبات می کنند.

در گفتاری دیگر ادله نفی وجوب عینی تعیینی نماز جمعه در عصر غیبت را بررسی کردیم. این ادله عبارت بودند از اجماع، واجب نبودن تعلم خطبه بر مردم، سقوط نماز جمعه بر کسی که به مقدار دو فرسخ یا بیشتر از آن فاصله بگیرد و ترک نماز جمعه توسط برخی از راویان و اصحاب ائمه علیهم السلام. با جواب دادن به این ادله رد قول مستدلین به این مطالب را ثابت کردیم. در گفتار بعدی برخی دیگر از ادله یا مؤیدات بر وجوب عینی تعیینی نماز جمعه را آوردیم. اینها مواردی بودند که در

صفحات قبلی نیامده و یا بر آنها تأکید نشده بود و یا در اثبات رأی منتخب در مسأله می توانست

نقش مثبتی داشته باشد. این موارد عبارتند از:

الف- احکام شرعی اختصاص به زمان خاصی ندارد؛

ب- بیان مواضع شاهد برخی از روایات؛

ج- تکیه بر اعتبار منصب امامت و ولایت به جای تکیه بر شخص معصوم علیه السلام و توجه

دادن به ولایت عامه فقهای جامع الشرایط در زمان غیبت؛

د- اذن فحوای معصومان علیهم السلام و یا فقهای جامع الشرایط؛

ه- اثبات وجوب از راه اصل عدم شرط زائد؛

و- اثبات وجوب نماز جمعه از نظر اصول عملیه؛

ز- اثبات وجوب تعیینی از راه اجماع؛

ح- بیان نکاتی پیرامون آیه نهم سوره جمعه؛

ط- آیات دیگری از قرآن کریم مبنی بر امر صریح خداوند متعال به ذکرالله و اینکه نماز جمعه

مصدق خاص یا عام ذکرالله است؛

ی- نکته ای دیگر از روایتی دیگر و بیان روایاتی دیگر پیرامون نماز جمعه و برداشتهای

متفاوت و بیان نظر مختار.

در پایان به این اشکال جواب دادیم که اگر کسی ضعف سندی برخی از روایات مورد استناد را

مطرح کند می گوئیم نقل روایات توسط افراد موثق و در کتب مورد اعتبار و تقویت مضمون روایات

توسط موافقت با کتاب و دیگر روایات و شهرت فتوایی و حصول نوعی تواتر معنوی یا اجمالی

جبران کننده ضعف سندی برخی از روایات می تواند باشد.

### نتیجه نهایی

بدون شک و تردید می توان ادعا کرد آنچه مفاد آیات و روایات و سخنان بسیاری از بزرگان

صحنه فقه و فقاہت است حکم به وجوب عینی و تعیینی نماز جمعه است. قائلان به حرمت ادله

سستی برای نظر خود آورده اند و قائلان به تخییر نیز ادله محکمی ارائه نداده اند. اگر نظر قائلان وجوب تخییری، وجوب ترتیبی است، آنگاه با نظر مستخرج از این نوشته، همراهی و هماهنگی خواهد داشت و با نظر قائلان به وجوب عینی تعیینی منطبق خواهد بود.

از خداوند متعال حُسن عاقبت را در همه امور خواستاریم و پذیرنده نظرات اصلاحی و ارشادات صاحب نظران هستیم.

## منابع و مآخذ

## کتاب‌ها

- ۱- قرآن کریم
- ۲- صحیفه سجادیه منسوب به امام سجاد علیه السلام
- ۳- ابن ادریس، ابی منصور (م. ۵۹۸ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۴، تهران، الدارالاسلامیه، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم.
- ۴- ابن ادریس، حلی (م. ۵۹۸ق). کتاب الموسوعة، ج ۵، قم، الروضة الإسلامیه، ۱۴۲۹ ق/ چاپ اول
- ۵- ابن ادریس، حلی (م. ۵۹۸ق). کتاب السرائر، ج ۱، قم، النشر الإسلامی، -/ چاپ دوم
- ۶- ابن ادریس، حلی (م. ۵۹۸ق). کتاب مستطرفات السرائر، ج ۱، قم، النشر الإسلامی، -/ چاپ دوم
- ۷- ابن حمزه، محمد بن علی (م. ۵۶۶ق). الوسيلة إلى نیل الفضيلة، ج ۴، تهران، الدارالاسلامیه، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم.
- ۸- ابن رشد القرطبی. بداية المجتهد و نهاية المقتصد، ج ۱، قاهره، المكتبة الازهریه للتراث، ۱۴۱۱/ چاپ اول
- ۹- ابن فهد حلی (م. ۸۴۱ق). الرسائل العشر، ج ۱، قم، مطبعة سيد الشهداء (علیه السلام)، ۱۴۰۹/ چاپ اول
- ۱۰- ابی زکریا، یحیی بن احمد (م. ۵۹۸ق). الجامع الشرائع، ج ۴، تهران، الدارالاسلامیه، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم.
- ۱۱- احمد بن حنبل. مسند، ج ۳، تهران، دارالفکر، ۱۴۰۸/ چاپ اول
- ۱۲- اسلامی، رضا، قواعد کلی استنباط، حلقه دوم، قم، حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸/ چاپ اول
- ۱۳- التسخیری، محمد علی؛ قانصوه، محمود. صلاة الجمعة، ج ۱، تهران، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق/ چاپ اول
- ۱۴- الجابری، کاظم. صلاة الجمعة تاريخيا و فقہيا، ج ۱، قم، الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ق/ چاپ اول
- ۱۵- الجزیری، عبدالرحمن. الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶/ چاپ هفتم

- ۱۶- الشیرازی، سیدمحمد. **الفقه**، ج ۲۶، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۰۸/چاپ دوم
- ۱۷- الصدر، السید محمد باقر. **دروس فی علم الاصول**، الحلقة الاولى و الثانية، قم، مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۲۸ ق/ چاپ سوم
- ۱۸- العاملی، زین الدین الجبعی (م. ۹۶۶ق). **الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، ج ۱، تهران، تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ش/ چاپ یازدهم
- ۱۹- العاملی، زین الدین الجبعی. (م. ۹۶۶ق). **مسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام**، ج ۱، قم، مکتبه بصیرتی
- ۲۰- العاملی، زین الدین محمد (م. ۹۰۰ق). **ترجمه لمعه دمشقیه**، غروریان، محسن- شیروانی، علی، قم، دارالفکر، ۱۳۷۸/ چاپ یازدهم
- ۲۱- العاملی، محمدجواد الحسینی (م. ۵۹۸ق). **مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة**، ج ۲، تهران، آل البيت
- ۲۲- الفقیه، محمدتقی (م. ۱۴۰۰ق). **مناهج الفقیه**، ج ۱، تهران، دارالأضواء، ۱۴۱۴ق/ چاپ اول
- ۲۳- الویری، محسن. **شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه**، ج ۱، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴ش/ چاپ اول
- ۲۴- آندلسی، ابن حزم. **المحلی بالآثار**، ج ۳، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸/ چاپ اول
- ۲۵- بحر العلوم، محمد بن محمدتقی (م. ۱۳۶۰ ق). **بلغه الفقیه**، ج ۱، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۶۲/ چاپ دوم
- ۲۶- بحرانی، شیخ یوسف (م. ۱۱۰۷ق). **الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة**، ج ۱، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۲/ چاپ دوم
- ۲۷- بخاری. **الصحيح**، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸/ چاپ اول
- ۲۸- بروجردی، حسین (م. ۱۳۸۰ق). **البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر**، قم، دارالعلم، ۱۳۸۸/ چاپ پنجم
- ۲۹- بروجردی، حسین (م. ۱۳۸۰ق)، **جامع أحادیث الشیعة**، ج ۶، تهران، دارالاولیاء، ۱۳۹۷ق/ چاپ اول
- ۳۰- بنی هاشم، سیدمحمدحسن. **توضیح المسائل مراجع**، ج ۱، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ش/ چاپ اول

- ۳۱- بهایی، محمدبن حسین(م.۱۰۳۱ق). رسائل الصلاة، ج ۴، تهران، آل البيت (عليهم السلام)، ۱۴۲۹ق/ چاپ اول
- ۳۲- بهشتی احمد. تأملات کلامی و مسائل روز، ج ۱، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۸/ چاپ اول
- ۳۳- بیرشک، حسین. مبانی کلامی اصول فقه امامیه مکتب شیخ مفید(رساله دکتری)، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام
- ۳۴- ترمذی. الجامع الصحيح، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸/ چاپ اول
- ۳۵- تمیمی عابدی، عبدالواحد. غررالحکم و درر الکلم، دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم
- ۳۶- جواهری، حسن. بحوث فی الفقه المعاصر، ج ۱، بیروت، دار الذخائر، ۱۴۱۹/ چاپ دوم
- ۳۷- حسینی روحانی، محمدصادق. فقه الصادق، ج ۵، قم، دار الکتاب، ۱۴۱۲ق/ چاپ سوم
- ۳۸- حلبی، ابی الصلاح(م.۴۴۷ق). الکافی فی الفقه، ج ۳، تهران، الدارالاسلامیه، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم.
- ۳۹- حلبی، حمزه بن علی(م.۴۴۷ق). غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، ج ۴، تهران، الدارالاسلامیه، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم.
- ۴۰- حلبی، علاء الدین(م.۴۴۷ق). اشاره السبق إلى معرفة الحق، ج ۴، تهران، الدار الاسلامی، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم.
- ۴۱- حلی، جعفر بن الحسن(م.۷۱۶ق). المختصر النافع، ج ۴، تهران، الدارالاسلامیه، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم.
- ۴۲- حلی، جعفر بن الحسن(م.۷۱۶ق). شرائع الإسلام، ج ۱، تهران، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق/ چاپ دوم
- ۴۳- حلی، حسن بن یوسف(م.۷۲۶ق). تبصرة المتعلمین، ج ۱، بیروت، دارالایمان، ۱۴۰۶ق/ چاپ اول
- ۴۴- حلی، حسن بن یوسف(م.۷۲۶ق). قواعد الأحکام فی مسائل الحرام و الحلال، ج ۴، تهران، الدارالاسلامیه، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم.
- ۴۵- حلی، حسن بن یوسف(م.۷۲۶ق). قواعد الاحکام، ج ۱، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳/ چاپ اول

- ۴۶- حلی، حسن بن یوسف (م. ۷۲۶ق). *مختلف الشیعة فی احکام الشریعة*، ج ۲، قم، مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۱۴ق/چاپ اول
- ۴۷- حلی، حسن بن یوسف (م. ۷۲۶ق). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، ج ۵، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۴۱۴ق/چاپ هفتم
- ۴۸- خامنه ای، سید علی. *ترجمه فارسی اجوبة الاستفتائات*، تهران، الهدی، ۱۳۸۳/چاپ هفتم
- ۴۹- خامنه ای، سید علی. *اجوبة الاستفتائات*، ج ۱، بیروت، الدار الإسلامیة، ۱۴۲۷ق/چاپ ششم
- ۵۰- خلخالی موسوی. *فقه الشیعة*، ج ۱، تهران، مهر، ۱۴۱۷/چاپ پنجم
- ۵۱- خمینی، روح الله موسوی. *تحریر الوسیلة*، ج ۱، بیروت، دارالانوار، ۱۴۰۳/چاپ اول
- ۵۲- خویی، سید ابوالقاسم (م. ۱۳۲۴ق). *منهاج الصالحین*، ج ۱ و ۲، تهران، لطفی، ۱۳۵۲ش/چاپ دوم
- ۵۳- خویی، سید ابوالقاسم. *مبانی تکملة المنهاج*، ج ۱ و ۲، تهران، دارالزهراء، ۱۳۵۲ش/چاپ دوم
- ۵۴- راوندی، سید بن عبدالله (م. ۵۳۷ق). *فقه القرآن*، ج ۴، تهران، الدار الإسلامیة، ۱۴۱۰ق/چاپ دوم.
- ۵۵- سبحانی، جعفر. *منشور عقاید امامیه*، ج ۱، قم، موسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۹/چاپ ششم.
- ۵۶- سبحانی، جعفر. *الموجز فی اصول الفقه*، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۸/چاپ اول.
- ۵۷- سجستانی، ابوداود. *سنن*، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸/چاپ اول.
- ۵۸- سرخسی، شمس الدین. *المبسوط*، ج ۲، استانبول، دارالدعوة، ۱۴۰۳/چاپ اول
- ۵۹- سلار، حمزه بن عبدالعزیز (م. ۴۴۷ق). *المراسم العلویة*، ج ۳، تهران، الدار الإسلامیة، ۱۴۱۰ق/چاپ دوم.
- ۶۰- سیستانی، سید علی. *منهاج الصالحین*، ج ۱، قم، مهر، ۱۴۱۷/چاپ پنجم
- ۶۱- شافعی محمد بن ادريس. *الام*، ج ۱، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۳/چاپ اول
- ۶۲- شریف، مرتضی علی بن الحسین (م. ۴۰۶ق). *الانتصار*، ج ۳، تهران، الدار الإسلامیة، ۱۴۱۰ق/چاپ دوم.

- ۶۳- شریف، مرتضی علی بن الحسین (م. ۴۰۶ق). المسائل الناصريات، ج ۳، تهران، الدارالإسلامیه، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم.
- ۶۴- شریف، مرتضی علی بن الحسین (م. ۴۰۶ق). جمل العلم و العمل، ج ۳، تهران، الدارالإسلامیه، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم.
- ۶۵- شیروانی، علی - عباسی، محمد مسعود. ترجمه و تبیین شرح اللمعة، قم، دارالعلم، ۱۳۸۸/ چاپ پنجم
- ۶۶- صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق). المقنع فی الفقه، ج ۳، تهران، الدارالإسلامیه، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم.
- ۶۷- صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق). من لایحضره الفقیه، ج ۲، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۹/ چاپ اول
- ۶۸- صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق). الهدایة بالخیر، ج ۳، تهران، الدارالإسلامیه، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم.
- ۶۹- طباطبایی، سید علی (م. ۸۴۱ق). ریاض المسائل، ج ۴، قم، النشر الإسلامی، ۱۴۱۴ق/ چاپ اول
- ۷۰- طباطبایی، محمدحسین (م. ۱۴۰۱ق). المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۲ش/ چاپ چهارم
- ۷۱- طبرسی، ابی علی الفضل (م. ۵۸۸ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹ و ۱۰، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق/ چاپ دوم
- ۷۲- طوسی، محمد بن الحسن (م. ۴۶۰ق). الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۱، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳/ چاپ چهارم
- ۷۳- طوسی، محمد بن الحسن (م. ۴۶۰ق). التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۳۹۰ق/ چاپ اول
- ۷۴- طوسی، محمد بن الحسن (م. ۴۶۰ق). الجمل و القعود، ج ۳، تهران، الدارالإسلامیه، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم.
- ۷۵- طوسی، محمد بن الحسن (م. ۴۶۰ق). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ج ۳، تهران، الدارالإسلامیه، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم.

- ۷۶- طوسی، محمدبن الحسن (م. ۴۶۰ق). تهذیب الأحکام، ج ۳، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۷۶/ چاپ اول
- ۷۷- عاملی، محمدبن حسن حر (م ۱۱۰۴ ق). وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ج ۵، تهران، المکتبه الإسلامیه، ۱۳۷۳/ چاپ ششم
- ۷۸- عظیمی، حبیب الله. نماز جمعه در فقه و تاریخ اسلام. ج ۱، تهران، سپهر، ۱۳۷۹ش/ چاپ اول
- ۷۹- فیض کاشانی، محسن (م. ۱۰۹۱ق). تفسیر الصافی، ج ۵، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۲ق/ چاپ اول
- ۸۰- فیض کاشانی، محمد محسن (م. ۱۰۹۱ق). مفاتیح الشرائع، ج ۱، قم، مجمع ذخائر الإسلامیه، ۱۴۰۱/ چاپ اول
- ۸۱- قاضی، عبدالعزیز (م. ۴۴۷ق). المذهب، ج ۱، قم، النشر الإسلامی، ۱۴۰۶ق/ چاپ اول
- ۸۲- قاضی، عبدالعزیز (م. ۴۴۷ق). المذهب، ج ۳، تهران، الدار الإسلامیه، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم.
- ۸۳- قاضی، عبدالعزیز (م. ۴۴۷ق). جواهر الفقه، ج ۳، تهران، الدار الإسلامیه، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم.
- ۸۴- قمی، میرزا ابوالقاسم (م. ۱۱۲۵ق). جامع الشتات، مرتضی رضوی، ج ۱، تهران، کیهان، ۱۳۷۱ش/ چاپ اول
- ۸۵- کلینی، محمد بن یعقوب (م. ۳۲۹ق). الکافی، ج ۶، تهران، دارالحديث، ۱۳۸۷ق/ چاپ اول
- ۸۶- گرامی. معلقات عروۃ الوثقی، ج ۱، تهران، دارالایمان، ۱۴۰۶/ چاپ اول
- ۸۷- مالک بن انس. الموطأ، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶/ چاپ اول
- ۸۸- مجلسی، محمد باقر (م. ۱۱۱۰ق). بحار الأنوار، ج ۸۶، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق/ چاپ دوم
- ۸۹- محقق، داماد. الصلاة، ج ۲، تهران، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۲۹ق/ چاپ اول
- ۹۰- محمدی المرعشی، محمد الحاج سید اسماعیل. یک بررسی تحقیقی و استدلالی پیرامون وجوب نماز جمعه، ج ۱، تهران، صدر، ۱۳۴۵ق/ چاپ اول
- ۹۱- محمدی مرعشی، سید اسماعیل (م. ۱۴۲۰ق). غایة القصوى، ج ۱، بیروت، المنار، ۱۴۱۵/ چاپ اول
- ۹۲- مرتضی، سید جعفر (معاصر). سیره صحیح پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، ترجمه دکتر محمد سپهری، تهران، سازمان اوقاف، ۱۳۹۰ش/ چاپ اول

- ۹۳- مرعشی، اسماعیل (م. ۱۴۲۰ق). **اجماعیات فقه الشیعه**، ج ۱، بیروت، المنار، ۱۴۱۵/چاپ اول
- ۹۴- مروارید، علی اصغر (م. ۱۴۰۰ق). **سلسله النایع الفقهیه**، ج ۱، تهران، الدارالاسلامیه، ۱۴۱۰ق/چاپ دوم
- ۹۵- مروارید، علی اصغر (م. ۱۴۰۰ق). **سلسله النایع الفقهیه**، ج ۲، تهران، الدارالاسلامیه، ۱۴۱۰ق/چاپ دوم.
- ۹۶- مسجدسرائی، حمید. **ترمینولوژی فقه**، انتشارات پیک کوثر، تهران، ۱۳۹۱/چاپ اول
- ۹۷- مسلم. **الصحيح**، ج ۲، استانبول، المكتبة الاسلامیه، ۱۴۰۸/چاپ اول
- ۹۸- مشکینی، علی (م. ۱۴۳۰ق). **الفقه المأثور**، ج ۱، قم، الهادی، ۱۴۱۸ق/چاپ دوم
- ۹۹- مطهری، احمد. **مستند تحریر الوسیله**، ج ۱، تهران، ۱۴۰۸ق/چاپ دوم
- ۱۰۰- مغنیه، محمدجواد (م. ۱۴۲۵ق). **التفسیر الکاشف**، ج ۷، بیروت، دارالعلم، ۱۹۸۱م/چاپ سوم
- ۱۰۱- مغنیه، محمدجواد (م. ۱۴۲۵ق). **فقه الامام جعفر الصادق علیه السلام**، ج ۱، بیروت، دارالجواد، ۱۴۰۲/چاپ دوم
- ۱۰۲- مفید، محمد بن نعمان (م. ۴۱۳ق). **المقنعه فی الأصول و الفروع**، ج ۳، تهران، الدارالاسلامیه، ۱۴۱۰ق/چاپ دوم.
- ۱۰۳- مقدسی، ابن قدامة. **المغنی**، ج ۲، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۵/چاپ اول
- ۱۰۴- مکارم شیرازی، ناصر. **انوار الفقاهه**، ج ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۳/چاپ اول
- ۱۰۵- مکارم شیرازی، ناصر. **تفسیر نمونه**، ج ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ش/چاپ هفتم
- ۱۰۶- منتظری، حسین علی (م. ۱۴۳۳ق). **دراسات فی ولایت الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه**، ج ۱، قم، المركز العالمی للدراسات الاسلامیه، ۱۴۰۸/چاپ اول
- ۱۰۷- موسوی، حسن. **زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد**، تهران، بوستان کتاب، ۱۳۸۶/چاپ دوم
- ۱۰۸- نجفی محمد حسن (م. ۱۳۳۵ق). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، ج ۱۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱/چاپ هفتم

- ۱۰۹- نجمی، محمدصادق. سیری در صحیحین (صحیح بخاری و صحیح مسلم)، ج ۱، تهران، شرکت افست، ۱۳۶۱/چاپ چهارم
- ۱۱۰- نراقی، احمد بن محمد مهدی (م. ۱۳۶۵ق). مستند الشیعه، ج ۱، بیروت، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۴۰۲/چاپ دوم
- ۱۱۱- نسائی. سنن، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸/چاپ اول
- ۱۱۲- نظام الدین بن سلیمان (م. ۵۶۶ق). اصباح الشیعه بمصباح الشریعه، ج ۴، تهران، الدارالإسلامیة، ۱۴۱۰ق/ چاپ دوم.
- ۱۱۳- نوری، میرزا حسین (م. ۱۳۲۰ق). مستدرک الوسائل، ج ۱، تهران، المكتبة الإسلامیة، ۱۳۸۲ق/ چاپ اول
- ۱۱۴- هاشمی شاهرودی، محمود. قرائات فقهیه معاصره، ج ۱، قم، دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ۱۴۲۳/چاپ دوم
- ۱۱۵- همدانی، آقا رضا (م. ۳۲۹ق). مصباح الفقیه، ج ۳، قم، الصفریة، ۱۴۱۷ق/ چاپ او
- ۱۱۶- یزدی، سید محمد کاظم (م. ۱۳۷۰ق). عروۃ الوثقی، ج ۱، بیروت، دارالایمان، ۱۴۰۶ق/ چاپ اول

## مقالات

- ۱- احمدی، خدابخش؛ بیگدلی، زهرا؛ رئیسی، فاطمه. عوامل مرتبط با میزان شرکت کارکنان در نماز جمعه، علوم رفتاری، ۱۳۸۷، دوره ۲ شماره ۴، ۳۱۷-۳۲۳
- ۲- آصفی، رضا. نماز جمعه در عصر صفویه، دین ماه کتاب، ۱۳۸۳، شماره ۸۰
- ۳- جعفریان رسول. پژوهشی در رساله های نماز جمعه در دوره های صفویه، نورعلم، دوره چهارم شماره سوم
- ۴- رودگر قنبرعلی. تأملی در تاریخ نماز جمعه تا پایان خلافت عباسی، تاریخ و تمدن اسلامی، ۱۳۸۹، سال ششم شماره دوازدهم، ۲۰-۳
- ۵- علماء مصطفی. امام جمعه دیروز از زبان امام جمعه امروز در گفت و شنود، شاهد یاران، ۱۳۸۸، شماره ۴۴
- ۶- نقوی حسین. مشروعیت نماز جمعه در عصر غیبت از دیدگاه مذاهب اسلامی، طلوع، ۱۳۸۶، سال ششم شماره ۲۲

**العنوان:** صلاة الجمعة في عصر الغيبة الإمام الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف في فقه الإمامية

**الأستاذ المشرف:** الدكتور أحمد علي قانع

**الأستاذ المساعد:** الدكتور حسين بيرشك

**الباحث:** كيوان طلايي خو

**الفرع:** الدراسات الإسلامية و الشريعة (إختصاص الفقه و المبادئ القانونية)

## الخلاصة

لا ريب في أهمية إقامة الصلاة الجمعة في إصلاح البشر و الإجتماع. الحكم التكليفي عن هذا الأمر الإلهي في أذهان عموم الناس الملتزمين بفتوي بعض الفقهاء العظام هو وجوب التخييري في زمن الغيبة. هذه الأطروحة تتبع بعض الآيات القرآنية حول صلاة الجمعة و الأحاديث للمعصومين عليهم السلام و النصوص الفقهية المرتبطة و ثلاث نظريات هامة أعني الحرمة و الوجوب التخييري و الوجوب التعيني لصلاة الجمعة في عصر الغيبة مع الأدلة التفصيلية. الأدلة التفصيلية من ناحية القائلين بالحرمة هي ضعفة جداً. ايضاً الأدلة التفصيلية من ناحية القائلين بالوجوب التخييري هي كالنادر و النادر كالأدلة و في النهاية القول بالوجوب التعيني هو قول المختار في هذه الأطروحة. قد أشير إلي بعض من عوامل عدم إكثارات المجتمعات الشيعية بهذه الفريضة الإلهية بالنسبة إلى إهتمام المجتمعات النسبية خلال المطالب الهامة. نحن ننقل العبارات للفقهاء العظام و ثبت عدم الوجود الإجماع يدعي القول بالحرمة أو النفي علي القول بالوجوب التعيني و نرد الشبهات علي القول بالوجوب التعيني. إذاً المقصود من القائلين بالوجوب التخييري هو الوجوب الترتيبي فالنتيجة من هذه الأطروحة تطبيق علي آرائهم و إلا ستبقي الشبهة التي تقول: صلاة الظهر و صلاة الجمعة سويان و التي تؤدي إلي عدم حضور الناس.

**المفردات الأساسية:** صلاة الجمعة، زمن الغيبة، فقه الإمامية.

## **Abstract**

There is no doubt that Friday prayer is of high importance for Muslims and the Islamic society. Due to the fatwas of some grand jurists, people know Friday prayer as 'an optional obligation in the absence of Imam. This thesis deals with this issue through the study of some verses in the Holy Quran, infallible Imams' Narrations and major Jurisprudential texts about the topic of Friday prayer (Salat al-Jomo'ah). Reviewing the proposed reasons about the issue, this thesis compares three theories about the issue, namely forbiddance, optional obligation and deterministic obligation during the absence of Imam. The study concludes that those who believe in the forbiddance have not based their idea on strong justifications. In addition, those who believe it is an optional obligation do not have enough justification. Therefore, the study proves that Friday prayer is a deterministic obligation. Along with the main issues, the main factors that cause Shiite societies to neglect the importance of Friday prayer are compared with those that have made Sunni people pay much attention to it. Quoting Shiite jurisprudence gurus, the study has shown that there is not an ultimate consensus among Shiite jurists about forbiddance and rejection of deterministic obligation for Friday prayer. Furthermore, the thesis has responded to those who believe in the optional obligation of Friday prayer, which is the dominant belief. If they have meant arranging obligation by optional obligation, then the results of this study will be accordant with their belief. Otherwise, the problem of considering Friday prayer as equivalent with noon prayer will follow, which may reduce the popularity of Friday prayer.

## **Keywords:**

Friday prayer, Imamiah fiqh, Shiite jurisprudence, absence of Imam.



**Imam Sadiq University**

**Faculty of Theology, Islamic Teachings, Guidance**

**A thesis presented for the Degree of Master of Art in**

**Jurisprudence and Islamic law principals**

**Friday prayer in the era of the absence Imam Zaman <sup>peace be upon him</sup>  
in the Imamic Jurisprudence**

**Supervisor:**

**Dr. Ahmad Ali qanea**

**Advisor:**

**Dr. Hosein Birashk**

**Student:**

**Keyvan talaee khu**

**February 20014**

